

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

پدیده دلتا یا نظم پنهان در تمامی بازارها

Delta Phenomenon OR Hidden Order in All Markets



شناختن

سرشناسه: وايلدر، ج. ولز Wilder, J. Welles
عنوان و نام بدپيداًور: پدیده دلتای نظام پنهان در تمامی بازارها / [ج. ولز وايلدر]؛ مترجم بهنام حسین نژاد.
مشخصات نشر: اربيل: باغ اندیشه، ۱۳۹۶ .
مشخصات ظاهري: ۱۹۴ ص. : نمودار؛ ۵x۱۴/۲۱ س.م .
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۲-۴۸-۶ : ۰۰۰۰۰۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فيضا
يادداشت: عنوان اصلی: The Delta phenomenon, or, The hidden order in all markets, c۱۹۹۱
موضوع: بازار معاملات آتی - آینده‌نگری
Futures market - Forecasting
موضوع: بازار - آینده‌نگری
Markets - Forecasting
موضوع: سفت‌هه بازی و بورس بازی
Speculation
موضوع: افروزده: حسین نژاد، بهنام، ۱۳۶۴
رد ه بندی كنگره: HG ۰۲۴ / و ۰۴۶ ۴ / و ۰۲۴
رد ه بندی دیوبی: ۳۲۲/۶۴۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۰۹۴۵۹

نام کتاب: پدیده دلتای نظام پنهان در تمامی بازارها
مولف: وايلدر، ج. ولز مترجم: بهنام حسین نژاد
صفحه آرایی: ياسر امامی
تیراز:
قطع: رقعي
تعداد صفحه: ۱۹۴ صفحه
ناشر: باغ اندیشه
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
قيمت: ۰۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۲-۴۸-۶

در صورت تمایل و به منظور حمایت از اثر و تشویق مترجم
می توانید مبلغ دلخواه خود را به شماره حساب زیر
بنام بهنام حسین نژاد واریز نمایید.
(بانک ملت) ۰۱۹۰-۳۳۷۹-۰۱۰۴-۸۷۰۵

فهرست

۷	فصل اول: پدیده دلتا یا نظم پنهان در تمامی بازارها
۲۷	فصل دوم: جلوه‌ای از حقیقت
۵۱	فصل سوم: تایم فریم میان مدت دلتا (ITD)
۷۵	فصل چهارم: گروه‌های هم خانواده
۸۳	فصل پنجم: تایم فریم متوسطه دلتا یا (MTD)
۹۷	فصل ششم: تایم فریم دراز مدت دلتا یا (LTD)
۱۲۹	فصل هفتم: تایم فریم خیلی دراز مدت دلتا یا (SLTD)
۱۴۷	فصل هشتم: تایم فریم کوتاه مدت دلتا یا (STD)
۱۷۷	فصل نهم: معامله با نقاط چرخش دلتا

پیشگفتار

من حتی در رویاهای جاه طلبانه‌ام هرگز فکر نمی‌کرم که چنین کتابی را خواهم نوشت، البته خیلی کمتر از چاپ کردنش به نوشتن آن فکر می‌کرم. با این حال، یک آگهی تبلیغاتی بی ارزش در یکی از روزنامه‌های محلی و در تابستان سال ۱۹۹۰ با اتفاقات زنجیره‌ای آغاز شد که منجر به انتشار این کتاب شد. در روز چاپ آگهی در این روزنامه محلی، دو تن از مدیران دلتا (از اقصی نقاط دنیا) با من درباره آگهی یادشده تماس گرفتند. آنها نگران این بودند که راز دلتا که هر کدام برای آن ۳۵۰۰۰ دلار پرداخت کرده بودند، در اختیار سایرین قرار گرفته است. یکی از آنها، آگهی را به من فاکس کرد و باید اعتراف کنم که از آنچه دیدم شوکه شدم و ترسیدم. فردی به هویت اعلام کرده بود که کتابی را برای فروش در اختیار دارد که راز « مهمترین کشف در مورد بازارها » را نشان می‌دهد. آگهی تبلیغاتی و

کلمات به کار رفته در آن تقریباً شبیه تبلیغات من بود که در سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۶ در روزنامه‌ها و مجلات سراسر دنیا پیرامون جامعه بین‌المللی دلتا منتشر شده بود.

تصویری از نمودار George Marachal و اخطاری که نقاط چرخش در هر دو تایم فریم می‌توانستند رفتار بازار را تا ده سال آینده و یا بیشتر پیش بینی کنند، حتی درجه بندی دقیق (با کمی تغییر) همه شان مانند آگهی قبلی من بودند. بلا فاصله دانستم که چیز خاصی در این آگهی وجود ندارد اما می‌توان ادعا کرد که در این آگهی به پدیده دلتا اشاره شده است. از این کسی کتابی درباره پدیده دلتا منتشر کرده است، تعجب کردم، بعلاوه خیلی غم انگیز بود که ناشر قلابی از تبلیغات من استفاده کرده و سعی داشت آنرا بفروشد. ابتدا سعی کردم که یک کپی از این کتاب را پیدا کنم، اما ناشر به من گفت که کتاب تا سه یا چهار هفته آینده آماده نخواهد بود. بعد سعی کردم با Gary Mackhan تماس بگیرم، اما ناموفق بود. پس با وکیل جلسه اضطراری گذاشتم و یک دادخواست تنظیم کردیم. ما به آقای Gary Mackhan دادخواست را فرستادیم که بلا فاصله پس از این دادخواست، انتشار آگهی‌های تبلیغاتی متوقف شد و موجب ترس ما شد که نامبرده به صورت آگاهانه در یک طرح غیرقانونی دخالت داشت.

واضح بود که یکی از مدیران دلتا قراردادش را نادیده گرفته است و این راز را فاش کرده است. باید اعتراف کنم که از این اتفاقات خیلی ناراحت شدم و پس از آن تصمیم گرفتم تا کتاب کاملی از همه چیزهایی که به مدیران دلتا در جلسه گرینزبرو به آنان یاد دادم را بنویسم.

فصل اول
پدیده دلتا

یا نظم پنهان در تمامی بازارها

آنچه در این کتاب درباره آن می‌خوانید خیلی شگفت‌انگیز است. این راز هزاران سال است که پنهان مانده است. من کاملاً مطمئنم و براین باورم که وقتی شما این کتاب را خواندید، با من موافق خواهید بود که هیچ‌کس تاکنون آن را کشف نکرده است. تا حدی که، برای شما غیرقابل باور کردن خواهد بود که این پدیده توانسته هزاران سال از دید همه‌کسانی که در پی آن بوده‌اند پنهان بماند زیرا این پدیده بسیار ساده است. از سویی دیگر، عجیب‌تر از همه این‌ها، این است که چگونه هیچ‌کس نتوانسته برای کشف آن اقدام کرده و به این پدیده را پی ببرد.

وقتی که من جزوه اصلی دلتا را نوشتتم، فکر کردم که جرج مارشال یکی از تایم فریم‌های دلتا را کشف کرده است. به‌هرحال پس از گفتگو با یکی از افرادی که با او کار می‌کرد، متقادع شدم که مارشال چیزی راجع به پدیده

دلتا نمی‌داند. ظاهراً آنچه او در پیش‌بینی‌های معروف خود استفاده می‌کرد یک فرآیند پیچیده ریاضی بود، همچنین محاسبات پیچیده ریاضی وی تنها در یک تایم فریم کار می‌کرد. مگرنه این که بیشتر اکتشافات بزرگ به صورت تصادفی کشف شده است. به این معنا که، در حین جستجو برای یک نتیجه نهایی خاص، چیزی را پیدا می‌کند که ناشناخته است و این چیز ناشناخته یک نتیجه کاملاً متفاوت تولید می‌کند. با این حال، یکی از جالب توجه‌ترین نکات درباره پدیده دلتا راه کشف آن بود. یک مرد، که در سال ۱۹۸۳ در شهر شیکاگو به تنهایی کار می‌کرد از خود سؤالی پرسید، «آیا در بازار نظمی وجود دارد» سپس، با استفاده از شکل فوق العاده‌ای از توانایی ذهنی، او به صورت تصادفی راه حل مسئله را یافت. راه حل مسئله پدیده دلتا بود، پدیده دلتا اساسی‌ترین چیز در حرکت بازار است. پدیده دلتا اساسی‌ترین جنبه از حوزه مطالعات شناخته شده به عنوان تحلیل تکنیکال است. تحلیل تکنیکال مطالعه حرکت بازار است بطوریکه در یک نمودار دو بعدی شرح داده می‌شود که توسط دو محور X و Y تعریف شده است. ورودی اول یا X قیمت است و ورودی دوم Y حجم است و در مورد آینده تعداد کل مشتقات هستند. اما اصولاً تحلیل تکنیکال مطالعه حرکت بازار است.

حجم‌ها با راه‌های مختلف و روش‌های متفاوتی که کشف شده (اختراع شده) برای استفاده در ورودی قیمت نسبت به زمان و برای پیش‌بینی حرکت بازار نوشته شده است. بسیاری براین باورند که حرکت بازار به هیچ وجه به سادگی قابل پیش‌بینی نیست. من معتقدم که این

کتاب یکبار برای همیشه این مشاجره را حل و فصل خواهد کرد. اگر در بازار نظمی وجود دارد، پس بازارها باید قابل پیش‌بینی باشند. این نظم یا پدیده دلتا اساس تمام حرکت بازار نسبت به زمان است. این نظم پایه و اساس تمام تحلیل‌های تکنیکال است. این نظم اساسی‌ترین موضوع درباره بازار است. این نظم نقطه شروع تحلیل تکنیکال است. تمامی روش‌های دیگر در تحلیل تکنیکال در مقایسه با این حقیقت که یک نظم کامل در بازارها وجود دارد رنگ می‌بازد. همان‌طوری که شما نیز خواهید آموخت که، نظم دلتا کامل است. نظم دلتا همیشه از نظم تعریف شده‌ای که بر آن مسلط است پیروی می‌کند. من پدیده دلتا را برای بسیاری از بازارهای مختلف با اطلاعات صدها سال پیش بکار برده‌ام و هرگز عملکرد نامناسبی از این نظم را ندیده‌ام. این نظم، کامل است. به‌حال، این بدان معنا نیست که نقاط حداکثر و حداقل دلتا نسبت به زمان کاملاً دقیق هستند. نقاط یادشده دقیق نیستند. با این حال به‌اندازه کافی به تاریخ پیش‌بینی شده نزدیک هستند که هنگام مشاهده رفتار بازار از منظر دلتا، نظم دلتا در آن نقاط مشهود است. زمانی که یک نفر برای اولین بار این نظم را ببینید هرگز نمی‌تواند بازارها را با همان روش مشابه قبلی درک کند. من پدیده دلتا را یک صدبار به یک صد نفر آموخته‌ام. هریک از این افراد یک چک تضمینی ۳۵ هزار دلاری به من داده و گفته‌اند: «الآن آن چیزی که برایش این‌همه پول پرداخت کرده‌ام را به من نشان بده» اگر کسی هست که از پرداخت این‌همه پول ناالمید شود من از آن خبر ندارم. در مقابل بسیاری از آن‌ها اعلام کردند چیزی را که به دست آورده‌اند بیشتر

از ارزش پولشان است.

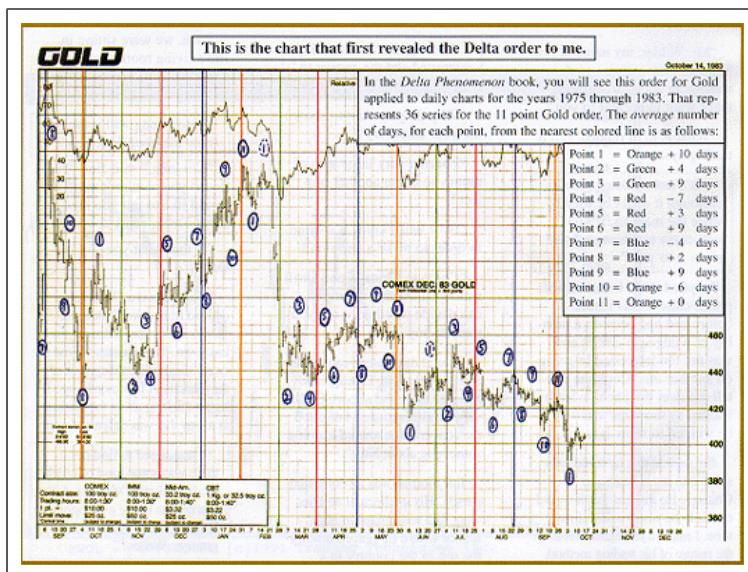
هم‌اکنون قصد دارم آن را به شما یاد دهم، به همان روشی که آن را صدها بار برای صدھا نفر تدریس کرده‌ام. من فرض می‌کنم که شما دو بروشور دلتا را که در ابتدای این کتاب ارائه شده است، خوانده‌اید. من از زمانی که اولین بار نظم دلتا را دیدم، شروع می‌کنم و آن چیزی که یادگرفته‌ام و از آن زمان تاکنون در آن پیشرفت کرده‌ام را به شما یاد می‌دهم. در صفحات ذیل پانزده نمودار اصلی را که جیم اسلومان در پاییز سال ۱۹۸۳ در شیکاگو به من نشان داد را مشاهده خواهید کرد. شما آن چیزی که من در بروشور توضیح داده‌ام را تجربه خواهید کرد:

«من به نمودار نگاه کردم، نمودار با خطوط رنگی و اعداد تزئین شده بود. تنها ۵ ثانیه زمان می‌برد تا کل نمودار را نگاه کنم و آنچه را که دیده‌ام را درک کنم. نمی‌توانستم به سادگی باور کنم که پاسخ این سؤال خیلی ساده است. ناگهان از ته دل ترسیدم...»

هم‌اینک راز دلتا چنین است،

نمودار ذیل، نمودار قیمت طلای جیم اسلومان است. شما بلافاصله متوجه دو چیز می‌شوید. ابتدا خطوط عمودی رنگی با فاصله تقریباً یکسان در نمودار را مشاهده می‌کنید. این خطوط عمودی چهار رنگ دارند که به صورت منظم تکرار می‌شوند. ما این مجموعه چهار خط رنگی را شبکه (گرید) می‌نامیم. موقعیت این خطوط رامی توان از زمان گذشته یا در زمان آینده و تا جایی که ممکن است محاسبه کرد. دومین چیزی که متوجه آن خواهید شد، حداکثر و حداقل بازار است که در یک سری تکراری از اعداد

۱ تا ۱۱ شماره گذاری شده است. هم‌اکنون یک عدد را انتخاب کنید، به عنوان مثال عدد ۱ را انتخاب کنید. موقعیت عدد ۱ نسبت به خطوط رنگی در کجا قرار داد؟ عدد ۱ تنها پس از خط نارنجی رنگ قرار می‌گیرد. شماره دیگری را انتخاب نمایید، شماره ۱۱ را می‌گوییم. عدد ۱۱ بر روی خط نارنجی رنگ قرار می‌گیرد. عدد دیگری را انتخاب نمایید. عدد ۲ را می‌گوییم. عدد ۲ تنها بعد از خط سبز رنگ قرار می‌گیرد. عدد ۲ پس از عدد ۱ در نمودار قرار دارد. عدد ۲ بعدی در کجا نمودار قرار خواهد گرفت؟ ... تقریباً در کدام تاریخ؟ الان شما چیزی را که من ظرف ۵ ثانیه دیدم مشاهده کردید! عدد ۲ تقریباً در تاریخ ۳۱ اکتبر جای می‌گیرد. اندکی تأمل کنید و اهمیت موضوع را درک نمایید. ما تنها رویدادهای آینده را پیش بینی می‌نماییم. نقطه ۳ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... بین خطوط سبز و قرمز رنگ نقطه ۴ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... تنها قبل از خط قرمز رنگ نقطه ۵ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... تنها بعد از خط قرمز رنگ نقطه ۶ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... بین خطوط قرمز و آبی رنگ نقطه ۷ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... تنها قبل از خط آبی رنگ نقطه ۸ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... تنها بعد از خط آبی رنگ نقطه ۹ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... بین خطوط آبی و نارنجی رنگ نقطه ۱۰ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... تنها قبل از خط نارنجی رنگ نقطه ۱۱ام در کجا نمودار جای می‌گیرد؟... بر روی خط نارنجی رنگ

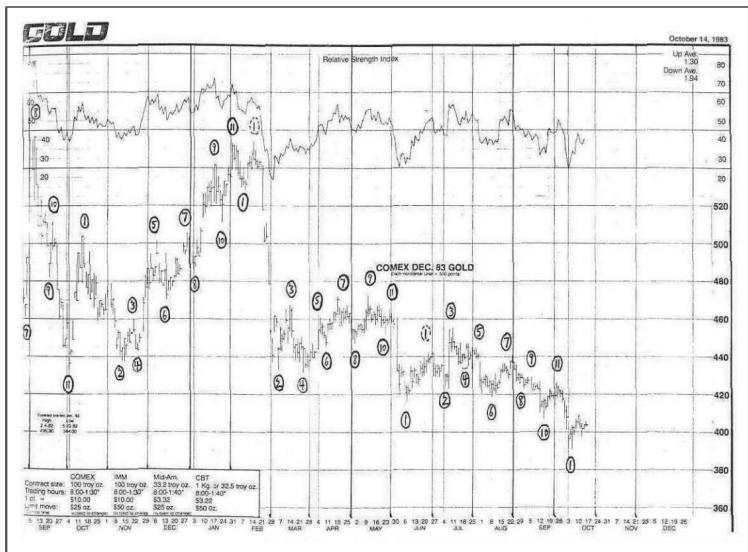


قرارگیری این نقاط در موقعیت‌های مشابه نسبت به خطوط رنگی در زمان گذشته تا جایی که بتوان عقب رفت و در زمان آینده تا جایی که پیش رو، ادامه خواهد یافت. آیا من می‌گوییم که نمودار طلا همیشه یازده نقطه خواهد داشت و این نقاط کاملاً قابل پیش بینی خواهند بود؟!! بلی این دقیقاً همان چیزی است که من می‌گوییم. زیرا خطوط رنگی کاملاً قابل پیش بینی هستند. ما ظرف یک دقیقه خواهیم آموخت خطوط رنگی کدام‌ها هستند. اما در ابتدا جنبه‌های دیگر دلتا را یاد می‌گیریم. به این معنا که

وارونگی

توجه داشته باشید که یازده نقطه یادشده در نمودار طلا همیشه بین بالاترین و پائین ترین نقطه و بالعکس پائین ترین و بالاترین نقطه چرخش می نماید. در این نمودار، نقطه (۲) تا انتهای سری و تا نقطه (۱۱) چرخش می نماید. در وارونگی ممکن است چرخش از بالا به پائین تنها به چرخش از پائین به بالا تغییر یابد. به عبارت دیگر چرخش از بالا به پائین، فقط یکبار اتفاق می افتد و تا انتهای سری شماره گذاری شده قابل پیش بینی است. وارونگی تنها در نقطه (۱) می تواند اتفاق بیافتد. و هرگز در جای دیگر اتفاق نمی افتد. توجه داشته باشید که در نمودار، در مورخه ژانویه تا فوریه (بین خطوط نارنجی و سبز) و در ابتدای فاصله زمانی یادشده نقطه (۱) دایره ای شکلی وجود دارد و پس از آن دومین نقطه (۱) با یک دایره نقطه (۱) چین شده وجود دارد. اگر شما از تمام چیزهای در سمت راست نقطه (۱) چشم پوشی کنید، فکر خواهید کرد که بازار قصد دارد صعود نماید و یک حداکثر قیمتی را در نقطه (۲) خواهد ساخت، به طوریکه بازار به سمت خط سبز حرکت می کند. اما به جای این حرکت، چیزی متفاوت اتفاق می افتد. بازار به سمت بالا شروع به حرکت می کند اما پس از آن به سمت پایین می چرخد و به صورت ناگهانی زیر نقطه (۱) سقوط می کند و نقطه (۲) را در سمت راست خط سبز می سازد (تنها جایی است که گمان آن می رود)، به هر حال نقطه (۲) یک نقطه پائین تراز نقطه بالایی می شود. چه اتفاقی افتاده است؟ بازار معکوس شده است. هنگامی که این اتفاق می افتد، یک نقطه اضافی تشکیل می شود که نقطه بینابینی (IBP)

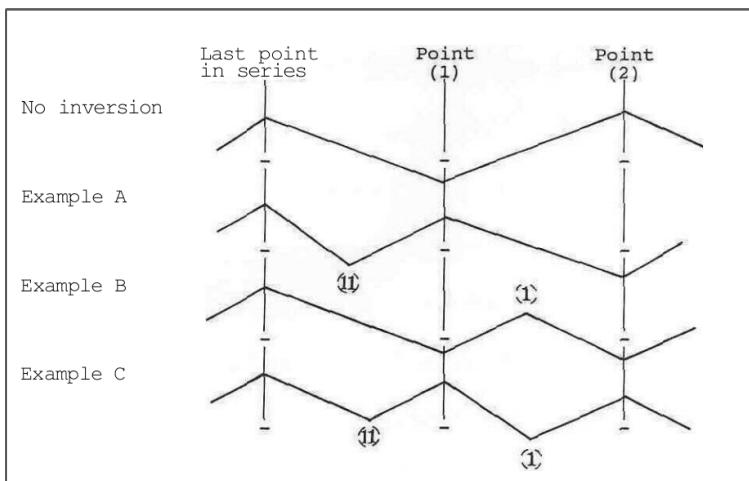
نامیده می شود. پس از همه این اتفاقات، این تنها راهی است که وارونگی می توانند اتفاق بیافتد، به وسیله ایجاد نقطه بینایینی (IBP)، آیا این چنین نیست؟



آیا راهی وجود ندارد که بفهمیم در آینده وارونگی رخ خواهد داد یا نه؟
جواب منفی است!

گاهی اوقات یک وارونگی دوبله اتفاق می افتد. زمانی این اتفاق می افتد که در طرف دیگر نقطه (1) یک نقطه بینایینی (IBP) وجود دارد. وارونگی دوبله به ناوارونگی منجر می شود. بنابراین ما می بینیم که نقطه بینایینی (IBP) در هر دو طرف نقطه (1) رخ می دهد. اگر نقطه بینایینی (IBP) بین نقطه (11) (آخرین نقطه سری) و نقطه (1) رخ دهد، در این صورت IBP

بوسیله نقطه (۱۱) به شکل دایره نقطه چین و بعد از نقطه (۱۱) توصیف می‌شود. اگر IBP بین نقطه (۱) و نقطه (۲) رخ دهد، در این صورت IBP نقطه (۱) به شکل دایره نقطه چین شده و بعد از نقطه (۱) توصیف می‌شود. مدت زمانی را که در آن می‌تواند وارونگی رخ دهد را پنجره زمانی وارونگی می‌نامند (ITW). پنجره زمانی وارونگی از آخرین نقطه سری‌های قبلی شروع شده و در انتهای نقطه دوم سری‌های جدید خاتمه می‌یابد. ما وارونگی را دقیقاً توضیح دادیم، وارونگی سخت‌ترین مفهوم دلتا است و سادگی مفهوم دلتا را نشان می‌دهد. قبل از این که به این بحث ادامه دهم. می‌خواهم به کمک نمودار به شما نشان دهم که تنها چهار راه وجود دارد که می‌تواند وارونگی رخ دهد.



مطلوب ذیل یک جمع بندی درباره وارونگی است.

۱- وارونگی تنها می‌تواند در نقطه ۱ اتفاق بیافتد.

۲- وارونگی چه اتفاق بیافتد و چه نیافتد قابل پیش بینی نیست، این امر تصادفی است.

۳- وارونگی ممکن است مابین آخرین نقطه سری قبلی و نقطه (۱) اتفاق بیافتد که در این صورت IBP بین آخرین نقطه سری و نقطه (۱) اتفاق می‌افتد و توسط یک دایره نقطه چین با استفاده از همان عدد قبلی به عنوان آخرین نقطه سری توصیف می‌شود. (مثال A)

۴- وارونگی ممکن است بین نقطه (۱) و نقطه (۲) اتفاق بیافتد، که در این صورت IBP بین نقطه (۱) و نقطه (۲) رخ می‌دهد و با یک دایره نقطه چین با استفاده از همان عدد (۱) به عنوان اولین نقطه در سری توصیف می‌شود. (مثال B)

۵- وارونگی دوگانه زمانی اتفاق می‌افتد که IBP در دو طرف نقطه (۱) وجود دارد. در نتیجه وارونگی دوگانه وارونگی نمی‌باشد. (مثال C)

۶- برآورد شده است که وارونگی تقریباً در ۳۵ درصد موارد اتفاق می‌افتد. وارونگی دوگانه نیز در ۱۵ درصد مواقع اتفاق می‌افتد. هنگامی که نقطه (۲) به عنوان یک نقطه حداکثر یا حداقل مشخص می‌شود، پس از آن هر نقطه باقی مانده در سری به عنوان نقاط حداقل یا حداكثر قابل پیش بینی هستند. به عبارت دیگر پس از آن که چرخش از بالا به پائین اتفاق افتاد آن چرخش ادامه خواهد یافت تا زمانی که سری پایان یابد و نقطه (۱) دوباره اتفاق بیافتد.

بدیهی است که پایه و اساس نظم تمامی بازارها خطوط رنگی هستند. توجه داشته باشید که چهار خط رنگی بارها و بارها تکرار می‌شوند. ما به خطوط رنگی به عنوان «شبکه» به آن مراجعه می‌کنیم. همانطوریکه گفته‌ایم، این شبکه از فاصله زمانی گذشته یا در زمان آینده تاجائی که بخواهیم جلو برویم کاملاً قابل پیش‌بینی است. برای مدت زمان نمایش داده شده در نمودار، از سپتامبر ۱۹۸۲ تا دسامبر ۱۹۸۳، شبکه برای همه بازارها یکسان است. به عبارت دیگر، برای هر دوره زمانی، شبکه برای تمامی بازارها یکسان است. بنابراین شبکه برای تمامی بازارها یک ثابت (دوره زمانی ثابت) است.

پس از آن چه خواهد شد، متغیرها کدام‌ها هستند (چیزهایی که در هر بازار تغییر می‌کند؟) هر بازار دو متغیر دارد؟

۱) تعداد نقاط در سری‌ها؟

۲) موقعیت نقطه (۱).

در حال حاضر ما تایم فریم میان مدت دلتا یا INTERMEDIATE TERM DELTA را مطرح می‌کنیم. همانطوریکه در این تایم فریم دیده می‌شود، نمودار طلا یازده نقطه دارد. بیشترین تعداد نقاط در سری‌ها در این تایم فریم برای بازارهای کالایی ۱۲ نقطه است، که این بازار شامل غلات است. کمترین تعداد نقاط مربوط به گروه انرژی شامل نفت و گاز است که تعداد ۷ نقطه است.

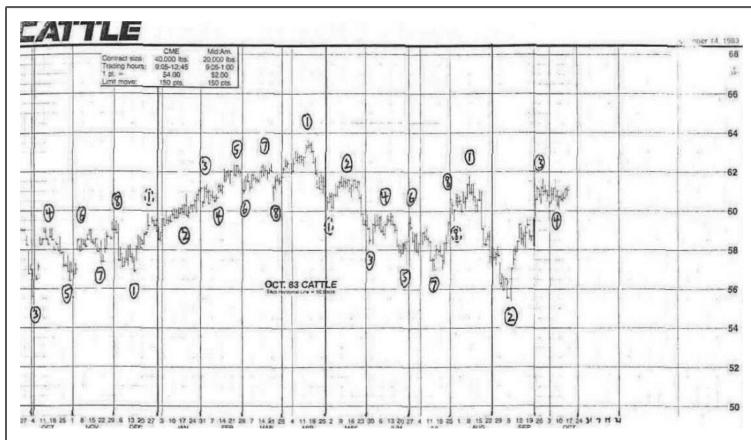
چرا موقعیت نقطه (۱) مهم است؟ یکی از دلایل این است که موقعیت نقطه (۱) تنها جائی است که وارونگی می‌تواند در آن جا اتفاق بیافتد. به

عنوان مثال، در نمودار طلا، نقطه (۱) بین خط نارنجی رنگ و خط سبز رنگ اتفاق می‌افتد. به هرحال، در نمودار احشام و اغnam، نقطه (۱) بین خطوط سبزرنگ و آبی رنگ قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر نقطه (۱) می‌تواند در هر موقعیتی نسبت به چهار خطوط رنگی قرار گیرد.

دلیل دیگر این است که بیشترین موقعیت احتمالی برای تغییر روند و بنابراین شروع حرکت بزرگ، در دو طرف نقطه (۱) است. اما سؤال این است که آیا نقطه (۱) تنها موقعیتی است که در آن وارونگی می‌تواند رخ دهد؟ جواب سؤال مثبت است و این یک پارادوکس است. بیشترین موقعیت احتمالی برای یک حرکت بزرگ تنها جائی است، که وارونگی می‌تواند در آنجا رخ دهد. در فصل بعدی به شما توضیح خواهیم داد که چگونه در این موقعیت معامله کنید؟

هم اکنون، قبل از این که نگاهی به تعدادی از سایر بازارها بیاندازیم، مرور سریعی داشته باشیم به چیزی که تاکنون از نظر ما پنهان مانده است. هر بازاری که آزادانه در آن معامله می‌شود تعداد ثابتی نقاط چرخش دارد که همیشه در همان موقعیت نسبت به خطوط رنگی چهارگانه قرار می‌گیرند. همان طوریکه چهار خط رنگی تکرار می‌شوند، اعداد سری در هر بازار تابی نهایت بار در فاصله زمانی گذشته و آینده تکرار می‌شوند. به عبارت دیگر هرگز نه موقعیت اعداد نسبت به خطوط رنگی تغییر نمی‌کند... و نه هیچ گاه تعداد نقاط در سری تغییر می‌کند. هنگامی که نقطه (۲) به عنوان حداکثرو یا حداقل مشخص شده باشد، پس از آن نقاط بعدی در سری، چرخش از حداقل به حداقل را بواسطه نقطه بعدی ادامه می‌دهند، که در آن زمان

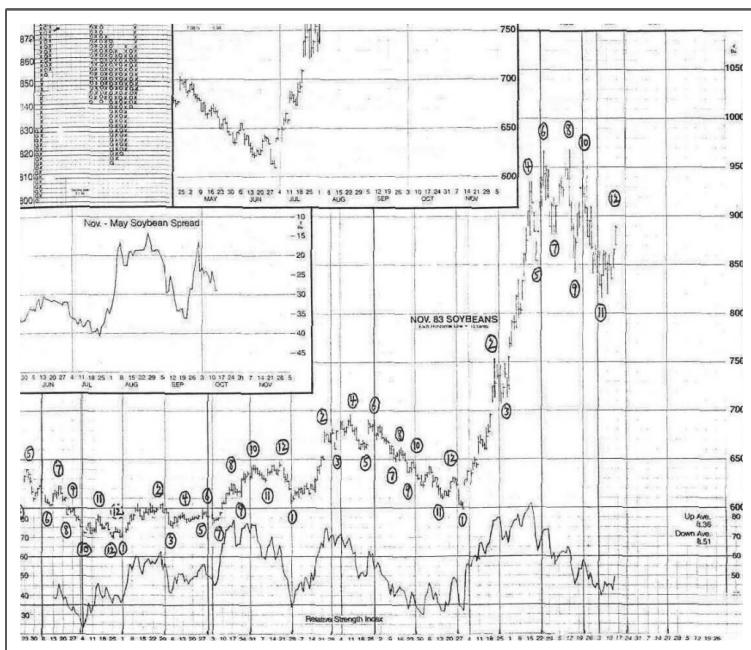
ممکن است یک وارونگی رخ دهد. اگر وارونگی رخ ندهد، چرخش نقاط از حداکثر به حداقل از یک سری به سری دیگر تغییری نمی‌کند.



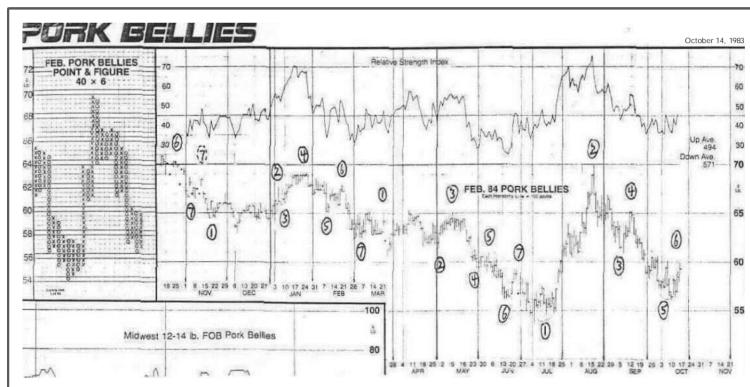
یک دوره زمانی بین هر سری وجود دارد که به آن پنجره زمانی وارونگی می‌گویند (ITW). از آخرین نقطه سری قبلی شروع شده و در دومین نقطه سری بعدی خاتمه می‌یابد. نقطه (۱) در وسط ITW است. وارونگی ممکن است بین آخرین نقطه در سری قبلی و نقطه (۱) رخ دهد یا این که ممکن است بین نقطه (۱) و نقطه (۲) رخ دهد. اگر وارونگی وجود داشته باشد، به احتمال زیاد یک حرکت بزرگ بین نقطه به شکل دایره نقطه چین شده و نقطه پیش رو در ITW با نقطه به شکل دایره و نقطه بعدی وجود دارد. توجه داشته باشید که در نمودار قیمت طلا حرکت بزرگ بین نقطه (۱) و به شکل دایره نقطه چین شده و نقطه (۲) قرار دارد. اگر چه بیشترین موقعیت احتمالی برای رخ دادن حرکت بزرگ در ITW قرار دارد.

حرکت بزرگ ممکن است در هریک از نقاط سری رخ دهد. با این ذهنیت، اجازه دهید که به پانزده نمودار اصلی که آن روز در شیکاگو دیدم، نگاهی بیاندازیم. به نمودار احشام زنده در صفحه قبلی نگاهی می‌اندازیم. نمودار احشام ۸ نقطه دارد و نقطه (۱) بین خط سبز و آبی آمده است. توجه داشته باشید که حرکت‌های بزرگ در اطراف نقطه (۱) رخ می‌دهند.

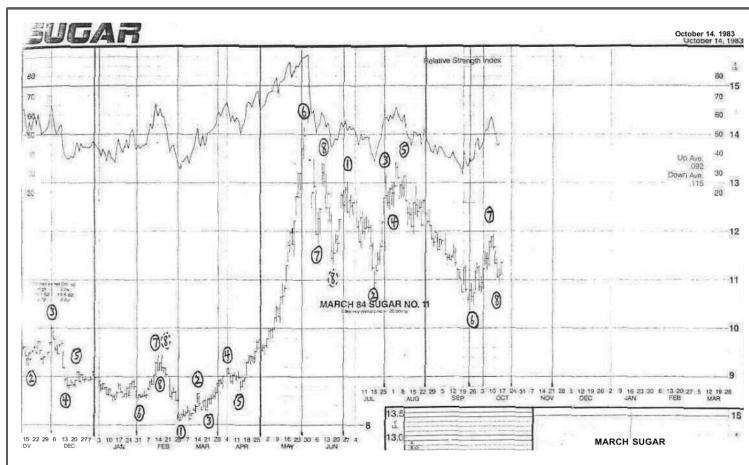
به نمودار بعدی، نمودار سویا نگاه می‌کنیم. نقطه (۱) تنها بعد از خط سیزرنگ آمده است. نمودار سویا ۱۲ نقطه دارد. این بازار بیشترین تعداد نقاط در تایم فریم میان مدت دلتا را در مقایسه با تمامی بازارها دارد. تمامی اعضای این گروه، به عنوان مثال، گروه غلات تعداد نقاط یکسان دارند و همان موقعیت نسبی نقطه (۱) را دارند. اعضای این گروه عبارت‌اند از سویا، روغن سویا، کنجاله سویا، ذرت، گندم، و جو هستند. باز هم خاطرنشان می‌کنم، حرکت‌های بزرگ در اطراف نقطه (۱) رخ می‌دهند. نقطه (۱) تمایل دارد که به پایین‌ترین و اغلب حداقل‌ها میل کند یا بالاترین‌ها و حداکثرها میل کند.



پس از آن به نمودار Pork Bellies نگاه می‌کنیم. وقتی که جیم توالی دلتا را برای نمودار Pork Bellies حل کرد (با استفاده از مقادیر محدودی از داده‌ها) او ۷ نقطه را برای این نمودار تعریف کرد. او مطمئن نبود که همیشه دونقطه چرخش بین نقاط (۱) و (۲) اتفاق خواهد افتاد. تحلیل‌های بعدی من بر روی داده‌های بیش از چندین سال گذشته، گفته‌های وی را تأیید کرد که این نقاط چرخش همیشه رخ می‌دهند و دایره ۷ نقطه چین شده یک نقطه اضافی بود، بنابراین، در واقع نمودار Pork Bellies تعداد ۱۰ نقطه داشت. همچنین نقطه (۱) بین خطوط سبز و آبی قرار داشت. تاکید می‌کنم که حرکت‌های بزرگ در ITW ارخ می‌دهند.

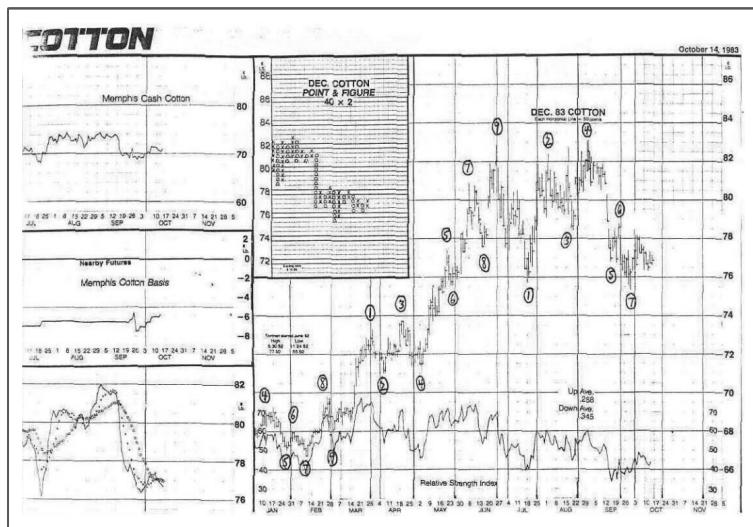


در نمودار شکر، جیم ۸ نقطه داشت که نقطه (۱) تنها بعد از خط سبز رنگ می‌آید. به هر حال، بعد از تحلیل ۱۰ سری از نمودار، معلوم شد که نقطه ۸ چین شده واقعاً نقطه (۹) بود و درواقع وارونگی (نقطه ۱) در نقطه ۶ از نمودار جیم اتفاق افتاد. از این مقدار محدود داده‌ها، ممکن است این سؤال به ذهن خطرور کند که آیا «حرکت‌های بزرگ در نمودار بعضی از اعضای گروه‌های بازار کالا بین نقاط مشخص‌تری از نقطه (۱) اتفاق می‌افتد؟» به عنوان مثال آیا بازار شکر همیشه دارای یک حرکت بزرگ بین نقطه (۵) و نقطه (۶) در نمودار جیم می‌باشد. جواب منفی است! من نتوانسته‌ام هیچ گونه ارتباطی با حرکت‌های بزرگ رخ داده بین هیچ یک از نقاط و در هیچ یک از بازارها پیدا کنم به جز در نقطه (۱).



نمودار جیم نشان می‌دهد که نقطه (۱) درست قبل از خط قرمز رنگ قرار می‌گیرد.

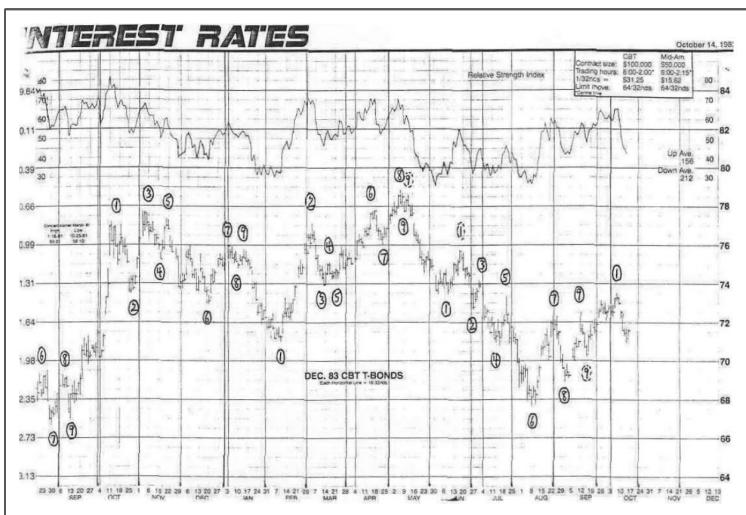
جالب است که بدانید، این تنها نمودار جیم است که در آن وارونگی اتفاق نیافتداده است، بنابراین او نمی‌توانست مطمئن شود که نقطه (۱) در کجای نمودار قرار خواهد گرفت. بعد از کار کردن با مقادیر زیادی از داده‌ها تائید شده مشخص شد که نقطه (۱) در واقع در نقطه (۴) نمودار جیم قرار می‌گیرد. سایر نقاط هنوز در همان موقعیت از نمودار قرار دارند اما هم اکنون شماره‌های متفاوتی دارند.



ما به یکی از پانزده نمودار اصلی جیم که T-Bonds است نگاه خواهیم کرد. اگرچه جیم در نمودار T-Bonds تعداد ۹ نقطه داشت، تحلیل‌های بعدی بر روی داده‌های بیش از چندین سال گذشته نشان داد که دو نقطه اضافی بین نقاط (۵) و (۶) وجود دارند. این دو نقطه باعث می‌شود که مجموع نقاط در بازار T-Bonds به تعداد ۱۱ عدد برسد.

هم اکنون که ما بررسی اجمالی از دوره میان مدت داشته‌ایم (۱۵) نمودار برابر که نمایش داده شدنده همگی هم خانواده بودند) الان برای شما فاش می‌کنم که خطوط رنگی چیست، آن چیزی است که نظم بازارها را تعیین می‌کند. اما در ابتدامی خواهم یک قطعه مهم از اطلاعات را برایتان بازگو کنم. پنج تایم فریم دلتا وجود دارد. اگرچه تاکنون تنها به یکی از تایم فریم‌ها نگاه کردیم. هر چیزی که درباره تایم فریم میان مدت ITD گفته شد دقیقاً

در سایر تایم فریم‌های دلتا نیز بکار می‌رود. تمامی تایم فریم‌ها چهار خط رنگی دارند و غیره. تنها تفاوت در این است که خط رنگی چه چیزی را نمایش می‌دهد. اگر بحث را تا الان دنبال کردید، شما هر چیزی را درباره تایم فریم‌های دلتا می‌دانید به جزاین که منظور از نظم در هر تایم فریم چیست... خطوط رنگی چه چیزی را نمایش می‌دهند؟



فصل دوم

جلوه‌ای از حقیقت

الان ما به جلوه‌ای از حقیقت رسیدیم، راز نظم پنهانی در تمامی بازارها. وقتی که شما درمی‌یابید این راز چیست؟ بلافاصله درمی‌یابید که این راز چه بوده است هیچ چیز دیگری نمی‌تواند این چنین قدر تمدن باشد. این راز می‌تواند برای هر پنج تمامی تایم فریم دلتا با هجده کلمه تعریف شود. بازارها به صورت مستقیم یا معکوس نسبت به اثر متقابل خورشید ماه و زمین بریکدگر تکرار می‌شوند.

در تایم فریم میان مدت دلتا، هر خط رنگی با تاریخ کامل شدن فرص ماه برابر است.

ما می‌توانیم دوره میان مدت دلتا را در نه کلمه تعریف کنیم. رفتار بازارها به صورت مستقیم یا معکوس در هر چهار ماه قمری (زمان کامل شدن قرص ماه) تکرار می‌شود.

این تعریف خیلی ساده‌ای است. این تعریف از بدیهیات است. دستیابی به آن از زمان‌های گذشته در تاریخ به تعویق افتاده است به طوری که از آن زمان اطلاعات قابل دسترس وجود داشت. در عین حال هر کسی که سعی در یافتن نظم واقعی و پنهان در بازارها نموده آن را فراموش کرده است، تا زمانی که توسط جیم اسلومان در تابستان سال ۱۹۸۳ کشف شد. قبل از این که چهار تایم فریم را شروع کنیم. من قصد دارم تا به شما بگوییم جیم اسلومان چگونه پدیده دلتا را کشف کرد. جیم در آپارتمانش در شیکاگو بود. او به همراه تنی چند از معامله گران در اتاق off-floor معاملات آتی انجام می‌داد. اما او تصمیم گرفته بود که قصد ندارد مدت طولانی در بازار معامله نماید حتی اگر می‌توانست پول زیادی به دست آورد. دلیل جیم این بود که وقتی معامله می‌کرد تنها می‌توانست به معامله فکر کند در حالی که او نمی‌خواست زمان زیادی را برای معامله صرف کند. جیم فردی خلاق بود. او یک رمان نوشته بود که هنوز چاپ نشده بود همچنین می‌خواست یک فیلم ترسناک طولانی بسازد. خب در این صورت، جیم به پول زیادی برای تحقیق این امر نیاز داشت.

به هر حال قبل از این که جیم عرصه بازار را ترک کند، او می‌خواست ایده‌اش را درباره بازار دنبال کند. آیا نظمی در بازارها وجود دارد؟

جیم درباره تفکر خلاقانه‌اش روشی را ایجاد کرده بود. او گفت که این روش را از مطالعه آثار آبرت انسیستین یاد گرفت، همان آثاری که اتفاقاً، جیم زمان زیادی را صرف مطالعه آن‌ها کرده بود. روش جیم این بود، تمام دانسته‌های خود را درباره موضوعی که می‌خواست آن را بررسی کند،

فراموش می‌کرد. او خیلی راحت آن‌ها را از مغزش پاک کرد و پس از آن یک سؤال درباره این موضوع پرسید: آیا نظمی در بازارها وجود دارد؟ جیم این سؤال را خود پرسید، پس از آن جواب‌های ممکن را در نظر گرفت بدون آن که تحت تأثیر ایده‌های قبلی قرار گیرد. او در ذهنش تمامی راه حل‌های ممکن را بررسی کرد. مدتی بر روی آن‌ها را فکر می‌کرد. سپس تمام مسئله را به ضمیر ناخودآگاه خود انتقال می‌داد. جیم معتقد بود که ضمیر ناخودآگاه خیلی قوی تر و بهتر از ضمیر آگاه می‌تواند مشکلات را حل نماید. پس از انتقال سؤال به ضمیر ناخودآگاه، جیم به کارهای دیگرش می‌پردازد و عمدهً درباره آن موضوع فکر نمی‌کرد.

هرچند یک راه حل در هر زمانی به دست نمی‌آید، و اگر زمانی هم به دست آید معمولاً در ساعتی از بامداد اغلب نزدیک به ساعت ۳ صبح به دست می‌آید. حدود دو هفته پس از آن که جیم این مشکل را به ضمیر ناخودآگاه خود سپرده بود. زمانی که مدیتیشن می‌داد ناگهان به جواب سؤال رسید.

در این موقع جیم بلند شد و به طرف میز آشپزخانه رفت و راه حل را برای تعدادی از نمودارها به کار گرفت. راه حل موجود درباره نیمی از نمودارها به درستی کار می‌کرد ولی به نظر می‌رسید درباره نیم دیگر آن‌ها مناسب نیست. او از طریق مدیتیشن دنبال بقیه راه حل رفت و حدود یک هفته بعد، هنگامی که دوباره در ساعت بامدادی مدیتیشن انجام داد، ناگهان به بقیه جواب رسید. جیم راه حل کامل را در نمودار خود آزمود و راه حل وی در نمودار کار کرد.

جیم متوجه شد، چیزی را کشف کرده است که از اهمیت زیادی برخوردار است که هزاران سال است همه آن را فراموش کرده‌اند. واقعاً نظمی در بازارها وجود دارد و این نظم قدرتمندترین و اساسی‌ترین عامل تعیین کننده در تمامی زندگی انسان‌ها، گیاهان و حیوانات است. این نظم عامل تعیین کننده اساسی در تمامی تعاملات انسانی بود.

هنگامی که شما از فکر کردن درباره آن دست بر می‌دارید. تعامل کامل خورشید ماه زمین با یکدیگر تمام کارهایی که ما انجام می‌دهیم را مشخص می‌کند. این که ما بیدار شویم یا بخوابیم، هوا سرد است یا گرم، فصل‌ها، روز و شب، ماه‌ها، سال‌ها، حتی جزر و مد اقیانوس را مشخص می‌کند. ما همه شنیده‌ایم که در زمان کامل شدن قرص ماه بیمارستان‌ها با انبوه زنان آبستن پر می‌شوند. پزشکان در تیمارستان‌ها همیشه انتظار بدترین رفتار را از بیماران خود در زمان کامل شدن قرص ماه دارند. هر بار که به ساعتمان نگاه می‌کنیم ما عملکرد تعامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر را مشاهده می‌کنیم.

حتی اگر جیم دقیقاً علت آن را نمی‌دانست، ولی با حس درونی اش بلاfacسله دانست که این جواب سؤال بوده است. نظم به معنی قابل پیش بینی بودن است. چه چیزی قابل پیش بینی تراز تعامل خورشید ماه زمین است؟

این کشف کاملاً گیج کننده بود. تمامی بازارها برپایه این نظم استوار شده‌اند و بنابراین قابل پیش بینی بودن این نظم باید در میان بزرگ‌ترین اکتشافات در تمام دوران رتبه بندی شود.

اگرچه جیم مطمئن بود که این نظم در نه ماه گذشته برای دوازده بازار درست است، اما هنوز اثبات نشده بود که این نظم قابل اطمینان است و موقعیت آن نسبت به جلو و عقب خطوط رنگی تغییر نخواهد کرد. تعداد نقاط در سری‌ها در زمان گذشته و آینده تغییر نخواهد کرد. احتمالاً نظم در داخل و خارج سری محو خواهد شد.

شاید پس از سال‌ها کار کردن در تمامی بازارهای متفاوت و تایم فریم‌ها، تعیین ماه‌های مورد نیاز یادشده محقق شود. جیم دوست داشت چیزها را کشف کند اما پیگیری جزئیات کار جزو اولویت‌های وی نبود. اکنون سؤال این بود که چه باید کرد.

جیم پیش از این تصمیم گرفته بود که دیگر به معامله در بازارها توجهی نکند. اکنون توجهش در پژوهه‌های دیگرش بود و برای ادامه دادن آن‌ها به پول زیادی نیاز داشت. جیم می‌دانست که کشف وی ارزش مالی زیادی دارد ولی مشکل این بود که نمی‌دانست چگونه آن را بفروشد. اگر کشف خود را به یک خریدار آینده نگر نشان می‌داد و خریدار نمی‌خواست که کشف وی را بخرد، کشف وی آن چنان ساده بود که خریدار به راحتی و فوراً آن را به خاطرش می‌سپارد. از طرفی دیگر چرا خریدار آینده نگر قبل از این که کشف وی را ببیند برای آن پولی بپردازد. این وضعیت «*catch 22*» (یک منطق پارادوکس کلاسیک) نام داشت که در این وضعیت نمی‌توانست از آن فرار کند زیرا قوانین در تضاد با یکدیگر بودند.

جیم اقدام به حل این مشکل کرد چون او هر مشکل دیگری را حل کرده بود. او این مشکل را به ضمیر ناخودآگاه خود سپرد تا ضمیرش آن را حل

نماید و سپس توجهش را به کارهای دیگر معطوف کرد.

بازهم، حدود یک هفته بعد، جیم در حدود ساعت ۳ بامداد به جواب رسید. جیم آن لحظه را به خاطرمی آورد که فکری با چنان نیروی قدرتمندی به ذهنش خطور کرد که به نظرمی‌رسید این فکر قابل شنیدن است. جوابی که به ذهنش رسید این بود: این کشف رو به ولز وایلدر بفروش. من هم الان می‌دانم که آن صداها قوی بودند اما آن را مشکل این بود که چگونه شرح دهد؟

جیم شخصاً مرا نمی‌شناخت. او مرا با شهرتم می‌شناخت. در همان روز گوشی تلفن را برداشت و گفتگوی ما تنها به شکل متن نوشته شده در بروشور بود. جیم گفتگو را حتی سنگین تراز آن ساخته بود. قیمتی که جیم در تلفن به من گفت مبلغ دقیقی بود که من به طور غیرمنتظره‌ای یک یا دوز قبل از تماس جیم دریافت کرده بودم.

در این مرحله من می‌خواهم به بازگویی آن چیزی که چهار خط رنگی در تایم فریم‌های باقی مانده دلتا نمایش می‌دهد، ادامه دهم. هنگامی که ما از کل پدیده دلتا پرده برداری کردیم و نشان دادیم که چگونه پدیده دلتا با یکدیگر متناسب هستند، پس از آن ما نمودارها را در هر یک از تایم فریم‌ها مطالعه خواهیم کرد.

آن چه را که من تاکنون فاش کرده‌ام تنها یک تایم فریم از این پدیده باورنکردنی دلتا است. زمانی که من در شیکاگو بودم. جیم درباره تایم فریم‌های دیگر نظم دلتا با من صحبت کرد. او همچنین چهار نمودار را که به نظرمی‌رسید برای اثبات این نظم است به من نشان داد. یکی از

نمودارها، نمودار هفتگی بود. جیم این نمودار را تایم فریم دراز مدت دلتا (Long Term Delta) LTD نامید. تایم فریم دراز مدت دلتا یا (Long Term Delta) LTD را می‌توان در هشت کلمه تعریف نمود.

رفتار بازارها در هر چهار سال به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می‌شود. این تعریف حتی ساده تراست. آیا واقعاً ممکن است که بازارها هر چهار سال یک بار تکرار شوند و هیچ کس آن را ندیده باشد؟ پاسخ بله است. بهترین چیزی که تاکنون کشف شده است این است "چرخه کسب و کار چهار ساله است". نمودارهای قیمتی ۲۰۰ ساله میانگین صنعتی داوجونز توسط تکنسین‌ها مطالعه شده است و هیچ کس تاکنون چنین نظمی را ندیده بود. با این که در طول ۵۰ سال گذشته حتی یک وارونگی در این بازار وجود نداشت، همچنین هیچ کس نیز کشف نکرده بود که در این بازار ۶ نقطه چرخش در هر سری چهار ساله وجود دارد که در طول این مدت به صورت مستقیم (نه به صورت وارونه) در هر چهار سال تکرار شده است. زمانی که در شیکاگو بودم، جیم درباره سومین تایم فریم دلتا که آن را دوره کوتاه مدت دلتا یا (Short Term Delta) STD نامیده بود صحبت کرد. او این تایم فریم را ثابت نکرده بود زیرا به اطلاعات میان روزی نیاز داشت. برای مثال نمودار کندل ۳۰ دقیقه‌ای. برای این منظور جیم از من خواست تا اگر تو انتstem بر اساس آن چیزی که تاکنون دیده‌ام بر روی منطق این تایم فریم تمرکز نمایم. با خودم فکر کردم که این تایم فریم مستلزم تعامل زمین و خورشید یا ماه با یکدیگر است و عدد ۴ نیز در این تایم فریم حائز اهمیت خواهد بود. ناگهان آن چیزی را که باید می‌یافتم،

به ذهنم رسید. باز هم تایم فریم کوتاه مدت دلتا یا STD در هشت کلمه تعریف می‌شود:

بازارها در هر چهار روز به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می‌شوند.

به نظر می‌آمد که جیم کمی تعجب کرد که من این تعریف را به سرعت انتخاب کردم. اما این تعریف به نظر من خیلی منطقی می‌آمد. جیم اذعان کرد که این تعریف حداقل در تئوری درست است، اما هنوز مشکلی وجود دارد. در مورد تعطیلات آخر هفته چطور؟ آیا سری‌ها در میان تعطیلات آخر هفته ادامه می‌یابند یا آن‌ها در روز جمعه متوقف می‌شوند و دوباره در روز دوشنبه شروع می‌شوند. من گفتم نمی‌دانم و جیم هم اعتراف کرد که نمی‌داند. اما گفت زمانی که از طریق مدیتیشن فکری به ذهنش رسید، به من هم اطلاع دهد. چند ماه بعد پس از آن که جیم برای کارکردن بر روی ویژگی‌های فیلم بلندش به کالیفرنیا نقل مکان کرده بود. او به من زنگ زد و گفت که از طریق مدیتیشن به این نتیجه رسیده است که سری‌ها ادامه می‌یابند، در حقیقت، سری‌ها در میان تعطیلات آخر هفته نیز ادامه می‌یابند. چند هفته بعد من با در دست داشتن نمودارهای ۴۰ دقیقه‌ای از بیشتر بازارها به کالیفرنیا پرواز کردم. جیم یک خانه فوق العاده در شمال سن دیگو درست مشرف به ساحل اقیانوس اجراه کرده بود. چشم انداز خانه عالی بود. جیم در حالیکه در آشپزخانه نشسته بود، تایم فریم کوتاه مدت دلتا یا STD را به ترتیب برای تمامی نمودارها حل کرد. من تعجب کردم که جیم چه طوری با این سرعت توانست تایم فریم STD را برای تمامی نمودارها و با وجود شکاف زمانی در هر سری، با توجه به تعطیلات

آخر هفته در آن‌ها حل نماید؟ (در فصل آینده ما روش تحلیل هر بازار و هر کدام از تایم فریم‌های دلتا را به شما یاد خواهیم داد) در این مرحله ما سه تایم فریم دلتا را داریمaz دراز مدت دلتا (LTD)، میان مدت دلتا (ITD) و کوتاه مدت دلتا (STD). تا آنجا که می‌دانیم تایم فریم‌ها این سه بودند.

حدود یک سال بعد، من برنامه ریزی کرده بودم تا جلسه مدیران دلتا در لندن برگزار شود. (در آن زمان ما تعداد قابل توجهی از مدیران دلتا را در اروپا داشتیم). جیم از کالیفرنیا به من زنگ زد و به من گفت که کشف دیگری درباره دلتا پیدا کرده است و از آنجا که جلسه مدیران دلتا حدوداً دو هفته بعد برگزار می‌شد، دلش می‌خواست این کشف را برای همه (خصوصاً من) ارائه دهد. کشف جیم تقریباً برای تمامی مدیران حاضر در آن جلسه نشان داده شد.

جیم ارائه اش را با استفاده از دو پروژکتور آموزشی انجام داد به طوری که دو نمودار را می‌توانست دقیقاً روی پرده نمایش داد. من در حال حاضر سعی می‌کنم خلاصه کشف جیم را که در آنجا ارائه کرده بود برای شما توضیح دهم. جیم شروع کرد، از آن جایی که خانه من در ساحل است، زمانی که جزر و مد در دریا نیست یک ساحل شنی زیبا دیده می‌شود. اما زمانی که جزر و مد در دریاست آب به هر طریقی بالا می‌آید و به دیوار صخره‌ها می‌رسد. همسرم هر روز در ساحل می‌دود و بنابراین از نمودار جزر و مد دریا استفاده می‌کند بخاطر اینکه بداند چه زمانی جزر و مد اتفاق نخواهد افتاد تا او بتواند بددود. چند هفته پیش من از کارکردن با کامپیوتر

دست کشیدم هنگامی که به تمامی نمودارهای جزر و مد اطرافم نگاهی کردم. یکی از آن‌ها را برداشتمن و با خونسردی روی میز گذاشتمن که ناگهان چیزی را که چند لحظه پیش دیده بودم را درک کردم. نمودار جزر و مد یک نتیجه نهایی از تعامل خورشید ماه زمین با یکدیگر است. در این کتاب و در عکس ذیل طرحی از نمودار جزر و مد معمولی نشان داده شده است. بلا فاصله دانستم که این نمودار خیلی مهم است، اما نمی‌دانستم چگونه؟ بنابراین شروع به مطالعه چندین نمودار قبلی ام کردم. نمودارها شیوه‌یک موج سینوسی بودند. متوجه شدم که هر روزی دو متغیر دارد، ارتفاع موج و زمان روزی که سقف‌ها و کف‌های قیمتی تشکیل می‌شوند. در نموداری که من داشتم هیچ کدام از دو روز در نمودار دقیقاً با یکدیگر یکسان نبودند. این موضوع یک سؤال را مطرح کرد. چه مدتی طول می‌کشد تا روزی بیاید که با روز جاری مشابه باشد؟ آیا جواب این سؤال تعامل کامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر را نمایش نخواهد داد؟ اگر این چنین است، پس مدت زمان یادشده همان مدت زمان سری جدید دلتا خواهد شد. این مدت همچنین مدت زمان اولین سری می‌باشد که دقیقاً در تعامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر استفاده می‌شود.

توسط دفتر شرکت Tidelines در سن دیگو، من قادر بودم تا نمودار جزر و مد ماهانه شش سال گذشته را به دست بیاورم. نمودارها را به یک مرکز کپی فوری بردم و آن‌ها را بر روی ورقه‌های استات کپی کردم. پس از آن من چند روزی را صرف کردم و نمودارها را جلوی نور و بر روی هم قرار دادم و تلاش کردم تا یک مطابقت دقیق در تایم فریم روزانه پیدا کنم. من

می‌دانستم زمانی که آن را پیدا می‌کنم، هر روزی در نمودار به تعداد X روز با روز مشابه خود در گذشته مطابقت خواهد داشت.

سراجام من مدت زمان دقیق رخ دادن جزر مد را پیدا کردم. من می‌خواهم یکی از نمودارهای جزر و مد را در پروژکتور اول و نمودار دیگر را در پروژکتور دوم قرار دهم. حالا یکی از پروژکتورها را حرکت خواهم داد به طوری که یک روز خاص در هر نمودار دقیقاً بر روی هم قرار می‌گیرند. توجه داشته باشید که این دو روز دقیقاً مشابه یکدیگر هستند. در دوره زمانی بین آن دو روز، هیچ دو روزی با یکدیگر مطابقت نداشتند. بنابراین زمان بین آن دو روز زمان دقیق تعامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر می‌باشد. آن دوره زمانی دقیقاً ۱۲ ماه قمری است.

نمودار هر روزی دقیقاً مشابه نمودار همان روز از ۱۲ ماه قمری قبل از آن و ۱۲ ماه قمری پس از آن است، و غیره. این بدان معنی است که رفتار بازارها در هر ۱۲ ماه قمری تکرار می‌شوند. من تعدادی تحقیقات اولیه انجام داده‌ام که نشان می‌دهد این ایده درست است. به هر حال این انتخاب شما مدیران است که این ایده را برای هر بازاری حل کنید. من پیشنهاد می‌کنم که نظم در این تایم فریم جدید را دوره متوسطه دلتا یا Medium Term Delta (MTD) بخوانیم.

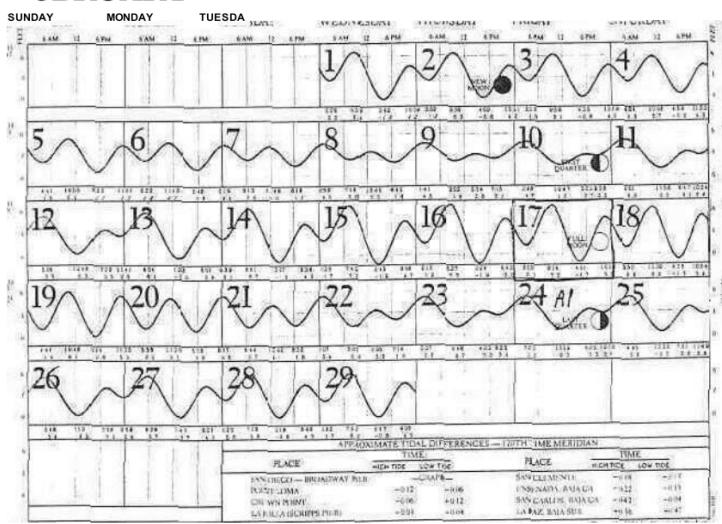
پس از جلسه لندن، من به خانه رفتم و بر روی راه حل کار کردم. من از نمودار هفتگی استفاده کردم و در ابتدای در سومین ماه کامل یک خط رنگی قرار دادم. نمودار به من چهار خط رنگی یکسان برای یک سال قمری داد. در مدت دو روز تایم فریم متوسطه دلتا یا Medium Term Delta را برای

تمامی ۲۵ بازار کالا حل کردم. تنها هشت کلمه برای توصیف نظم Medium Term Delta نیاز است:

بازارها در هرسال قمری به صورت مستقیم و یا وارونه تکرار می‌شوند. یک چیز متفاوتی درباره Medium Term Delta وجود دارد. شماره ۴ در این تاییم فریم وجود ندارد. به نظر می‌رسد دلیل آن ممکن است این باشد که شماره ۴ مربوط به تاییم فریم‌هایی می‌شود که به دو تا از اجرام آسمانی مربوط می‌شوند. تاییم فریم میان مدت دلتا یا Intermediate Term از تعامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر به دست می‌آید که ماه قمری است. تاییم فریم درازمدت دلتا Long Term نیز از تعامل خورشید، زمین و ماه با یکدیگر به دست می‌آید که یک روز خورشیدی است. چنین استدلال کردیم، زمانی که تعامل هرسه اجرام در یک تاییم فریم نتیجه می‌دهد، پس از آن جرم آسمانی سوم در محل شماره ۴ قرار می‌گیرد و سری‌ها یکی‌یکی یا به هم پیوسته اتفاق می‌افتدند.

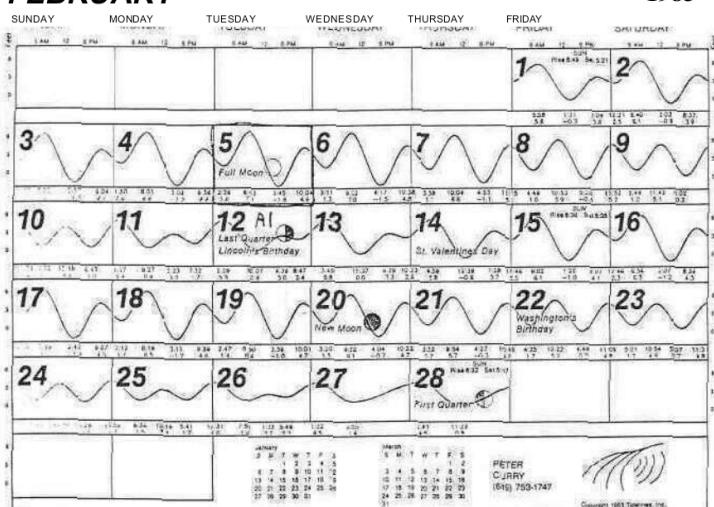
5BRUARY

1984



FEBRUARY

1985



پنجمین و آخرین تایم فریم دلتا این مفهوم را ثابت کرده است. باز هم، حدود شش ماه بعد از جلسه لندن، جیم زنگ زد و گفت که مطمئن است که از یک تایم فریم اضافی وجود دارد. او این تایم فریم را دوره خیلی دراز مدت دلتا یا Super Long Term Delta (SLTD) نامید. با این حال، مشکل این تایم فریم پیدا کردن اطلاعات یکپارچه کافی برای اثبات این تایم فریم بود. جیم گفت: این تایم فریم اطلاعات صد ساله را می‌طلبد تا تعدادی سری برای حمایت از راه حل یادشده فراهم کند. من نه اطلاعات یکپارچه صد ساله را داشتم و نه می‌دانستم که آنرا از کجا به دست بیاورم. پس از آن جیم به من زنگ زد و گفت که تایم فریم خیلی دراز مدت دلتا به عنوان تایم فریم جدید و آخرین تایم فریم دلتا چه چیزی است.

جیم گفت: ولز، فرض کن که در حال مشاهده منظومه شمسی از یک نقطه در جهان هستی که در آن می‌توانی تعامل کامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر را ببینی. چیزهای بسیاری وجود دارند که یکسره در حال گردش هستند. به عنوان مثال، زمین به دور خورشید می‌گردد، ماه به دور زمین می‌گردد و زمین حول محور خود می‌چرخد و غیره.

فرض کنید شما یک دوربین داشتید و از این صحنه عکس می‌گرفتید. چه مدتی طول خواهد کشید تا دقیقاً همان صحنه را عکس بگیرید؟ این دوره زمانی یک تعامل کامل از خورشید، ماه و زمین با یکدیگر را نمایش خواهد داد.

(من آن چیزی را که جیم به آن دست یافته بود را فوراً فهمیدم، از آن جائیکه کل نظم در بازارها بر پایه تعامل کامل خورشید ماه و زمین با

یکدیگر است، در این صورت دوره زمانی برای تکمیل این تعامل کامل، آخرین تایم فریم دلتا خواهد بود).

من پاسخ دادم: نمی‌دانم این تایم فریم چه مدت زمانی را در برمی‌گیرد، اما مطمئن‌نم که شما آن را به من می‌گویی! جیم جواب داد: مدت زمان این تایم فریم ۱۹ سال و ۵ ساعت است. بدیهی است برای اهدافمان شما می‌توانید ۵ ساعت را فراموش کنید و فقط از ۱۹ سال به عنوان مدت زمان این سری استفاده کنید. من جواب دادم: عالیه. الان من مجبور هستم همه دیتاها را پیدا کنم.

من همیشه تعجب کرده‌ام، چگونه درست زمانی که به چیزی نیاز دارم به نظرم می‌رسد آن چیز تو آغوشم می‌افتد. چند روز بعد، من پشت تلفن با شخص غریبه‌ای صحبت می‌کردم و در جریان مکالمه به من خاطرنشان کرد که با تلاش فراوان یک بانک اطلاعاتی یکپارچه و کاملی از قیمت پایانی ماهانه شاخص‌های اساسی بازار سهام طی سال ۱۹۷۲ تاکنون گردآوری کرده است. جدیدترین بخش شاخص، میانگین صنعتی داوجونز (DJIA) بود. برای خلاصه کردن یک داستان طولانی، او تا حدودی به آن اطلاعات مغور بود و بنابراین آن اطلاعات نباید هم ارزان باشند، اما من موفق شدم یک کپی از اطلاعات را به دست بیاورم.

کارمندانم به صورت دستی این اطلاعات را بروی دیسکم ریختند و برنامه نویسم برنامه‌ای را نوشت که نمودارهای خطی را از این اطلاعات رسم می‌کرد. من می‌دانستم که بازار هر ۱۹ سال یکبار تکرار می‌شود، به طوری که ما از ابتدای نمودار شروع کردیم و پلاتر (نقشه کش نرم افزار)

برای کشیدن یک خط قرمز در هر ۱۹ سال برنامه ریزی شد. (بدیهی است، تفاوتی ندارد که شما اولین خط را در کجای نمودار قرار می‌دهید) خطوط دیگر پس از یکدیگر در فواصل مساوی از همدیگر رسم می‌شدند به طوری که فاصله هر خط از یکدیگر یک چهارم مدت ۱۹ سال یا به عبارتی ۴ سال و ۹ ماه بود.

من این تایم فریم را با دو نمودار ماهانه تمام کردم که تقریباً دیتای یکصد سال را در هر نمودار به تصویر کشیده بود. کمتر از ۳۰ دقیقه زمان بردا تا من راه حل بازار را بیابم. تعداد ۱۴ نقطه در سری وجود داشت اما شگفت انگیز ترین چیز این بود که در کل دوره ۲۰۰ ساله هیچ وارونگی وجود نداشت.

تنها بازار دیگری که قادر بوده‌ام اطلاعات کافی را برای تحلیل تایم فریم خیلی دراز مدت دلتا یا Super Long Term Delta به دست بیاورم متوسط شاخص ۲۰ شرکت داوجونز بود. من اطلاعات ماهانه این بازار را از سال ۱۹۱۵ تا کنون در دست داشتم. این اطلاعات چهار سری تکمیل شده را ارائه می‌کند که حداقل سری برای تحلیل بازار در این تایم فریم است، اما درباره این موضوع بعداً صحبت خواهیم کرد.

ما در حال حاضر تمامی پنج تایم فریم دلتا را تعریف کرده‌ایم. این پنج تایم فریم به طور متوسط دو نقطه چرخش در روز برای تایم فریم STD و دو نقطه چرخش در هر سه سال برای تایم فریم کوتاه مدت یا خیلی دراز مدت دلتا یا SLTD دارند.

اگر شما گفته‌های مرا دنبال کرده‌اید و آنچه در این خصوص گفته شده

است رادرک کرده باشید، شما می‌فهمید که پدیده دلتا، راز نظم پنهان در تمامی بازارها است.

در فصل‌های آینده ما تمامی تایم فریم‌ها را با جزئیات آن‌ها مطالعه خواهیم کرد. پس از آن یاد می‌گیریم که چگونه راه حل دلتا را برای هر بازاری و در هر یک از تایم فریم‌ها پیدا کنیم و به شما یاد خواهم داد که من در مورد استفاده از دلتا در معاملات بازارها چه چیزی یاد گرفته‌ام.

این کتاب مشابه سایر کتاب‌هایم، مختصر و مفید خواهد بود. تنها اطلاعات ضروری را شامل خواهد شد. اما سعی می‌کنم تا همه چیز را به روشنی که برای همگان قابل فهم باشد توضیح دهم. من شخصاً آدم صبوری هستم، برخلاف نویسنندگانی که پنج صفحه از کتاب را به موضوعی اختصاص می‌دهند که می‌توانستند با تمامی عناصرش در یک صفحه نقل کنند. در پایان پس زمینه مهندسی‌ام! اکنون، قبل از این که مابه فصل بعدی برویم، می‌خواهم خلاصه‌ای از چیزهایی را که در مورد پنج تایم فریم دلتا یاد گرفتیم بیان کنم.

تعاریف

بازارها به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می‌شوند در:

تایم فریم کوتاه مدت یا (STD) : Short Term Delta

در هر چهار بار گردش زمین به دور محور خود.

در هر چهار روز.

تایم فریم میان مدت دلتا یا (ITD) : Intermediate Term Delta

در هر چهار بار گردش ماه به دور زمین

در هر چهار ماه قمری

: Medium Term Delta (MTD) تایم فریم متوسطه دلتا یا

در هر چرخه کامل جزو مد دریا

در هر یک سال قمری

: Long Term Delta (LTD) تایم فریم دراز مدت دلتا یا

در هر چهار بار گردش زمین به دور خورشید.

در هر چهار سال خورشیدی.

تایم فریم خیلی دراز مدت یا (SLTD)

در هر یک بار تعامل کامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر.

در هر ۱۹ سال و ۵ ساعت.

چرخش

تمامی نقاط چرخش دلتا از نقطه ۲ تا پایان سری و به صورت چرخش از

نقطه حداکثر به حداقل یا بالعکس ادامه می‌یابند.

این چرخش ممکن است در یک پنجره زمانی وارونگی تغییر کند.

وارونگی

تغییر در چرخش نقاط دلتا از حداکثر به حداقل یا از حداقل به حداکثر

یک وارونگی تنها در پنجره زمانی وارونگی می‌تواند اتفاق بیافتد

پنجره زمانی وارونگی

مدت زمانی که با یک فرکانس معین تکرار می‌شود.

پنجره زمانی وارونگی از آخرین نقطه چرخش در سری‌های قبلی شروع می‌شود و تا نقطه چرخش دوم در سری‌های جدید ادامه می‌یابد. پنجره زمانی وارونگی تنها جایی در زمان است که وارونگی می‌تواند در آن رخ دهد.

نقاط بینابینی

IPB یک نقطه اضافی در سری‌ها می‌باشد که فقط ممکن است در پنجره زمانی وارونگی اتفاق بیافتد.

IPB ممکن است در هر دو طرف نقطه (۱) رخ دهد بنابراین موجب وارونگی و در نتیجه تغییر چرخش نقاط شود.

IPB ممکن است در هر دو طرف نقطه (۱) رخ دهد بنابراین موجب دو وارونگی شده که در نتیجه هیچ تغییر در چرخش نقاط اتفاق نیافتد.

سری‌ها

تعداد نقاط چرخش دلتا که با نقطه ۱ شروع می‌شوند و با آخرین نقطه در سری‌ها پایان می‌یابند.

اکنون که با این تعاریف آشنا شدید، اجازه دهید تا نظم کامل در تمامی بازارها را مطرح کنم.

در ابتدا، تمامی حرکات بازار با این نظم کامل هماهنگ است که ما آن را دلتا نامیدیم. واقعاً ادعای شگفت انگیزی است که هر کسی به سختی آنرا باور می‌کند. من مطمئنم برخی از مردم که چند سال پیش تبلیغات مرا در مجلات و روزنامه‌های سرتاسر دنیا می‌خواندند، احتمالاً خنديدند

و تعجب کردند که شاید هنگام گفتن آن‌ها مواد مصرف کرده بودم. درواقع، من به بسیاری از شما که این کتاب را می‌خوانید شک دارم که تاکنون شواهد کافی در بازار برای مت怯اعد کردن خودتان دیده باشید. این موضوع قابل درک است، زمانی که شما خواندن این کتاب را تمام کردید، شما مت怯اعد خواهید شد (اگر شما به هدف برسید) زیرا مدارک و شواهد انکارناپذیری وجود دارد.

حالا بدیهی است، من زمان کافی برای تحلیل تمامی بازارها با دلتا را ندارم. اما من هرگز نقصی در این نظم ندیده‌ام یا برای تحلیل بازاری که با نظم دلتا هماهنگ نیست تلاش نکرده‌ام. شما چنین نظمی را در بسیاری از بازارها بسیاری مشاهده خواهید کرد. من کاملاً مطمئنم هر بازاری در روی زمین که آزادانه در آن معامله می‌شود نه تنها با این نظم هماهنگ می‌باشد بلکه آنرا در تمامی بازارهایی که امتحان کردم، یافته‌ام، به این خاطر که اساس این نظم از نام آن چیزی که معامله می‌شود فراتر می‌رود. این نظم در عوض شامل علم بازارهای آزاد می‌شود (بازارهایی که معاملات در آن‌ها با آزادی عمل صورت می‌گیرد) بدیهی است این نظم علمی بود که از زمان گذشته تاکنون وجود داشت و جای تعجب است که حتی در زمان‌های دوردست نیز آنرا درک نکرده بودند.

تا زمانی که علت اصلی الکتریسیته و مغناطیس بررسی نشده بود، هیچ کس واقعاً نفهمید که الکتریسیته چیست یا میدان مغناطیسی چیست؟ با این حال ما آن را قبول کردیم زیرا ما می‌توانیم مشاهده کنیم که آن‌ها از یک نظم تعریف شده پیروی می‌کنند که می‌تواند فرموله شوند و درنتیجه

قابل پیش بینی است.

بیایید نظم در بازارها را در نظر بگیرید. تمامی بازارها از این نظم پیروی می‌کنند. تنها دو متغیر وجود دارد. **متغیر اول**) تعداد نقاط در سری‌ها و **متغیر دوم**) بر اساس کدام نقطه است که سری‌ها شروع می‌شوند. خودشه! برای اولین بار که یک نفر، در یک بازار خاص، تعداد نقاطی را که تکرار می‌شوند و تکرارشان را از کجا شروع می‌کنند را کشف کرد. او قادر بود موقعیت زمانی هر یک از این نقاطی که اتفاق خواهد افتاد را در زمان آینده یا در زمان گذشته تا جایی که بخواهد عقب رود، پیش بینی کند. چرا؟ زیرا ما می‌توانیم از نظر علمی تعامل کامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر را پیش بینی کنیم تا جایی که در زمان گذشته یا در زمان آینده بخواهیم جلو برویم.

چیزی که ما می‌گوییم این است که تمامی بازارها با تعامل خورشید ماه و زمین قفل می‌شوند. اما زمانی که ما کلید این قفل را پیدا کردیم، بازار کاملاً قابل پیش بینی است. این کلید دو قسمت دارد؛ چه تعداد از نقاط در چرخش از بالا به پائین داخل سری‌ها هستند و در کدام یک از این نقاط سری‌ها شروع می‌شوند. به همین دلیل لازم است که بدانید در کدام یک از نقاط، سری آغاز می‌شود؟ زیرا نقطه آغازین تنها جایی است که سری می‌تواند در آنجا وارونه شود.

اکنون، اگر موارد بالا درست باشد در این صورت:

الف) هر بازاری که معاملات در آن با آزادی انجام می‌شود با تعداد دقیق نقاط بیش از بیش تکرار می‌شود در

ب) یک چرخش تعریف شده از بالا به پائین و
 ج) چرخش آن‌ها نیزت‌ها در آغاز تکرار تعریف شده تغییر خواهد کرد و
 د) این تغییر چرخش در راه تعریف شده انجام خواهد شد و
 و) تمامی موارد بالا در تعامل کامل با خورشید ماه و زمین با یکدیگر
 انجام می‌شود و
 پس از این، آیا آن نظم کامل نیست؟

هر ناظر عینی جواب خواهد داد بلی، اگر تمامی موارد بالا درست باشد در این صورت آن نظم کاملی است. در حال حاضر حتی اگرچه ما می‌دانیم که نظم دلتا کامل است، متأسفانه، برای من، تاریخ دقیق نقطه حداکثرو حداقل (چرخش از بالا به پائین) کامل نیست. اگر آن هم کامل بود، شما این کتاب را نمی‌خواندید، و من تاکنون، بیشتر از هر کس دیگری در این دنیا ثروت زیادی جمع کرده بودم.

بنابراین مهم است که تفاوت بین نظم کامل و دقت کامل را بفهمید. نظم کامل شامل پدیده‌ای است که دقیقاً در یک مرجع تعریف شده تکرار می‌شود. در این مورد، مرجع تعامل کامل از خورشید ماه و زمین با یکدیگر است. دقت کامل در درون نظم تعریف می‌شود. در اینجا، دقت در نقاط چرخش تعریف می‌شود. به این معنا که، چگونه یک نقطه چرخش خاص نزدیک به یک تاریخ پیش بینی شده قرار می‌گیرد. بدیهی است که این دقت کامل ممکن نیست در درون نظم کامل بازارها وجود داشته باشد. اگر چنین دقتی وجود داشت، هر کسی این نظم را از مدت‌ها پیش کشف می‌کرد مثلاً رومی‌ها با فنیقی‌ها دادوستد می‌کردند و فلاسفه یونان

در گوشه‌ای از بازار روغن زیتون معامله می‌کردند. و اگر هر کسی این نظم را می‌دانست، هیچ بازاری وجود نداشت زیرا تمام معامله گران دقیقاً اطلاعات مشابهی را داشتند. اگر هر معامله گری اطلاعات مشابهی را در اختیار داشت در این صورت هیچ معامله‌ای انجام نمی‌شد زیرا هیچ کس در طرف دیگر معامله قرار نمی‌گرفت.

به همین دلیل است که آشکار کردن نظم بازار برای همه معامله گران ممکن است تأثیر قابل توجهی در بازار نداشته باشد، زیرا هیچ کس با اطمینان روز دقیق و معینی را که بازار در آن روز بالا یا پائین خواهد آمد را نمی‌داند، یا در برخی از تایم فریم‌های دلتا هیچ کس حتی هفته دقیقی را که در آن بازار بالا یا پائین خواهد آمد را نمی‌داند، یا در تایم فریم‌های طولانی مدت دلتا حتی ماه دقیقی را که در آن بازار بالا یا پائین خواهد آمد را نمی‌داند. حتی اگر معامله گران روز دقیقی که در آن بازار بالا یا پائین خواهد آمد را می‌دانستند آن‌ها باز هم بروی این که چه زمانی از روز بازار برمی‌گردد، شرط بندی نمی‌کردند؟

فصل سوم

تایم فریم میان مدت دلتا یا (ITD)

در این مرحله ما جزئیات هریک از پنج تایم فریم دلتا را پوشش می‌دهیم.
ما تایم فریم میان مدت دلتا یا Intermediate Term Delta (ITD) را با
ادامه بحث و گفتگو در بازار طلا آغاز می‌کنیم.

به خاطر داشته باشید زمانی که برای اولین بار در شیکاگو شاهد پدیده
دلتا بودم، نه جیم و نه من نمی‌دانستیم، نظری که ما در آن پانزده نمودار
دیدیم آیا دقیقاً در هماهنگی با تعامل خورشید ماه زمین با یکدیگر ادامه
خواهد یافت یا اینکه این نظم شاید با چرخیدن نقاط در برخی از زمان‌ها
در آینده محظوظ خواهد شد.

در راه خانه و در داخل هواپیما، من تصمیم گرفتم تمام وقت را برای
پیدا کردن اینکه، نظم دلتا تا چه اندازه قدرتمند بود، صرف کنم؟ طی

چند ماه در خانه کار می‌کردم و تنها بعضی اوقات به دفتر کارم می‌رفتم. خیلی شگفت انگیز است که نظم دلتا چقدر می‌تواند قدرتمند باشد اگر بازار کاملاً به تنها‌ی رها شود.

برای بررسی تایم فریم میان مدت دلتا یا (ITD) Intermediate Term Delta من به نمودار روزانه‌ای بالاطلاعات پنج یا شش سال گذشته متواالی نیازداشتم. پس از تحقیقات، من توانسته بودم اطلاعات هشت سال پیش را از شرکت Commodity Perspective به دست بیاورم که نمودارهای هر قراردادی را برای بیشتر بازارهای کالا را در یک کتاب نمودار سالانه چاپ می‌کرد. فرمت یک ساله تنها چیزی بود که من به آن نیازداشتم. اطلاعات هشت ساله در تایم فریم ITD حداقل ۲۴ تکرار را برای هر کالایی به من می‌داد. از آنجا که من راه حل دلتا (تعداد نقاط و جایی که اتفاق افتاده است) را می‌دانستم، مجبور بودم تا تمامی خطوط رنگی بر روی نمودار و تعداد نقاط را رسم کنم. من شگفت زده شدم (اگرچه احتمالاً برای من نباید شگفتی آور بوده باشد) که چگونه همه چیز درست در محل خودشان قرار می‌گیرند. این کار آنقدر ساده بود که پس دوازده ساله‌ام هم اگر قوانین را دانسته بود می‌توانست آنرا به خوبی من انجام دهد. قوانین نیز به سرعت در محل قرار می‌گرفتند آن طوری که من بیشتر بازارها را بررسی کردم. قانون عمدۀ به شرح ذیل است:

نقطه حداکثر دلتا باید حداکثر بالاترین نقطه بین دو نقطه حداقلی دلتا باشد. نقطه حداقل دلتا باید حداقل پائین‌ترین نقطه بین دو نقطه بالای دلتا باشد. حدود ۹۰ درصد موقع این تنها تعریف ضروری بود. این

تعريف باعث می‌شود که نقاط چرخش دلتا کاملاً قطعی باشد. افرادی که در این خصوص تلاش کرده‌اند به شدت از این موضوع آگاه هستند که قرار دادن تمامی حرکت بازار داخل جعبه از پیش تعریف شده دشوار است. زمان‌هایی وجود دارد که بازار چنان سریع بالا یا پائین سقوط می‌کند که آن‌ها دقیقاً نمی‌دانند چه کاری باید انجام دهند.

در طرف دیگر این جریان زمان‌هایی وجود دارد، هنگامی که بازارها آرام یا به هم فشرده هستند به نظر می‌رسد نمی‌توانند به اندازه کافی حرکتی را بسازند تا یک نقطه چرخش مهمی ایجاد شود. با این حال این بی‌نهایت‌ها وجود دارند. برای زمان‌هایی که بازار یا در خواب است و یا به شدت شتاب می‌گیرد، ما به چند تایی دیگر از نقاط چرخش دلتانیاز داریم و نه به قوانین دقیق، اما شما دستورالعمل را دنبال کنید.

صفحات زیر به طور مستقیم از کتابچه راهنمای اعضای دلتا برداشته شده است. من می‌خواهم آن‌ها را اینجا بیاورم به طوری که شما قادر باشید زمانی که شروع به مطالعه نمودار خواهید کردید نقاط چرخش دلتا را بشناسید. صفحات ذیل بسیار مهم هستند. آن‌ها یک پیش نیاز برای درک کامل از پدیده دلتا هستند. من پیشنهاد می‌کنم که شما آن‌ها را به دقت بخوانید و سپس نمودارها را بررسی کنید. با این حال صفحات راهنمای قبل از استفاده از دلتا باید به خاطر سپرده شوند.

طبقه بندی نقاط چرخش

در ادامه بحث ممکن است نسبت دادن شخصیت‌های انسانی به بازارها عجیب به نظر برسد مگر اینکه شما پی ببرید که بازارها نتیجه رفتار انسان هستند. کتاب‌های زیادی در مورد روانشناسی جمعیت نوشته شده است که بازارها رفتار ترکیبی توده‌ها را منعکس می‌کنند. اما تا زمانی که پدیده DELTA کشف نشده و توسط جیم اسلومان طبقه بندی نشده بود هنوز ناشناخته بود، این که تمام بازارها از نظمی پیروی می‌کنند که می‌توان آنرا تعریف کرد. پدیده دلتا برای اولین بار مرجعی را به عنوان رفتار واقعی بازار فراهم می‌کند. این مرجع در نقاط چرخش دلتا آشکار می‌شود. اگر معامله گر بداند که بازار خاصی در یک نقطه از پیش تعریف شده قرار است چه حرکتی انجام دهد، پس از آن نیز بداند بازار واقعاً در این نقطه چه رفتاری می‌کند، آن موقع قلمرو جدیدی در تحلیل بازار گشوده می‌شود و امیدهای کاملاً جدیدی را در پیش بینی رفتار بازارها پیدا می‌شود.

فرض اساسی این است که یا بازارها آنچه را که از آن‌ها انتظار می‌رود را انجام خواهند داد و یا انجام نخواهند داد. اگر بازارها آنچه را که از آن‌ها انتظار می‌رود در زمان و نقطه تعیین شده انجام ندهند، یک دلیل وجود دارد. دلیل این است که یک نیروی قوی و غیرعادی در جریان است و به طور موقت برخلاف آنچه بازارها می‌خواهند انجام دهند اقدام می‌کند. معامله گر به روشنی می‌تواند از این دانش بهره برد و با نیروهای قوی و موقتی پیش رود و سود کند. اگر بازارها آنچه را که از آن‌ها انتظار می‌رود عمل کنند را انجام ندهند، به احتمال زیاد حرکت خلاف جهت بزرگ می‌باشد.

زمانی که شما دانشجوی دلتا هستید، بازارها از دیدگاه شما تقریباً انسان به نظر خواهند آمد. شما به شرایطی که آنچه بازارها می‌خواهند انجام دهند و آنچه که از آن‌ها انتظار می‌رود عمل کنند فکر خواهید کرد. شما به یک بازیکن پوکر حرفه‌ای تبدیل خواهید شد زیرا شما به یک درک واقعی از شخصیت حرفی مقابله‌تان می‌رسید. شما باید برای دانستن اینکه بازارها در هر موقعیتی چگونه عمل می‌کنند یک چارچوب کلی داشته باشید، بازارها سعی خواهند کرد تا به نوبت شما را از میدان به درکنند. بازار را با درک جدیدی بفهمید، شما قوانین واقعی بازی را یاد گرفته‌اید.

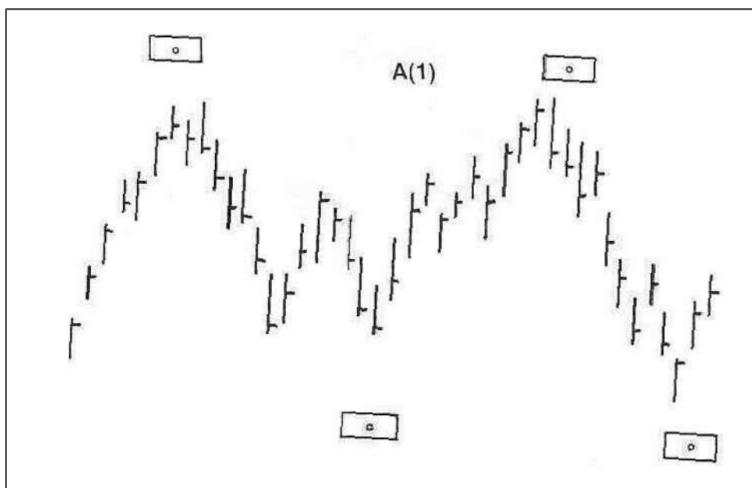
پس از یک سال دنبال کردن دلتا و تعریف کردن نقاط چرخش دلتا در صدها سال از دیتای روزانه صدساله، من کشف کرده‌ام که بازارها با طرق مختلف در رابطه با نقاط چرخش دلتا عمل می‌کنند. این اقدامات به قوت و ضعف درونی بازارها بستگی دارد. من دریافته‌ام که تمامی ویژگی‌های رفتاری متفاوت بازارها را می‌توان به چهار دسته طبقه بندی کرد. من این چهار دسته بندی را به ترتیب نرمال، واقعی، ضعیف و قوی توصیف کرده‌ام.

در زیر تعاریف و نمونه‌هایی از این چهار دسته تقسیم بندی می‌شوند:

عادی

هنگامی که بازار به صورت عادی رفتار می‌کند در این هنگام نوسانات بازار به خوبی مشخص می‌شوند و نقاط چرخش بسیار دقیق هستند که به نوبه خود بین یک الی دو روز از تاریخ تعریف شده دلتا متغیر هستند. مگر در مواردی که نیروهای بسیار قوی زیر لایه‌های بازار وجود دارد، در بیشتر

موقع بازارها در داخل دسته بندی عادی یا واقعی قرار می‌گیرند. در مثال A(1) جعبه با نقطه، نقاط چرخش پیش‌بینی شده دلتا را نشان می‌دهد. در بازارهای عادی، ریتم بازارهایی که در ارتباط با نقاط چرخش برنامه‌ریزی شده دلتا فاش شده است را مطالعه نمایید.

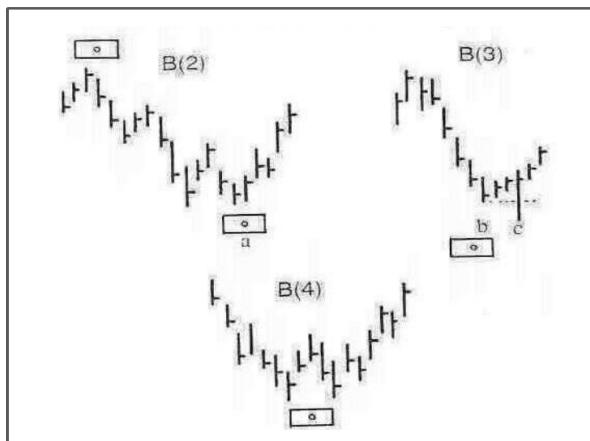


واقعی

بعضی اوقات در بازار دو نقطه حداقل یا دو نقطه حداکثر تقریباً با ارزش یکسان وجود خواهند داشت. نقطه‌ای که نزدیک‌ترین نقطه به زمان نقطه پیش‌بینی شده باشد، نقطه چرخش واقعی دلتا می‌باشد. مثال B(2) این بازار را به خوبی نشان می‌دهد. نقطه چرخش دلتا پائین‌ترین نقطه در (a) بود. تنوع این نقاط در مثال B(3) نشان داده شده است. معامله‌گر تصور خواهد کرد که نقطه چرخش واقعی، پائین‌ترین نقطه در (c) است. به هر حال این چنین نیست. نقطه چرخش واقعی در (b) است. بررسی

دقیق نشان می‌دهد که بازار واقعاً از نقطه (b) چرخیده و از آنجا آغاز شده و نقطه (c) یک سقط جنین احتمالی است که به وسیله دستکاری بازار یا توقف جریان بازار و توسط معامله گران floor ایجاد شده است.

سقوط قیمت یا آن چیزی که باعث این قطعیت می‌شود قیمت پایانی قوی در قسمت بالای محدوده است. بخشی از محدوده یادشده که در پائین حداقل قبلی آویزان است باید نادیده گرفته شود آن هم زمانی که قیمت پایانی درجهت روندی که واقعاً در نقطه (b) شروع شده است، قوی می‌باشد. مثال (۴) B یکی دیگر از دگرگونی‌هایی را که از زمانی به زمان دیگر رخ خواهند داد را نشان می‌دهد. در این مورد نقطه برنامه ریزی شده دلتا، بین دو کف دوگانه قرار دارد. نقطه حداکثری بین دو نقطه حداقل یا خیلی نزدیک و یا دقیقاً در تاریخ نقطه چرخش دلتا هستند. در این مورد، نقطه چرخش واقعی نزدیک‌ترین نقطه به تاریخ برنامه ریزی شده دلتا می‌باشد.

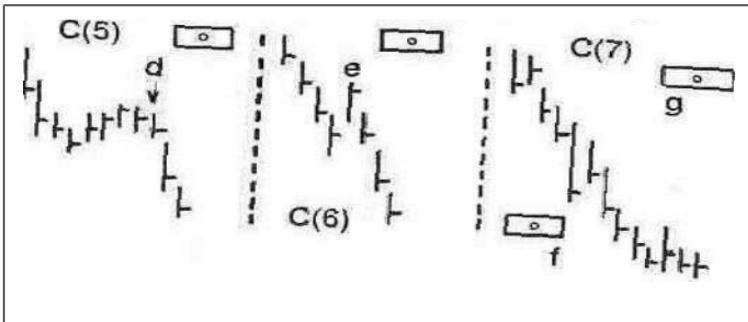


ضعیف

زمانی که نیروهای قوی بازار در هر دو طرف بازار در جریان هستند، واکنش به این قدرت را می‌توان به عنوان طرف ضعیف بازار پنداشت. هدف از بحث این است که مفهوم معمول را فراموش کنید که بازار قوی یک گاوی می‌باشد و بازار ضعیف یک بازار خرسی می‌باشد. چیزی که مادر اینجا صحبت می‌کنیم درباره قدرت یک روند در هر دو طرف بازار و ضعیف بودن بازار در مقابل قدرت روند است. در مثال C بازار در یک روند نزولی قرار دارد. در مثال (۵) C بازار در حال حاضر تلاش می‌کند یک سقف دلتای بعدی را بسازد ولی به جای صعود برای حرکت به سمت دیگر تقلص می‌کند. در آن موقع می‌خواهد یک سقف بسازد اما سرانجام تسلیم می‌شود و سقوط می‌کند. این عمل برای معامله گر یک اخطار است که در انتظار است تا نقطه چرخش دلتا به زودی رخ دهد و روند نزولی ادامه یابد. در این مثال سقف دلتا در آخرین روز مبارزه برای حرکت صعودی قرار داد و نقطه چرخش دلتا روز قبل از سقوط و در نقطه (d) قرار دارد با وجود اینکه ممکن است قیمت روز قبلی کمی بالاتری بوده باشد.

در مثال (۶) C روند نزولی بسیار قوی است. بازار می‌خواهد بچرخد و به سمت سقف دلتا حرکت کند ولی نیروهای بازار آنقدر قوی هستند که یک «بالاترین کندل» تمام زور بازار است که می‌تواند در آن نقطه بزند. معامله گر باید این اقدام بازار را در یک نقطه چرخش دلتا و در بازار بسیار قوی تماشا کند. اگر در آن زمان از بازار چنین اقدامی انتظار می‌رفت، در این صورت هنگامی که این چرخش اتفاق می‌افتد یک فرصت منحصر به فرد به

معامله گرمی دهد تا قطار نزولی را ترک کند یا میانگین کم کند. در این مثال، نقطه چرخش دلتا در نقطه حداکثری (e) بود. من تنها یک بازار را به خاطر می‌آورم که خیلی قوی بود و به طور کامل از نقطه چرخش دلتا اجرا شد بدون آنکه حداقل یک روز نوسان در نزدیکی نقطه چرخش دلتا بدهد. بازار یادشده بازار نقره در سال ۱۹۸۱ بود که به سمت سقف تاریخی ۵۰ ساله گذشته اش حرکت کرد.

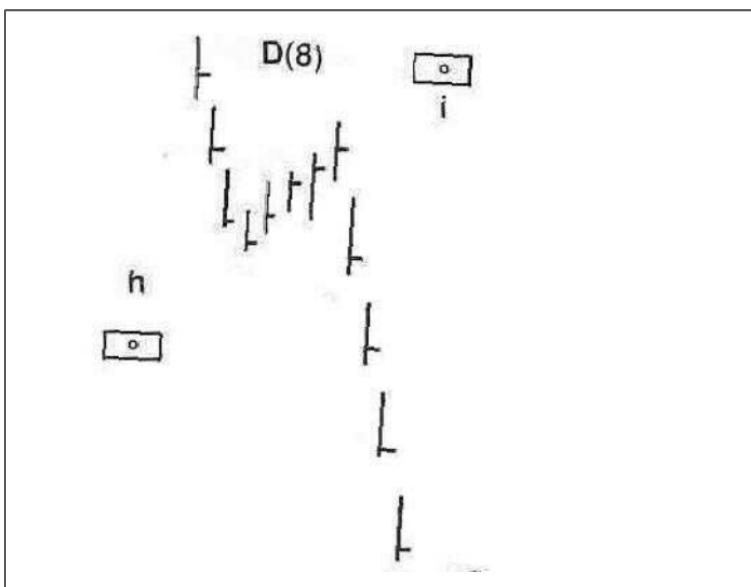


مثال (۷) شکل تغییریافته مثال (۶) است. این تغییر به ندرت اتفاق می‌افتد. اما این تغییر در بازارهای بسیار قوی امکان پذیراست، نقطه حداکثر دلتا در نقطه و در واقع پائین ترازن نقطه حداقل دلتا در نقطه F می‌باشد.

قوی

در مثال‌های قبلی بر روی تحلیل سمت ضعیف بازار قوی تمرکز کردیم. آخرین دسته بنده مان سمت قوی از بازار قوی را تحلیل می‌کند. باز هم قدرت بازار در اینجا به حرکت بازار در هر دو جهت اشاره می‌کند. مثال (۸) D نمونه‌ای از یک بازار قوی را نشان می‌دهد. این بازار می‌خواهد در نقطه

چرخش دلتای (h) بچرخد. اما نیروهای ذاتی و موقت بازار آن قدر قوی هستند که بازار به سمت تاریخ نقطه چرخش قبلی حرکت کند. سرانجام، فشار به طور موقت برطرف می‌شود و بازار به سمت نقطه حداکثری دلتا در (a) شروع به حرکت می‌نماید. گاهی اوقات این نقطه در زمان پیش بینی شده رخ می‌دهد زیرا بازار بروی نقطه قبلی می‌جنگد، اما معامله گر باید انتظار داشته باشد که این نقطه به زودی اتفاق بیافتد زیرا نیروهای ذاتی بازار احتمالاً هنوز هم بسیار قوی هستند.



این چهار دسته بندهی تمامی نقاط چرخش دلتا را تعریف می‌کند. حدود ۹۰ درصد موقع و واضح است که چرخش بازار در نقاط چرخش دلتا به خوبی آشکار است. تعاریف بالا مربوط به موارد غیرمعمولی است که

نیاز به تعریف دارند. تعاریف ارائه شده در بالا به طور مداوم در تحلیل ما از صدها نمودار روزانه‌ای که مطالعه کردیم، به کار گرفته شد تا پدیده DELTA را به منظور اعمال نتایج قطعی ریاضی مربوط به دقت DELTA در هر یک از نقاط چرخش و یا در هر بازار کالایی در هر دو تایم فریم اینترمیت و لانگ ترم ارزیابی کنیم.

پژوهش و تحلیل درباره پدیده دلتا مهیج، محرك، لذت بخش، رضایت بخش بوده است. این امر طبیعی است، خصوصاً زمانی که یکی از تحقیقات در زمینه جدیدی سرمایه گذاری می‌کند که در آن حوزه بسیاری از افراد عمرشان را به تحلیل آن صرف کرده‌اند. این تحقیقات دقیق‌ترین پژوهش‌ها بوده است. مطالعه دقیق و طاقت فرسایی ک من تاکنون درگیر آن شده‌ام. با این حال، هر نسخه جدیدی از مطالعه من درباره پدیده دلتا، برآهمیت بی‌چون و چرایی کشف اسلومان اعتبار جدیدی را به ارمغان می‌آورد.

اولین نمودار دلتایی که مانگاه کردیم نمودار طلا بود، بنابراین مطالعه مان را در آن نمودار ادامه خواهیم داد. در هشت صفحه بعدی ما یک مطالعه مستمر در نمودار طلا را خواهیم دید. هنگامیکه من از راه حل جیم برای تایم فریم اینترمیت استفاده کردم یک چیز برایم روشن شد. و آن این است که تغییرات عمدۀ جهت روند و حرکات بزرگ به احتمال زیاد در هر دو طرف نقطه (۱) رخ می‌دهند. در مورد طلا، حرکات بزرگ تمایل دارند تا از نقطه (۱۱) و نقطه (۱۱) وارونه یا نقطه (۱) و نقطه (۱) وارونه شروع شوند.

این ویژگی دلتا مربوط به تمامی پنج تایم فریم است. هیچ نقطه چرخش دیگری که چنین ویژگی را داشته باشد وجود ندارد. این ویژگی به تنها یی

اطلاعات با ارزشی است. این ویژگی بیشتر اوقات در نقاط حداقلی پائینتر از نقاط حداکثری شایع است. زمانی که شما این نمودارها را مطالعه می‌کنید به این ویژگی توجه داشته باشید که چه تعداد از نقاط حداقلی عمدۀ بازار مربوط به نقطه (۱) هستند.

همچنین زمانی که بازارها با شتاب به بالا یا پائین حرکت می‌کنند توجه کنید که چهار خط رنگی چگونه به کار می‌روند. پس از آن شما خواهید دید که چرا پیشنهاد می‌کنم که آن را به خاطر بسپارید.

هنگامی که شما هشت صفحه بعدی را مطالعه کنید، من فکرمی کنم آنچه را که من هنگام نوشتن این بروشور احساس کردم را شما نیز احساس می‌کنید. چند ساعت بعد جیم کشف خودش را به من توضیح داد. من به پانزده نمودار میله‌ای متفاوت جیم نگاه کردم که با خطوط رنگی و شماره گذاری طرح ریزی شده بودند. کاملاً روشی است که یک نظم در بازارهای پیش رو وجود داشت. هر نقطه چرخش لزوماً در روز دقیقی که باید در آنجا اتفاق می‌افتد، قرار نگرفته است، اما آن نقطه در اکثر موارد بین دو الی سه روز، کاملاً نزدیک به زمان پیش بینی شده است.

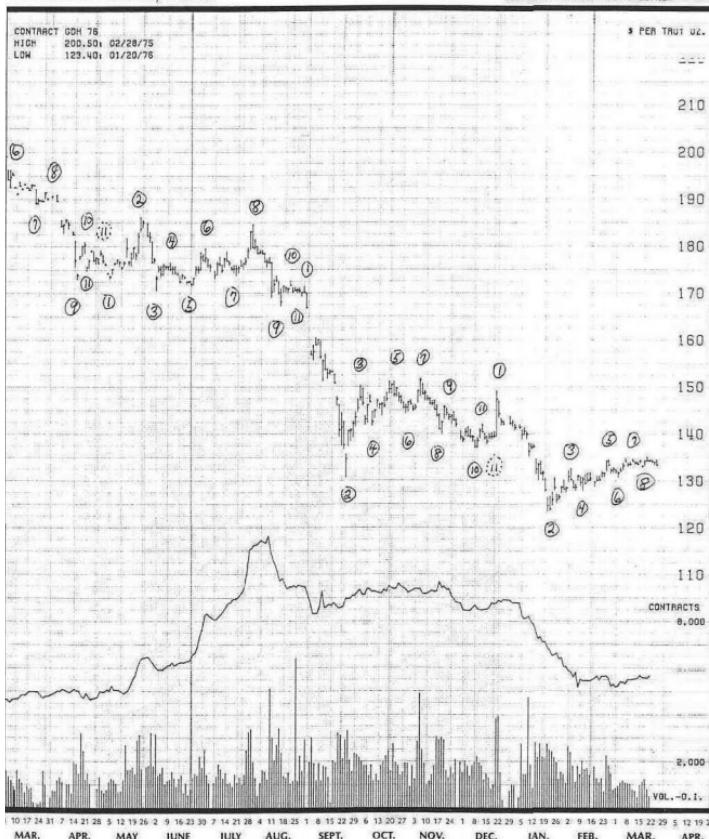
من این تمرین را برای هر کدام از پانزده نمودار کالایی که جیم آن‌ها را توسط دلتا حل کرده بود، تکمیل کردم. معلوم شد که این دقت در تمامی پانزده نمودار کالا، نسبتاً برابر بود. طلادر میانه بازار سقوط کرده بود. شش بازار کالا کمی دقیق تراز سایر بازارها بودند و هشت بازار باقی مانده دقت کمتری داشتند.

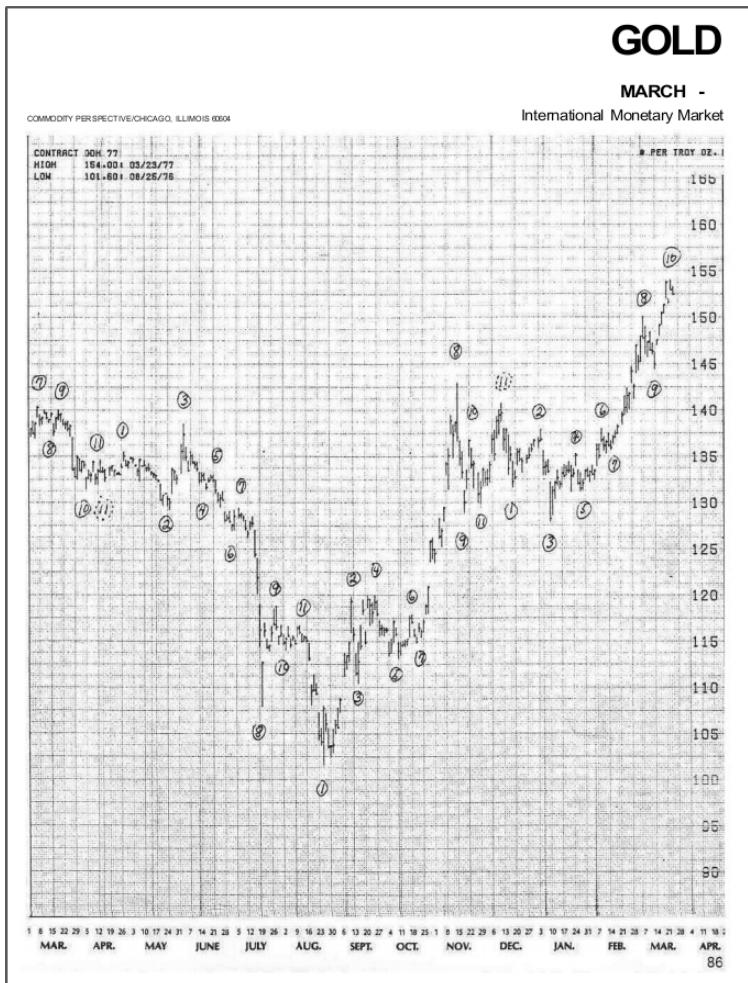
GOLD

MARCH 1976

International Monetary Market

COMMODITY PERSPECTIVE © CHICAGO, ILLINOIS 60611



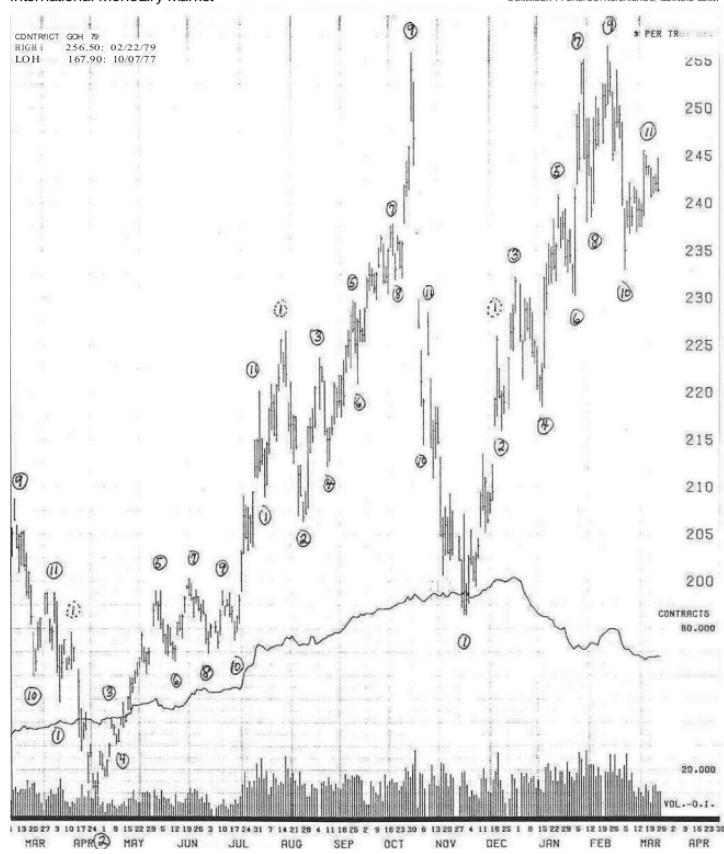


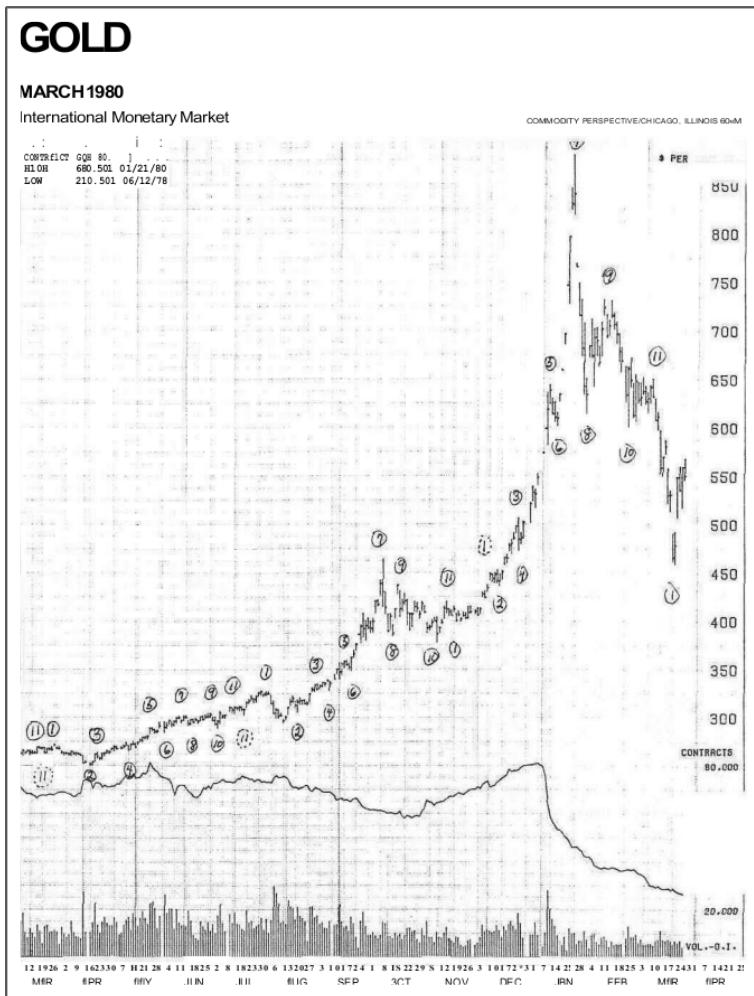
GOLD

MARCH 1979

International Monetary Market

COMMODITY PERSPECTIVE/CHICAGO, ILLINOIS 60MM



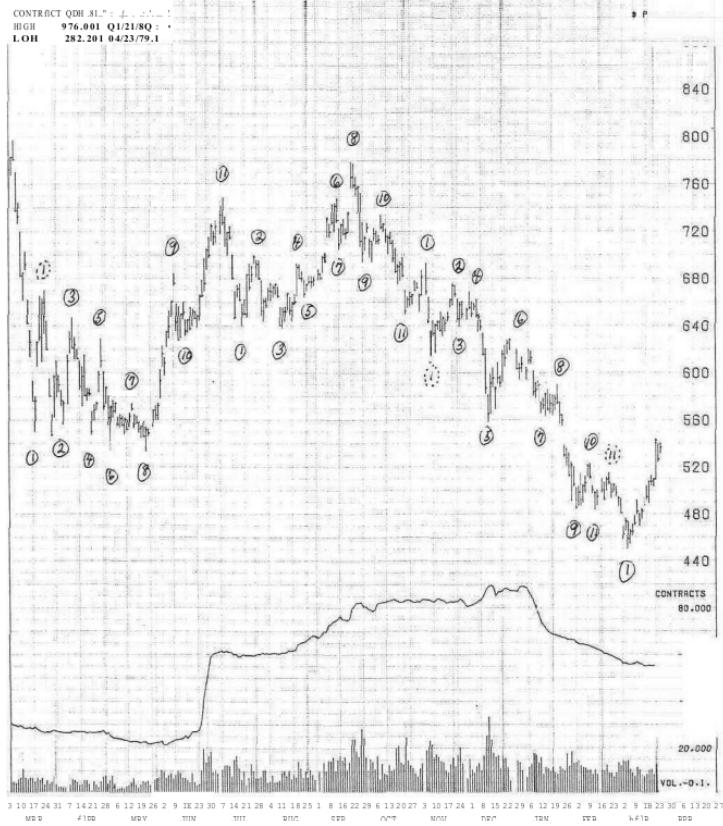


GOLD

MARCH 1981

International Monetary Market

COMMODITY PERSPECTIVE/CHICAGO



پس از پایان مطالب بالا، من تصمیم گرفتم راه حل دلتا را برای بازارهایی حل کنم که جیم حل نکرده بود. تحلیل این بازارها، البته به مراتب سخت تراز استفاده از راه حل ساده جیم در بازارهای قبلی بود. در واقع، من دریافتم که این مسئله کاملاً چالش برانگیز است. با این حال بعد از این که شما چندین بار این راه حل را انجام دادید، استفاده از آن آسان‌تر می‌شود. بدیهی است تنها یک راه حل درست وجود دارد زیرا وارونگی تنها در یک مکان نسبت به خطوط رنگی می‌تواند وجود داشته باشد. هنگامی که شما مکان وارونگی را پیدا کنید، بقیه نقاط در مکان خودشان قرار می‌گیرند. من نکات ظریف پیدا کردن راه حل دلتا برای هر بازار را بعداً به شما آموزش خواهم داد.

هنگامی که من راه حل دلتا را برای تمامی ۲۵ بازار عمده حل کردم، کار بعدی این بود که داده‌های این نمودارها را داخل یک فرم قرار دهم. من آن را تحلیل عددی می‌نامم که می‌توانست توسط یک کامپیوتر تحلیل شود. من یک فرمت ابداع کردم که نقاط دلتا را در بالای صفحه (بر روی محور X) قرار می‌داد و تاریخ را برای آغاز هرسری بر روی محور عمودی به سمت چپ قرار می‌داد.

هر نقطه چرخش دلتا توسط موقعیت نسبی اش به نزدیک‌ترین خط رنگی تعریف شده است. بعنوان مثال، در نمودار طلا، نقطه (۱) بعد از خط نارنجی می‌آید. بنابراین اگر نقطه (۱) شش روز بعد از خط نارنجی بیاید در این صورت نقطه (۱) به صورت $0+6$ تعریف شد که نماد آن در برنامه کامپیوتر ۶۰ است. نقطه (۴) در سمت چپ خط قرمز می‌آید. پس نقطه

(۴) نه روز قبل از خط قرمز می‌آید که با نماد R^9 تعیین شد. در صفحه بعدی یک تحلیل عددی تکمیل شده از تایم فریم اینترمودیت نمودار طلا آمده است. بعد از مدتی، برنامه نویسم، تام بری، برنامه‌ای طراحی کرد که نتایج زیر را به من ارائه می‌داد.

[۱] فاصله متوسط یعنی متوسط فاصله‌ای که برای هر نقطه چرخش دلتا از خط رنگی تعیین شده، محاسبه می‌شود. من تصمیم گرفتم از ۹۲٪ نقاط استفاده کنم، در نتیجه به ۸٪ باقیمانده نقاط که دورترین نقاط از مقدار فاصله متوسط بودند توجهی نکردم. من احساس کردم این محاسبه یک مقدار صحیح تری را ارائه می‌دهد که بی دلیل توسط انحراف گاه به گاه اندازه گیری نمی‌شود. نقاط حذف شده از تحلیل عددی با ستاره (*) تعیین شده است. سطر یکسره جدول برای فاصله متوسط و با علامت اختصاری AVE تعیین شد تا فاصله متوسط هر نقطه را نمایش دهد. مقدار به دست آمده، نقطه متوسط یا تاریخ متوسط نامیده می‌شود.

[۲] احتمال یا درصد این که این نقطه در آینده با فاصله ۲ روز از نقطه متوسط تکرار شود را نشان می‌دهد. ردیف یکسره تعیین شده با نماد $MP^{2+/-}$ که درصد این احتمال را برای هر نقطه نشان می‌دهد.

[۳] احتمال یا درصد این که این نقطه در آینده با فاصله ۳ روز از نقطه متوسط تکرار شود را نشان می‌دهد. ردیف یکسره تعیین شده با نماد $MP^{3+/-}$ که درصد این احتمال را برای هر نقطه نشان می‌دهد.

GOLD

	PT 1	PT 2	PT 3	PT 4	PT 5	PT_6	PT 7	PT 8	PT 9	PT10	PT11
5/75	0 6	G -1	G 6	R -9	R 0	R 6	B -3	B 4	B 16*	0 -1*	0 4
9/75	0 5	G 2	G 8	R -7	R 2	R 7	B -9	B 0	B 1*	0 -8	0 -5
12/76	0 1*	G 2	G 12	R -3	R 7	R 12	B -5	B 0	B 2	0 -7	0 -1
4/76	0 9	G 8	G 13	R -3*	R 6	R 14	B -3	B 7	B 13	0 -4	0 2
8/76	0 12	G 3	G 6	R -10	R 0	R 5	8-12*	B 6	B 9	0 -9	0 -5
12/77	0 9	G -1	G 3	R -8	R -5*	R 3	B-13*	B 1	B 6	0-10	0 1
4/77	0 7	G -3*	G -1*	R -3	R 1	R 10	B -4	B 3	B 12	0 -6	0 -4
8/77	0 4*	G 4	G 5	R -8	R 4	R 7	B -2	B 1	B 10	0 -4	0 1
12/77	0 8	G -3*	G 7	R -13	R 1	R 12	B -2	B 1	B 9	0 -4	0 2
4/78	0 7	G 2	G 9	R -10	R 7	R 15	B 0	B 8*	B 14	0 -3	0 8*
8/78	0 10	G 5	G 12	R -5	R 6	R 8	B 2	B 3	B 10	0 -6	0 -4
12/79	0 11	G 5	G 11	R -2*	R 9	R 15	B -1	B 2	B 9	0 -6	0 2
3/79	0 9	G 3	G 6	R -3	R 6	R 12	B -1	B 2	B 11	0 -7	0 0
7/79	0 11	G 5	G 12	R -4	R 3	R 4	B -3	B 1	B 3	0 -1*	0 3
11/80	0 14	G 4	G 11	R -10	R 3	R 7	B -9	B -4	B 3	0 -7	0 3
3/80	0 12	G 4	G 8	R -6	R -2	R 2*	B-10	B -4	B 8	0 -8	0 7*
7/80	0 15	G 0	G 11	R -4	R -1	R 13	B -6	B -1	B 4	0 -9	0 1
11/80	0 10	G 0	G 3	R -11	R -6*	R 3	B -5	B 2	B 11	0 -5	0 -3
3/81	0 11	G 8	G 12	R -4	R 3	R 8	B -6	B 5	B 9	0 -8	0 -3
7/81	0 15	G 7	G 8	R -8	R 3	R 7	B 0	B 3	B 5	0-10	0 -4
11/81	0 12	G 8	G 17*	R -1	R 3	R 11	B -3	B 7	B 14	0 -3	0 -1
3/82	0 12	G 5	G 11	R -7	R 3	R 6	B -6	B 1	B 9	0 -3	0 1
7/82	0 11	G 5	G 7	R -10	R 5	R 16*	B -4	B 3	B 11	0 -7	0 1
11/82	0 9	G 9	G 14	R -5	R 5	R 10	B -1	B 3	B 13	0 -4	0 1
2/83	0 8	G 2	G 12	R -3							
6/83											

AVE	0 10	G 4 G 9	R -7	R 3 R 9	B -4 B 2	B 9 0 -6	0 0
MP2	0 10	G 4 G 9	R -7	R 3 R 9	B -4 B 2	B 9 0 -6	0 0
+ -2	I 70%	617.	43%	39%	55% 41%	59% 7C%	50% 68% 55%
MP3	0 10	G 4 G 9	R -7	R 3 R 9	B -4 B 2	B 9 0 -6	0 0
+ -3	[78%	65%	78%	70%	77% 64%	73% 78%	59% 91% 73%
MP4	0 10	G 4 G 9	R -7	R 3 R 9	B -4 B 2	B 9 0 -6	0 0
+ -4	87%	87%	87%	91%	91% 73%	82% 8% 73% 100%	91%
AR	21	23 28	27	22 32	25 21	28 19	24

TOTALS FOR GOLD

MP2 % = 56

MP3 % = 73

MP4 % = 86

A.R. = 25

- [۴] احتمال یا درصد این که این نقطه در آینده با فاصله ۴ روز از نقطه متوسط تکرار شود را نشان می‌دهد. ردیف یکسره تعیین شده با نماد MP4 -/+ که درصد این احتمال را برای هر نقطه نشان می‌دهد.
- [۵] درجه بندی دقت: نکته بعدی که می‌خواستم بدام این بود که

«درجه دقت چیست؟ آیا فاصله متوسط یک نقطه خاص از تاریخ متوسط خودش را درجه دقت می‌گویند؟» ردیف AR(درجه دقت) پاسخ این سؤال را برای هر کدام از نقاط می‌دهد. درجه دقت نقطه چرخش با درنظرگرفتن تعداد دفعات رخ دادن یک نقطه چرخش و محاسبه مقدار مطلق فاصله ایکه آن نقطه چرخش از تاریخ متوسط خودش دارد، به دست می‌اید یعنی تمامی این روزها را باهم دیگر جمع کرده و بر تعداد دفعاتی که نقطه چرخش قبل اتفاق افتاده، تقسیم می‌کنیم و عدد به دست آمده را بر ۱۰ ضرب می‌کنیم. نتیجه عملیات یک عدد دو رقمی است. به عنوان مثال درجه دقت نقطه (۱) در نمودار طلا عدد ۲۱ است. به این معنی که فاصله متوسط تمامی نقاط (۱) به اندازه ۲۱ روز از تاریخ متوسط خودشان اختلاف دارد.

[۶] درجه دقت بازار کالا (یا سهام): جواب دومین سؤال بالا به تمامی نقاط در سری مربوط می‌شود (در اینجا یازده است) و آن نتیجه تمامی محاسبات بالا برای تمامی بازارهای کالا می‌باشد. درجه دقت MP2 میانگین MP2 در تمامی ۱۱ نقاط خواهد بود. عدد به دست آمده برای MP2 در تحلیل عددی نشان داده شده است. مهم‌ترین نتیجه برای کل سری AR=25 می‌باشد. یعنی فاصله متوسط تمامی ۱۱ نقطه در سری به اندازه ۲۵ روز از تاریخ متوسط خودشان اختلاف دارد. این نتیجه باعث می‌شود که هر کالا براساس یک مقیاس استاندارد نسبت به دقت نسبی آن به کالاهای دیگر ارزیابی کنیم.

در صفحه بعد فهرستی از تمامی ۲۵ بازار کالا را بر حسب درجه بندی

دقت AR وجود دارد. در پائین هر ستون میانگین درجه دقیق تمامی کالاهای برای آن ستون قرار داد. متوسط AR برای تمامی بازارها ۲۷ یا ۲,۷ روز از تاریخ متوسط است. توجه داشته باشید که به عنوان مثال در نمودار طلا، درجه دقیق ۲,۵ است، که به میانگین ۲,۷ بسیار نزدیک است. من معتقدم که میانگین ۲,۷ نماینده تمامی بازارها می‌باشد حتی بازارهایی که ممکن است توسط دلتا و در تایم فریم اینترمدیت حل شود. در این مرحله من تام بری را در کنار خودم داشتم، برنامه‌ای طراحی کرد که فهرستی از نقاط اینترمدیت (تاریخ متوسط) را به صورت بی نهایت از زمان گذشته تا آینده تولید کرد.

فصل چهارم

گروههای هم خانواده

یکی از جالب‌ترین چیزهایی که من درباره دلتا یاد گرفتم این است که بازار کالاها یا سهام‌هایی که در گروه‌های هم خانواده هستند، راه حل دلتای یکسانی دارند. این امر نه تنها جالب است، بلکه یکی از اتفاقات فرخنده‌ای است که می‌توانست وجود داشته باشد. من می‌خواهم به این نکته تاکید کنم.

البته همین امر در بازار کالاها نیز صدق می‌کند.

[۱] همه سهام در بازار بورس اوراق بهادار نیویورک در ۶۰ گروه مختلف جای می‌گیرند.

[۲] راه حل دلتای یکی از این گروه‌های سهام برای هر سهمی در آن گروه نیز کاربرد دارد.

این بدان معنی است که اگر ما برای هر یک از ۶۰ گروه از سهام یک راه حل داشته باشیم در این صورت ما برای تمامی سهام در بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک راه حل داریم. پس از تحقیقات قابل توجه، من تنها منبع تاریخی دیتا را بر روی گروهی از سهام بازار نیویورک پیدا کردم. به من اطلاع دادند که این اطلاعات فروشی نیستند. با این حال پس از هفته‌ها مذاکره و بستن قرارداد حقوقی و غیره، این اطلاعات را به دست آوردم. من دیتابیس تاریخی را از تمامی ۶۰ گروه بازار بورس به دست آوردم آن هم در فرمت نهایی کامپایلر شود تا بتواند توسط کامپیوترهای IBM خوانده شود.

من به شما نخواهم گفت که این دیتا چقدر هزینه برده است، اما تا این حد گفتن آن کافی است که من به ماهیت چیزی که آن را خریدم، افتخار کردم. در حال حاضر دو مجموعه از این دیتاهای وجود دارد، اما هنوز هم یک منبع دیتا وجود دارد که از آن زمان تاکنون با فروش یا توزیع این دیتابیس موافقت نکرده‌ام. (لطفاً اصرار نفرمایید که بدانید آن منبع کدام است؟) همانطور که گفتم، راه حل دلتا برای یک گروه هم خانواده همان راه حل برای هر کدام از سهام یا کالای آن گروه است. با این حال، دقیق و صحیح راه حل دلتای هر سهام یا بازار کالایی در یک گروه می‌تواند با استفاده از راه حل هر سهم یا کالایی در همان گروه و سپس انجام یک تحلیل عددی جداگانه برای هر سهام یا کالایی در آن گروه ارتقا داد.

[۱] حبوبات، کنجاله سویا، روغن سویا

[۲] طلا، نقره و مس

[۳] شاخص بازار سهام

T-Bonds, T-Bills, Euro-Dollar [۴]

Hogs & Bellies [۵]

S-Franc & D-Mark [۶]

[۷] گروه پتروشیمی

توجه: هر گونه کالایی که در بخش «گروه خانواده» ذکر نشده است، راه حل منحصر بفرد خودش را دارد.

هر تایم فریم دلتا برای هر سهم یا کالایی راه حل منحصر بفرد دلتای خودش را دارد. به عنوان مثال، تعداد نقاط سری و موقعیت نقطه (۱) در تایم فریم اینترمدیت گروه T-BONDS برای تایم فریم‌های دیگر همین سهم یکسان نخواهد بود. نه برای این سهم و نه برای سهم و یا کالای دیگر مشابه نیست. من حتی یک کالای واحد را در هیچ یک از تایم فریم‌ها ندیده‌ام که راه حل یکسانی با سایر کالاهای داشته باشد به جزاین که آن دو کالا در گروه هم خانواده و تایم فریم یکسانی باشند.

به عنوان مثال راه حل دلتا برای گروه T-Bonds در تایم فریم LTD نه مشابه تایم فریم MTD خواهد بود و نه مشابه تایم فریم LTD، نه تایم فریم SLTD، نه تایم فریم STD و نه مشابه راه حل هیچ یک از سهام و کالاهای دیگر نخواهد بود. حالا اجازه دهید نگاهی به راه حل‌های اینترمدیت دلتا در سهام مختلف نگاهی بیاندازیم. اما این بار، به جای نگاه کردن به ساقه هفت ساله یک بازار، ساقه‌یک ساله شش بازار را نگاه خواهیم کرد. موارد ذیل نشان دهنده چهار گروه هم خانواده هستند.

گروه خودرو و جنرال موتورز

شرکت‌های خودروسازی جنرال موتورز و فورد لیدر گروه خودرویی هستند. آن‌ها هر دو راه حل دلتای مشابهی دارند. این مجموعه دارای ۱۰ نقطه چرخش است و نقطه (۱) در هر دو طرف خط رنگی قرار می‌گیرد اما به خط سبز بسیار نزدیک است.

گروه ایرلайн‌ها

شرکت‌های Delta Airlines Incorporated و United Airlines (UAL) (DAL) لیدر گروه ایرلайн‌ها هستند. راه حل دلتای هر دو یکسان است. این مجموعه دارای ۱۰ نقطه چرخش است و نقطه (۱) دقیقاً بعد از خط سبز می‌آید.

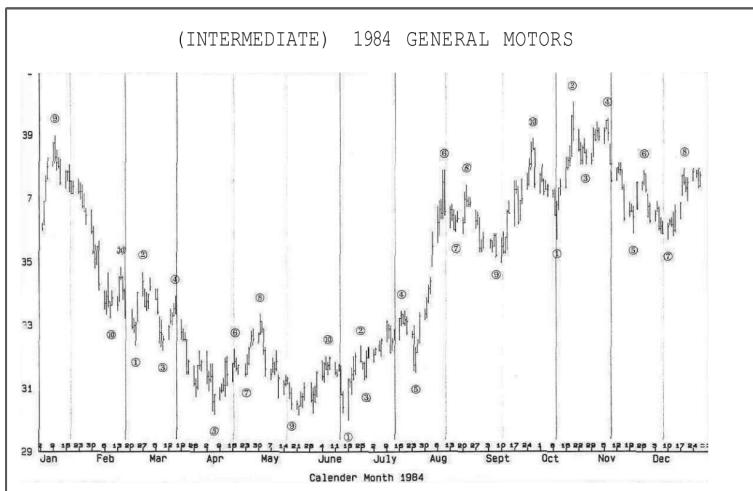
گروه شبکه‌های رادیویی و تلویزیون

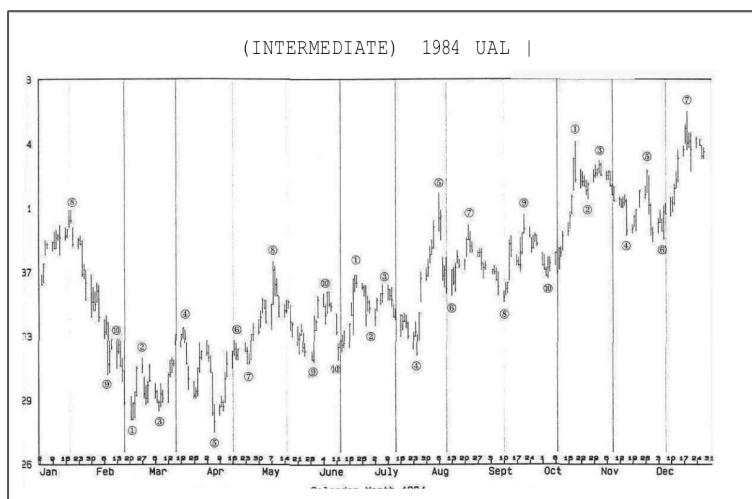
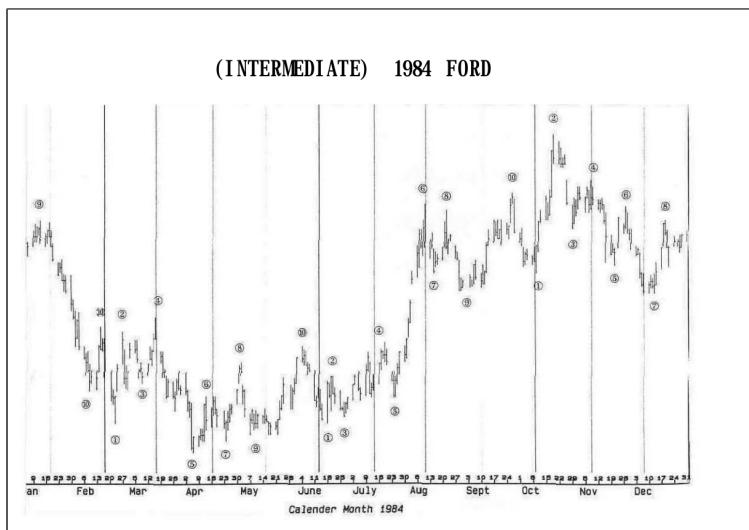
شرکت Columbia و American Broadcasting Company (ABC) لیدر گروه شبکه‌های رادیویی و تلویزیون Broadcasting System (CBS) هستند. راه حل دلتای آن‌ها مشابه یکدیگر است. این مجموعه دارای ۱۰ نقطه چرخش است و نقطه (۱) در هر دو طرف خط رنگی می‌آید ولی به خط نارنجی خیلی نزدیک است.

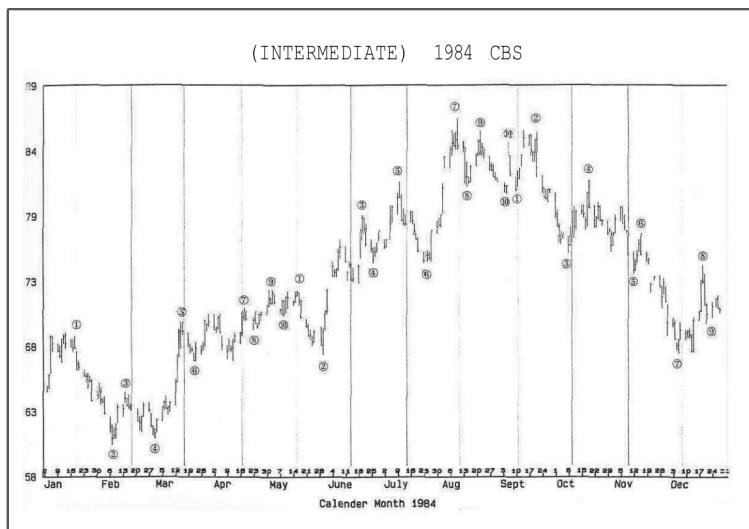
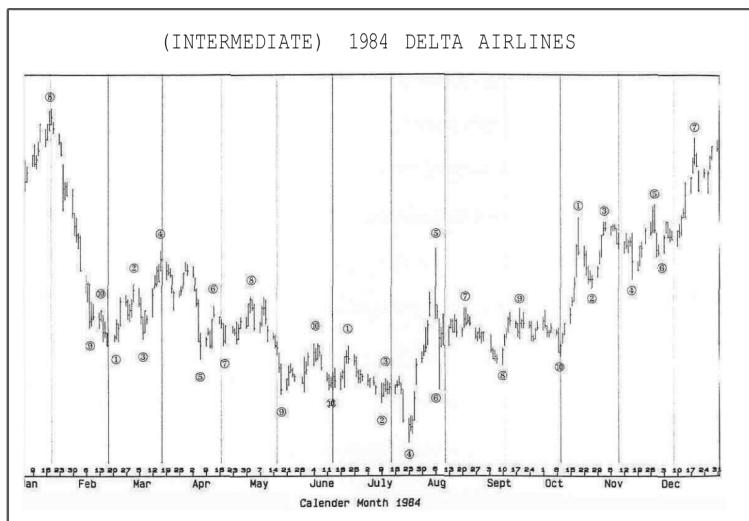
گروه صنایع هوایی

شرکت بوئینگ (BA) لیدر گروه صنایع هوایی است. این مجموعه دارای هشت نقطه است و نقطه (۱) در نزدیکی خط نارنجی می‌آید. بوسیله نمودارهای ذیل، از مطالعاتمان در تایم فریم اینترمدیت نتیجه گیری

خواهیم کرد. آیا تعریف ما از ITD را به خاطر دارید؟ بازارها به صورت مستقیم یا وارونه در هر چهار ماه قمری تکرار می‌شوند. تایم فریم بعدی که بررسی خواهد شد تایم فریم متوسطه دلتا یا Medium Term Delta است.







فصل پنجم

تاپیم فریم متوسط دلتا یا (MTD)

تایم فریم بعدی، تایم فریم متوسطه دلتا یا (MTD) است. جیم یاد گرفت که نیروهای تعاملی بر جزء و مد دریا تأثیر می‌گذارند از این رو زمین از تعامل کامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر تأثیر می‌پذیرد و زمین این تعامل را در هر دوازده ماه قمری تکرار می‌کند. دوازده ماه قمری را می‌توان یک سال قمری دانست.

اگرچه جیم واقعاً این تعامل را در نمودارها مطالعه نکرده بود اما مطمئن بود که این تایم فریم یک سری دلتاخواهد بود که همه بازارها در هماهنگی با آن خواهند بود.

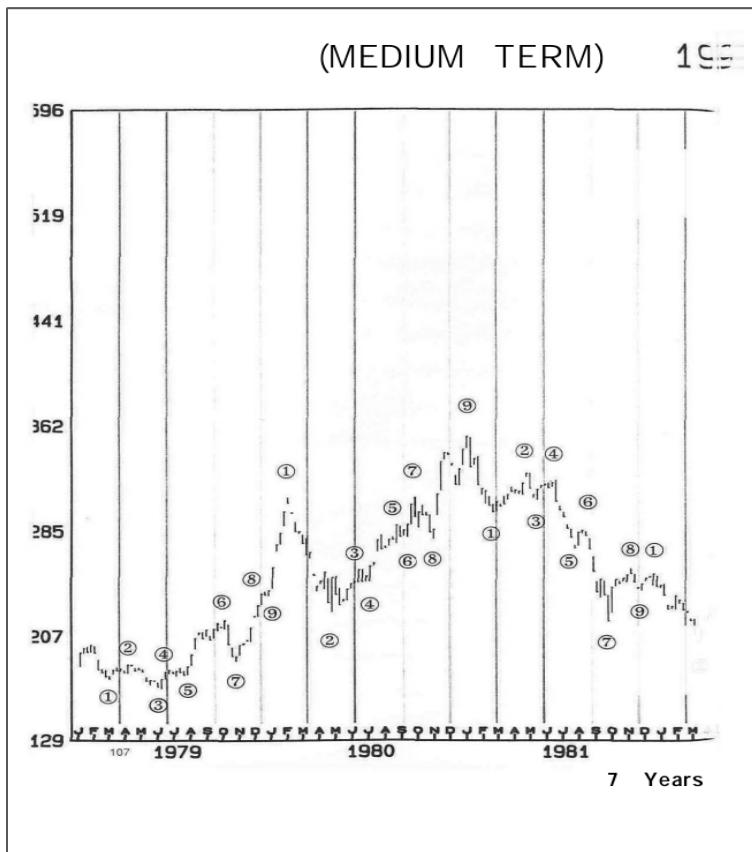
وقتی من از جلسه مدیران مدیران دلتا در لندن به خانه برگشتیم. من به تام بربی نحوه استفاده از برنامه کامپیوتی موجود را یاد دادم که این برنامه کندهای هفتگی را تولید می‌کرد و نمودار را با چهار خط رنگی پوشش می‌داد.

او توانست با هر کدام از چهار خط رنگی در سری شروع کند اما هر کدام از خطوط رنگی در مورخه سومین قرص کامل ماه قرار داشت.

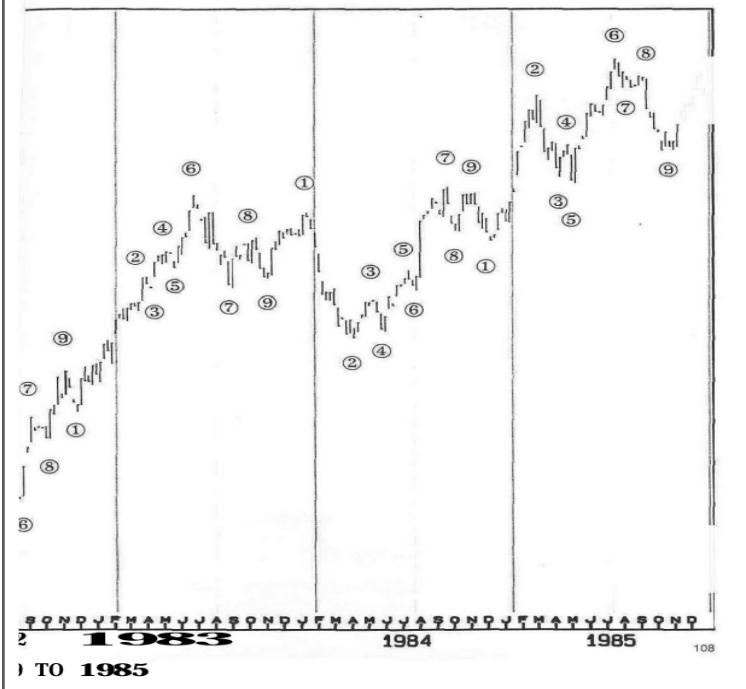
اکنون، به من اجازه دهید تا یک چیز را برای شما روشن کنم و آن این که هیچ چیز جادویی درباره قرص کامل ماه وجود ندارد. در هر دو تایم فریم اینترمدیت (ITD) و مدیوم (MTD)، فرقی ندارد که خطوط رنگی در قرص کامل ماه باشد یا ماه جدید، سه چهارم ماه یا هر مرحله دیگری از ماه باشد هیچ فرقی ندارد. نکته مهم زمان است. رنگ‌ها باید همیشه در همان نقطه از هر کدام از چرخه ماه قرار گیرند.

ما از تاریخ قرص کامل ماه برای خطوط رنگی استفاده می‌کنیم زیرا آن به راحتی قابل دسترسی است. این تاریخ در اکثر تقویم‌های معمولی وجود دارد. تاریخ ماه کامل را می‌توان از یک تقویم نجومی تا مدت یکصد سال آینده به دست آورد.

اولین نمودار، نمودار هوافضا است که یکی از شصت گروه بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک می‌باشد.



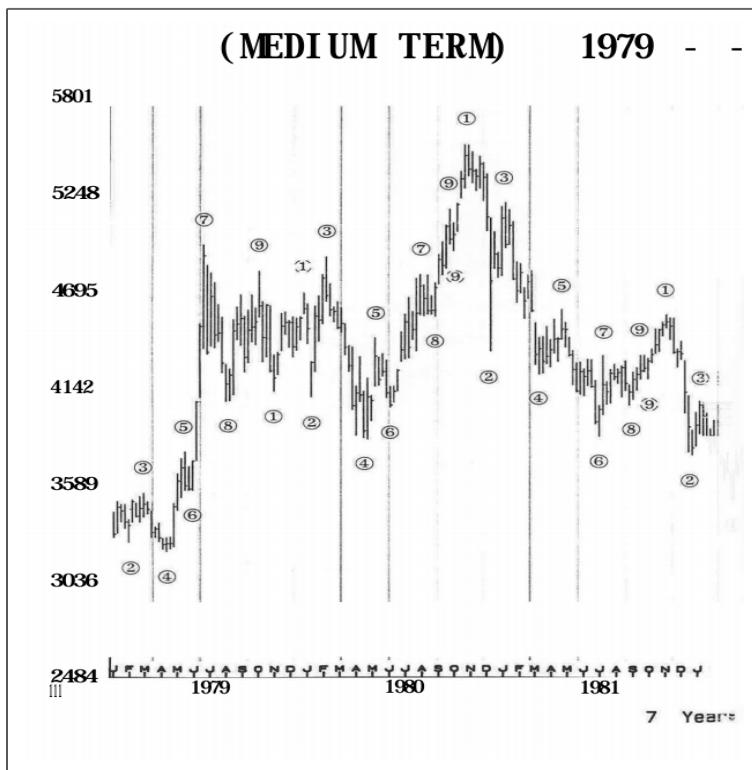
- , 1985 AEROSPACE

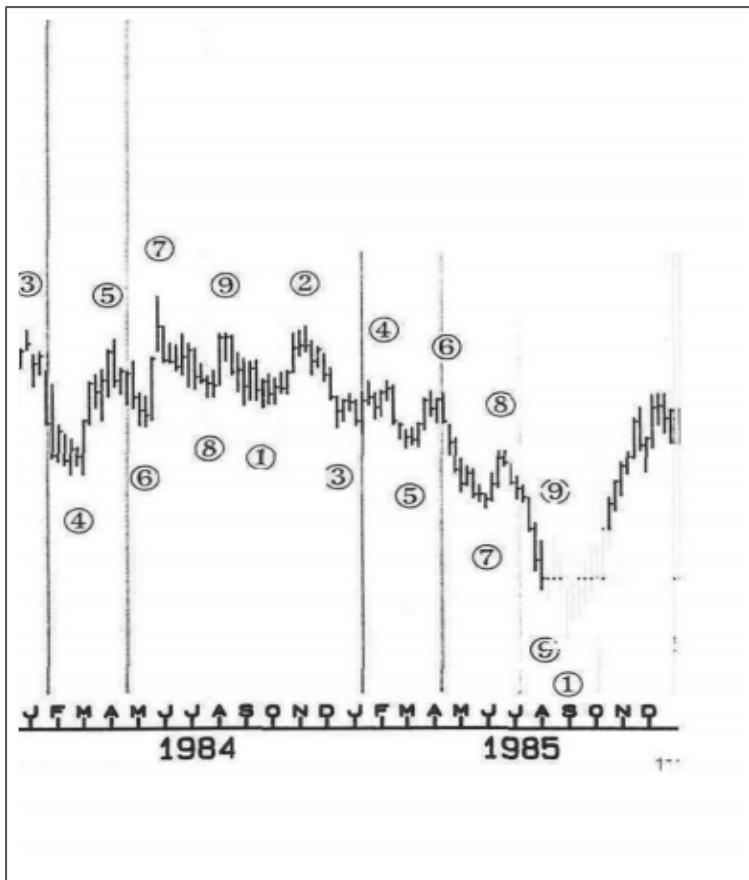


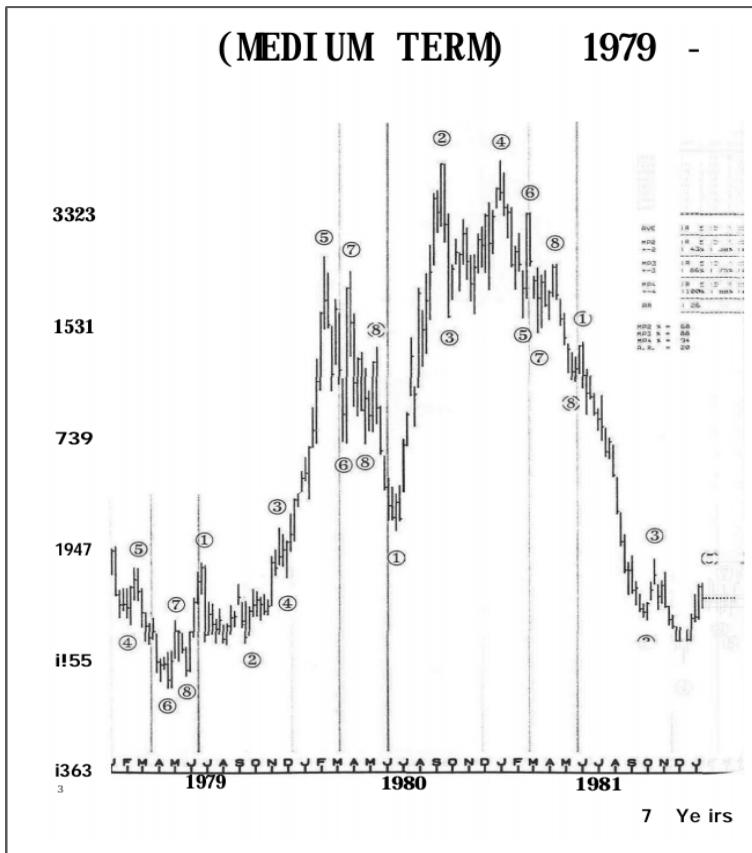
راه حل دلتای نشان داده شده در صفحه قبلی مربوط به گروه هوافضا متعلق به بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک است. همه شرکت‌های آن گروه همان راه حل MTD را دارند. شایان ذکر است که در این راه حل، وارونگی وجود ندارد. می‌دانم که چه فکری می‌کنید، اگر هیچ وارونگی وجود ندارد پس چگونه می‌توانید مطمئن شوید که نقطه (۱) را در جی درستی قرار داده‌اید؟ این سؤال بسیار خوبی است. این وضعیت به ندرت اتفاق می‌افتد ولی گاهی اوقات این اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال در راه

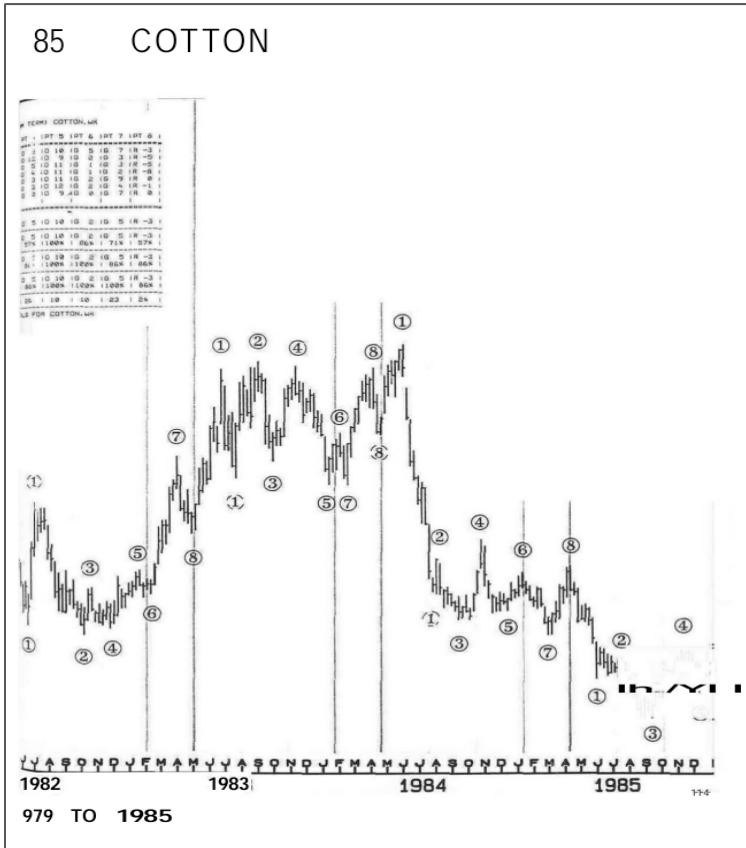
حل LTD برای بازار احشام زنده با استفاده از دیتای سال ۱۹۶۰ تا کنون هیچ وارونگی وجود ندارد. همچنین در راه حل SLTD برای شاخص بازار سهام با استفاده از دیتای سال ۱۷۹۰ تا کنون، حتی یک وارونگی در ۲۰۰ سال گذشته وجود ندارد. با این حال برای پاسخ به این سؤال، تا زمانی که یک وارونگی نداشته باشد، شما نمی‌توانید از راه حل ممکن مطمئن شوید ولی من اعتقادم براین است که این راه حل به یک دلیل درست است، آن هم به علت حرکت بزرگ در اطراف نقطه (۱) است. هر چند، بر روی آن شرط نمی‌بندم زیرا هیچ یک از کف‌های بزرگ در نقطه (۱) قرار ندارند. اگر هیچ وارونگی وجود نداشته باشد، در این صورت نقطه (۱) را در جای اولین حرکت‌های بزرگ، قرار می‌دهم در غیر این صورت نقطه (۱) را در کف‌های بزرگ قرار می‌دهم. اگر هر دو این شرایط مهیا شوند شما می‌توانید تقریباً مطمئن باشید که راه حل مناسب را دارید. فکر می‌کنم یک اقبال عمومی وجود دارد که ممکن است یک وارونگی در سالهای بعد از ۱۹۸۴ اتفاق بیافتد. به هر حال من می‌خواهم که در اینجا به عنوان مثالی از چگونگی به کاربردن راه حل «بدون وارونگی»، به نمودار MTD هوافضا خاتمه دهم. همچنین توجه داشته باشید که در تایم فریم MTD از کندهای هفتگی استفاده می‌شود. البته در تایم فریم ITD از کندهای روزانه استفاده می‌شود. نمودار بعدی که در تایم فریم MTD به آن خواهیم پرداخت بازار گندم و به دنبال آن پنبه و کاکائو است. تعدادی وارونگی در نمودارها وجود دارند، بنابراین ما از راه حل خودمان مطمئن هستیم. به سه کف بزرگ قیمتی در نقطه (۱) توجه داشته باشید. همچنین به

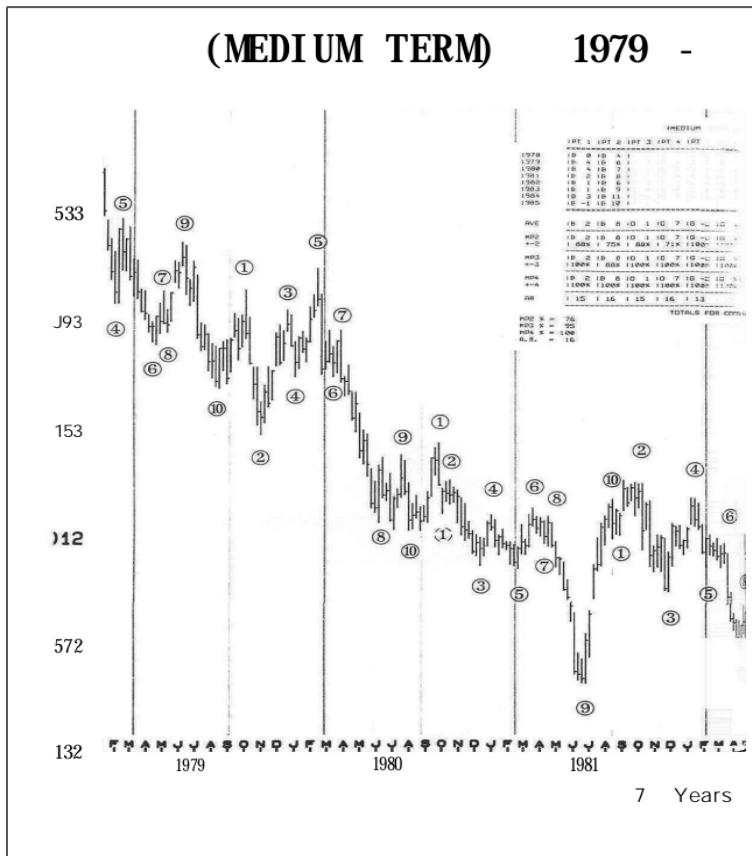
حرکت‌های بزرگ در هر دو طرف نقطه (۱) توجه داشته باشید. تحلیل عددی در تمام نمودارها نشان داده شده است. توجه داشته باشید که درجه دقت برای نمودار گندم (که شامل تمامی نقاط در سری می‌باشد) $AR = 17$ است. این بدان معنی است فاصله متوسط $1,7$ هفته است زیرا ما با کندهای هفتگی معامله می‌کنیم. شکل دیگر گفتن آن این است که در نمودار گندم، فاصله متوسط تمامی نقاط در تایم فریم MTD از تاریخ متوسط خودش $1,7$ هفته اختلاف دارد. همان‌طوری که قبل گفتم، در حرکت‌های بزرگ، نقاط چرخش تمایل دارند تا در اواخر سری قرار گیرند. در نقاطی که به حرکت‌های بزرگ واکنش نشان می‌دهند، نقاط چرخش تمایل دارند تا در ابتدای سری بیایند. همان‌طوری که در بخش مربوط به معامله باید بدانیم، دانستن این موضوع می‌تواند سرنخی از درجه دقت را به ما بدهد. ما قسمت MTD را با این تعریف نتیجه گیری خواهیم کرد. رفتار بازارها در هر 12 ماه قمری به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می‌شود.

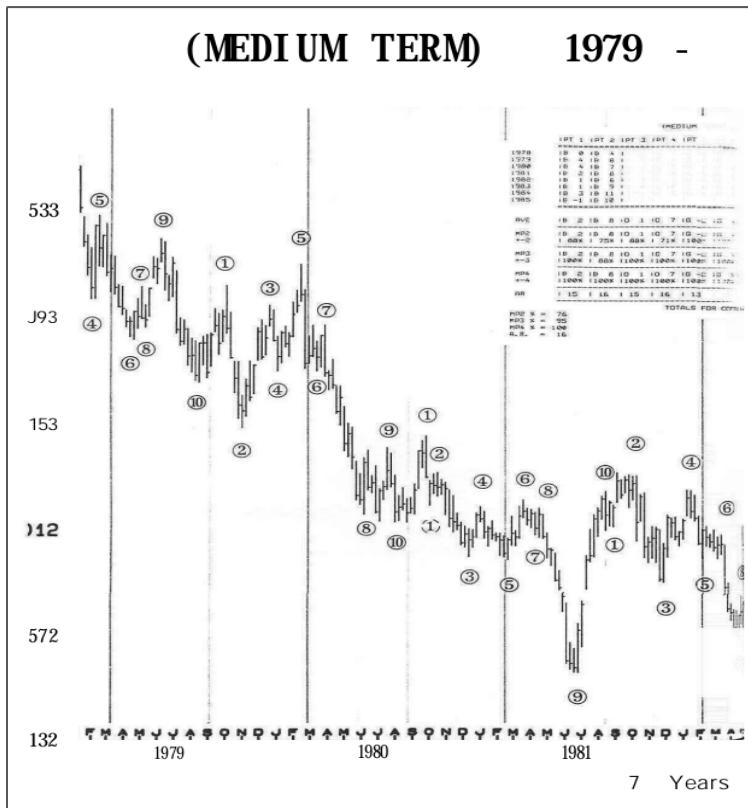












فصل ششم

تايم فريم دراز مدت دلتا يا (LTD)

من می‌خواهم زمان بیشتری را برای تایم فریم LTD صرف کنم و در این تایم فریم نمودارهای بیشتری از سایر تایم فریم‌ها نشان دهم. دلایل زیادی وجود دارد. نخست این که، اکثر معامله گران سهام تنها از تایم فریم LTD استفاده خواهند کرد. گمان می‌کنم به ازای هر یک نفر معامله گر کالا تعداد ده نفر معامله گر سهام وجود داشته باشد. با این حال فکر می‌کنم حتی تایم فریم LTD نیز به طور متوسط مهم‌ترین تایم فریم برای معامله گر کالا است.

تایم فریم LTD به معامله گر در هر بازاری که در آن معامله می‌نماید چشم انداز بلند مدتی را می‌دهد. بنابراین تایم فریم LTD موقعیتی برای شروع است. این تایم فریم جهتی را که در آن باید معامله کنید را به شما می‌گوید. من معتقدم زمانی که معامله گر از نمودارهای هفتگی تایم فریم

LTD استفاده نماید دورنمای این تایم فریم بیشترین سود را هم در بازار معاملات آتی و هم در معاملات سهام تولید خواهد کرد.

معامله گری که نقاط چرخش LTD را در نمودار هفتگی خود نشان داده است می‌تواند نمودار خود را در تعطیلات آخر هفته با استفاده از اطلاعات «بارون» بروز رسانی کند، تصمیم خود را برای معامله گرفته، سفارشات خود را به کارگزاری ارسال کرده و همه چیز را درباره بازار تا آخر هفته فراموش کند.

معامله گرانی که هفته‌ای یک بار به نمودار هفتگی خود نگاه می‌کنند توسط نوسانات روزانه، شایعات و نیروهای مداوم ناشی از ترس و طمع نمی‌ترسند که این ترس مانع از پایبندی معامله گران به استراتژی خودشان می‌شود.

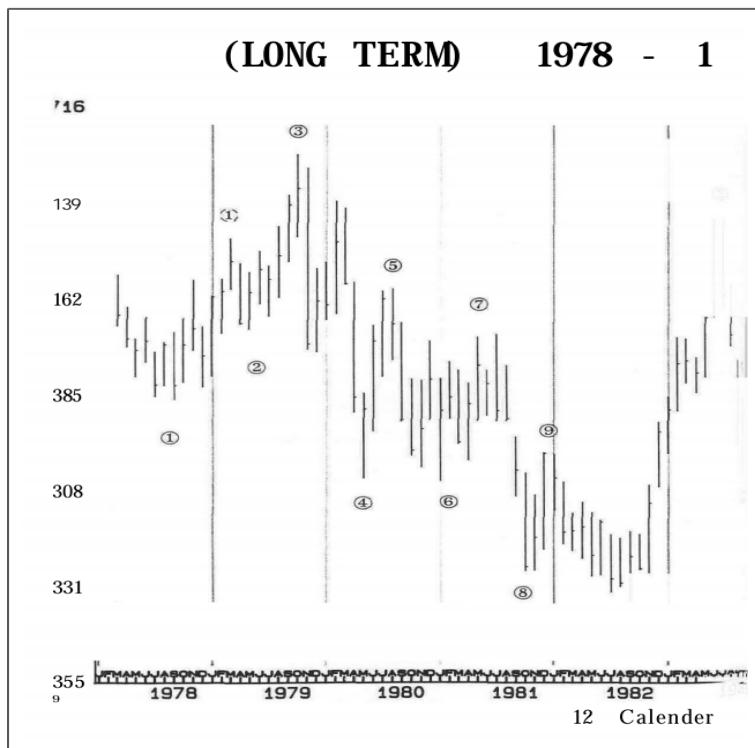
در یک کلام من فکر می‌کنم، این تعجب آور است که هیچ کس تایم فریم LTD را کشف نکرده است. این تایم فریم بسیار ساده است.
رفتار بازارها هر چهار سال یک بار به طور مستقیم و یا وارونه تکرار می‌شود.
(هر چهار بار چرخش زمین به دور خورشید)

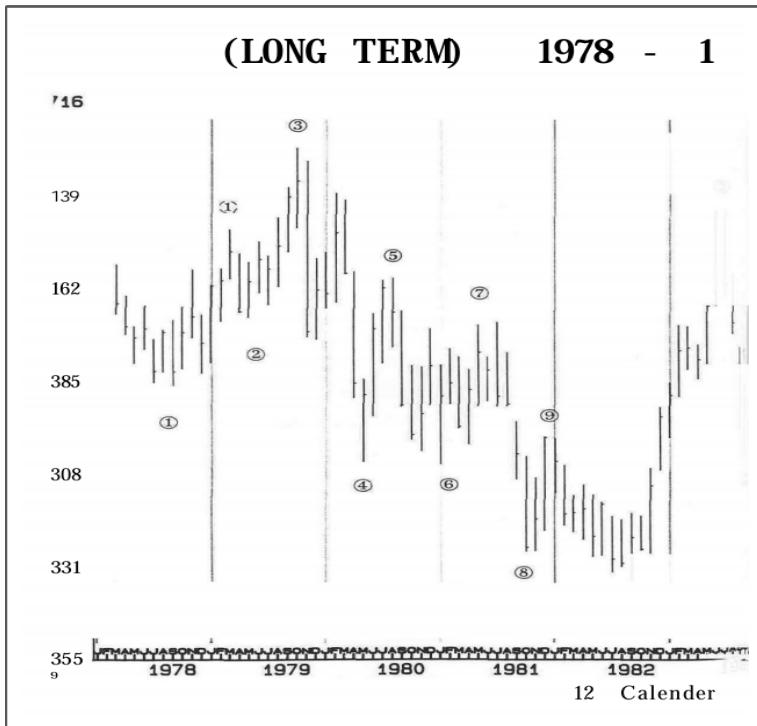
یکی از چیزهایی که من متوجه شدم این است که بیشتر راه حل‌های LTD تعداد فردی از نقاط چرخش در سری دارند. این عدد فرد برای پنهان کردن نظم پنهان بازارها کمک می‌کند زیرا هر یک از نقاط چرخش از یک نقطه حداکثری به نقطه حداقلی در هر سری جدید تبدیل می‌شود. به عنوان مثال، اگر وارونگی وجود نداشت، نقطه (۵) یک نقطه حداكثري در سری فعلی بود، در سری بعدی یک نقطه حداقلی بود.

اگر تعداد زوجی از نقاط چرخش در سری وجود داشت و نقطه (۵) نقطه حداکثری در سری فعلی بود تا زمانی یک وارونگی وجود داشته باشد، آن نقطه چرخش یک نقطه حداکثری در سری‌های بعدی نیز خواهد بود. حالا در اینجا، چه چیزی خیلی شگفت‌انگیز است. پرییننده‌ترین بازار جهان، بازار بورس و اوراق بهادر نیویورک است. این بازار تنها شش نقطه چرخش دارد و در طی ۵۰ سال حتی یک وارونگی نداشته است. به این فکر کنید که در طی ۵۰ سال گذشته نقاط چرخش بازار بورس نیویورک یک عدد زوج و فقط شش است و وارونگی ندارد. با این حال به جز جیم اسلومان هیچ کس این نظم را ندیده است. آسان‌ترین چیزی که ناظران بازار، موفق به مشاهده دلتا شدند این است که آن‌ها چرخه چهارساله را در بازار تشخیص دادند.

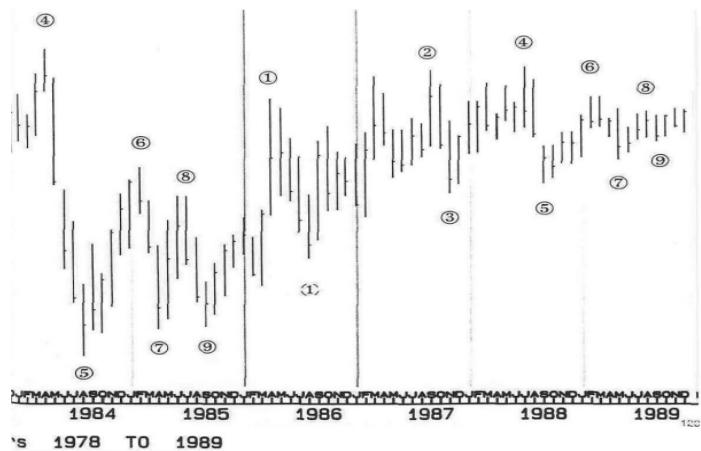
ما همچنین باید این چرخه چهارساله را در بازار سهام نیویورک ببینم (همچنین بازار طلا) که در داخل هر راه حل LTD یک راه حل دیگر LTD وجود دارد؛ با این حال ما بعداً به آن خواهیم پرداخت.

هم اکنون اجازه دهید تا به تعدادی از نمودارها نگاهی بیندازیم. برای حل تایم فریم LTD من از هر دو نمودار ماهانه و هفتگی استفاده کردم. برای بازارهایی که نقاط چرخش کمتری در این سری دارند، نمودار ماهانه ممکن است یک تصویر واضح تر نمایش دهد. برای بازارهای با تعداد زیاد نقاط چرخش، من ترجیح می‌دهم از نمودار هفتگی استفاده کنم. در ابتدا اجازه دهید به نمودار الوار چوب نگاهی بیندازیم که اغلب یک نمودار دلخواه برای نرخ بهره است.





9-' - LUMBER



بازار الوار تنها نه نقطه چرخش در سری دارد. از آنجا که یک سری به مدت چهار سال طول می‌کشد پس یعنی زمان متوسط بین دو نقطه چرخش پنج ماه است. یک چیزی که شما بدون شک درباره نقاط چرخش دلتا قبول خواهید کرد این است که آن‌ها نامنظم هستند. یعنی فاصله بین دو نقاط چرخش ممکن است بسیار متفاوت باشد. به عنوان مثال، نمودار الوار تعدادی نقاط چرخش دارد که تنها چند ماه از هم دور هستند و برخی دیگر از نقاط چرخش ۱۲ ماه از یکدیگر فاصله دارند. به همین دلیل است که نقاط چرخش دلتا را به معنای واقعی کلمه

به صورت دورای مطرح نمی‌کنم... زیرا نقاط در این سری چرخه منظمی ندارند. من درک می‌کنم که پایه و اساس مطالعه چرخه، تنها چرخه منظم را در تعریف خود از چرخه می‌پذیرد. با این حال، تایم فریم‌های اساسی دلتا، البته، با چرخه‌های منظم تعریف شده‌اند.

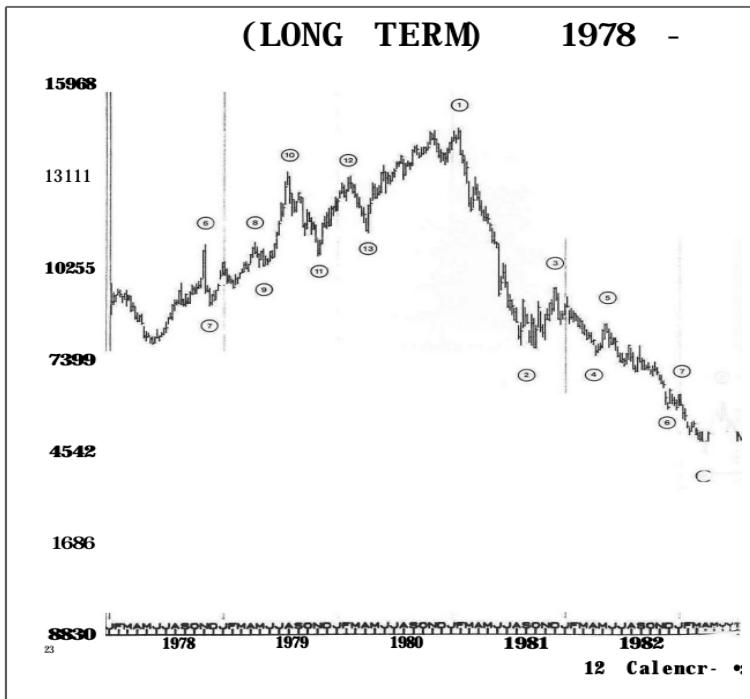
با این حال به بحث قبلی خود درباره نمودار الوار چوب بر می‌گردیم، ممکن است بگویید دقیق نمودار ماهانه کالاها (سهام) از نمودار هفتگی آن‌ها کمتر باشد زیرا نمودار هفتگی دو یا سه برابر تعداد نقاط چرخش بیشتری از نمودار ماهانه دارد.

دقیق چیز نسبی است. در واقع دقیق نسبی نمودار ماهانه کالا (سهام) به همان اندازه دقیق نمودار ماهانه این کالاها است. برای مثال، درجه متوسط دقیق بازار الوار یک ماه یا $4/3$ هفته است. فاصله متوسط بین نقاط چرخش دلتا شش ماه یا $25/8$ هفته است. ضریب مدت زمان متوسط برای نقطه‌ای که اتفاق می‌افتد ($4/3$ هفته است) نسبت به فاصله بین نقاط ($25/8$ هفته) $4/3$ است که تقسیم بر $25/8$ ، مساوی عدد $1/66$ می‌شود.

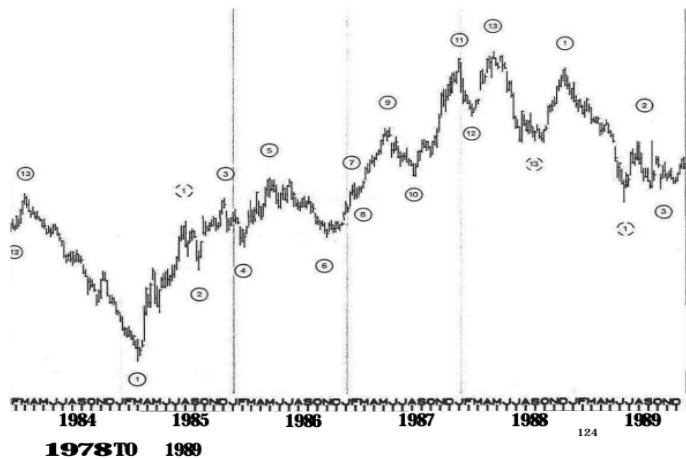
حالا فرض کنید که درجه دقیق برای کالای دیگر (یا سهام) دو هفته است و فاصله متوسط بین نقاط چرخش دلتا سه ماه است ($12/9$ هفته). باز هم تقسیم کردن درجه دقیق بر فاصله متوسط ($2:9$) مساوی عدد $1/55$ است. بنابراین، حتی اگر درجه دقیق ماهانه در حدود دو برابر درجه دقیق هفتگی باشد، باز هم دقیق نسبی برابر است. حالا اجازه دهید به دو نمودار هفتگی LTD نگاهی بیندازیم. برای اولین بار ارزهای خارجی، مثلاً

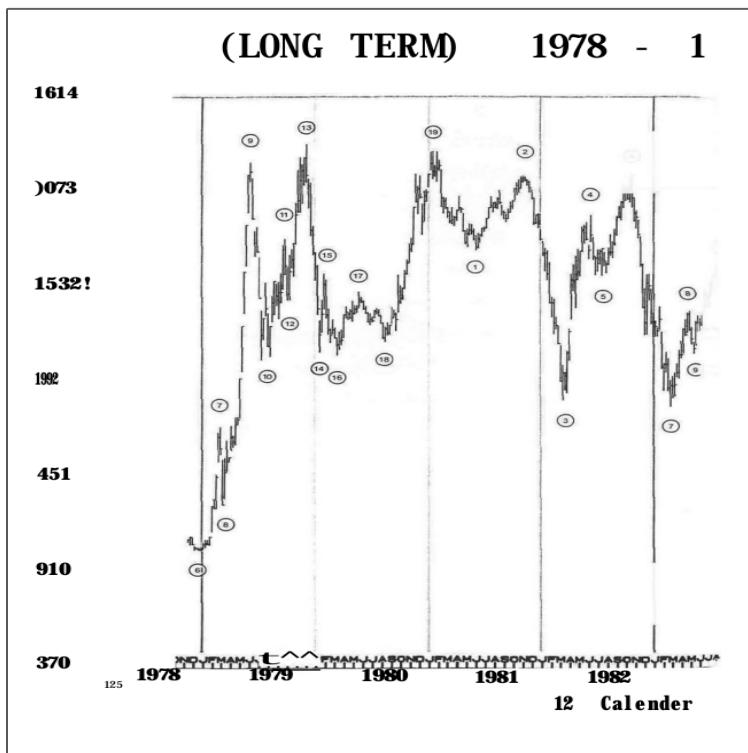
پوند را بررسی می‌کنیم. سپس از خانواده نفت (نفت خام، گاز طبیعی، بنزین و غیره) شروع می‌کنیم. اجازه دهید به پرسابقه ترین بازار معاملات آتی آمریکا که داد و ستد می‌شد، یعنی نفت سیاه نگاهی بیندازیم. وقتی که نمودار را نگاه می‌کنید یک چیز را به خاطر داشته باشید. همانطوریکه بیان شد، موقعیت خطوط رنگی قراردادی است. مهم نیست که خطوط رنگی در اولین روز سال بباید یا در سه ماهه دوم سال، در نقطه اعتدال شب و روز یا هر تاریخ دیگری بباید. مهم این است که فاصله بین خطوط دقیقاً یک سال است. ما به دلخواه خودمان تصمیم گرفتیم تا خطوط را در اولین روز از سال قرار دهیم.

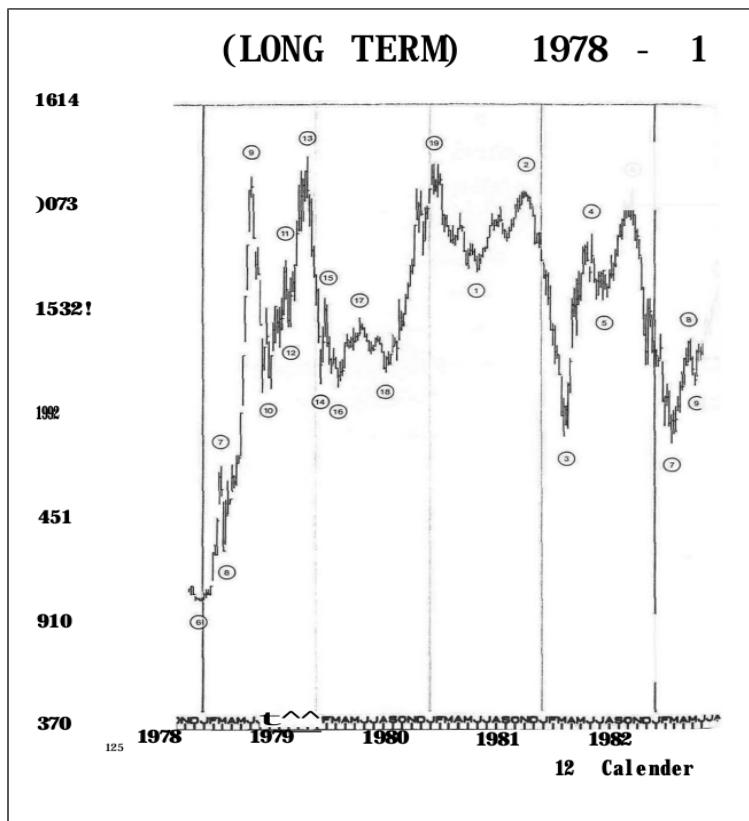
در این مورد، جای نگرانی وجود ندارد که نقطه‌ای در یک سری در یک طرف خط رنگی بباید و در سری بعدی در سمت دیگر خط رنگی قرار گیرد. محل قرارگیری خط رنگی مهم نیست، بلکه درجه دقت نقاط، فاصله متوسط نقطه از موقعیت نقطه متوسط مهم است. به طور معمول، به یک چیز بسیار مهم درباره دلتا توجه داشته باشید و آن این که، حرکت‌های بزرگ در هر دو طرف نقطه (۱) اتفاق می‌افتد.



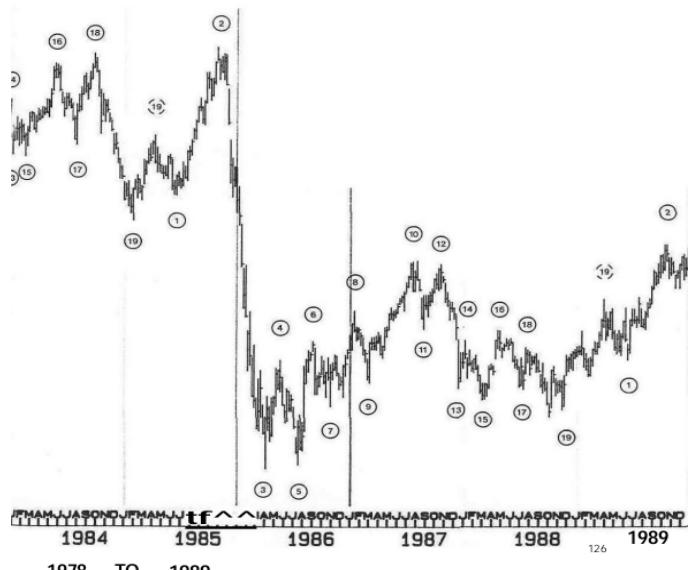
3. BRITISH POUND







19 N.Y. HEATING OIL #2



پس از آن، ما به بعضی از گروههای سهام نگاه می‌کنیم، دیتابیس من برای همه گروههای سهام از یکم ژانویه سال ۱۹۷۷ شروع شده و تا پایان سال ۱۹۹۰ ادامه می‌یابد. که در مجموع ۱۴ سال است. به این معنا که، این نهایت مدت زمانی است که پایگاه داده‌ام ذخیره می‌نماید. یک سؤال مناسب در این زمان می‌تواند این باشد: برای این که از یک راه حل دلتا مطمئن شویم، داشتن چند سال از اطلاعات لازم است؟

راه حل‌های ITD اصلی تنها شامل دو سری بود. تمامی راه حل‌های دیگر معطل مانده بودند تا زمانی که دیتای بازار به بیش از هشت سال و ۲۴ سری ادامه یافت. در یک سری، وجود نقاط چرخش اضافی در سری تأیید شد. همچنین در هر سری یک وارونگی وجود داشت. این نشان می‌دهد که تنها با دو سری و یک وارونگی می‌توان راه حل درست را پیدا کرد.

با این حال، سؤال دیگری وجود دارد که مربوط به تعداد سری‌های در نظر گرفته شده است. سؤال این است «برای تعیین دقیق نقطه متوسط چه تعداد سری نیاز دارید؟» به عبارت دیگر چند تکرار از یک نقطه چرخش خاص لازم است تا مطمئن شوید که اگر بعداً تکرار نقاط بیشتری به سری اضافه شود نقطه متوسط تغییر نخواهد کرد؟

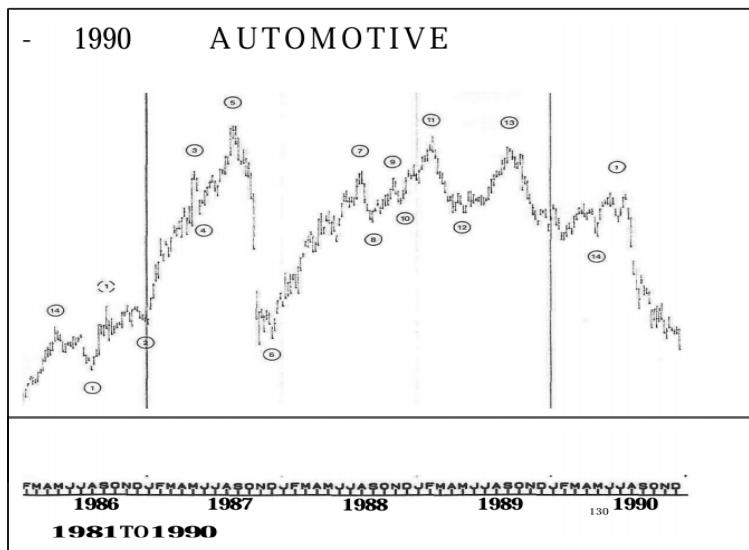
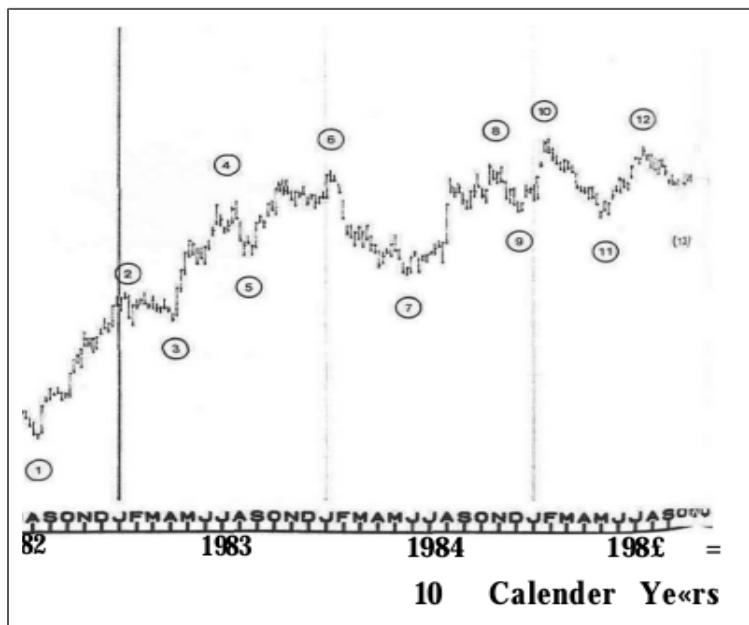
بر اساس تحلیل من از صدھا نمودار در تمامی تایم فریم‌ها، می‌خواهم به شما بگویم که اگر ده تکرار از یک نقطه (در ۵ سری) داشتید در این صورت نقطه متوسط تقریباً حل نخواهد شد. من می‌خواهم بگویم که هر تعداد تکرارهای اضافی (یا تکرار سری‌ها) باشد، نقطه متوسط بیشتر از یک واحد افزایش، حرکت نخواهد کرد. یک واحد افزایش در تایم فریم اینترمدیت می‌تواند یک روز باشد. یک واحد افزایش برای تایم فریم مدیوم یا لانگ ترم (هفتگی) می‌تواند یک هفته باشد.

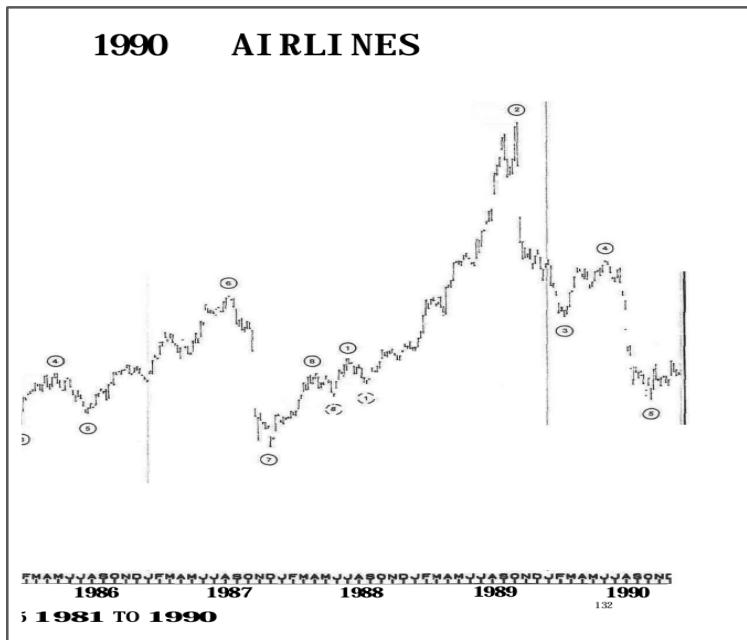
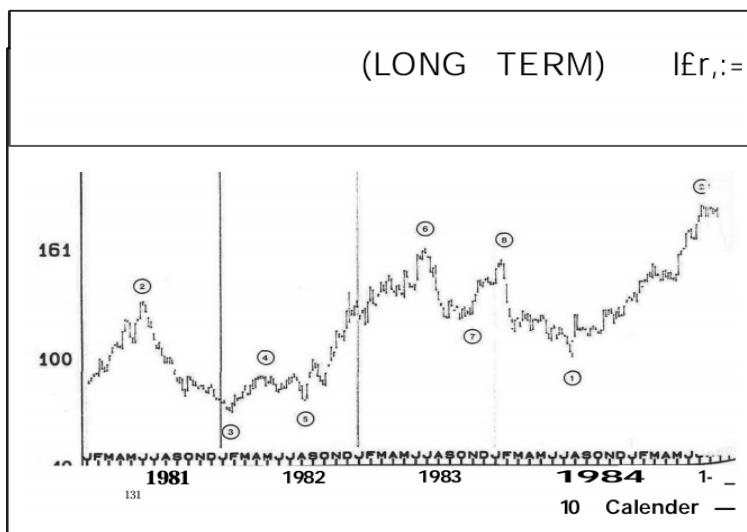
به عنوان مثال، نقطه متوسط در تایم فریم ITD بر اساس اطلاعات موجود از ابتدای سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ بود. این اطلاعات ۸ سال یا ۲۴ سری بود. تاریخ نقاط چرخشی که ما امروز در سال ۱۹۹۱ استفاده می‌کیم به طور کامل بر روی داده‌هایی استوار است که در سال ۱۹۸۳ به پایان رسیده

بود. دقیق نقطه چرخش سال ۱۹۹۱ به اندازه دقیق سال ۱۹۸۳ بودند. مثال دیگر: یکی از مدیران دلتا دیتای روزانه بازار سهام را به مدت یک دوره از سال ۱۹۳۰ به این طرف به دست آورد. او بازار مورد نظر را در تایم فریم LTD حل کرد. این همان راه حل دقیقی است که هر یک از ما امروزه از آن استفاده می‌کنیم. اگر درست به خاطر داشته باشم، تنها یک یا دور روز از نقطه متوسط اختلاف داشتند و از راه حل ۱۹۸۳ تنها یک روز فرق داشتند. با استفاده از شکلی من شامل ۱۰ سری به عنوان یک پایگاه مناسب برای تعیین تاریخ نقطه متوسط، روشن است که دیتای مورد نیاز برای تایم فریم LTD مدت ۴۰ سال خواهد بود. از آنجا که ما دیتای سالهای گذشته را برای اکثر بازارها نداریم، ما باید اضافه کردن دیتای جدید را به راه حل خودمان ادامه دهیم تا زمانی که در مجموع ده سری داشته باشیم و پس از آن تاریخ نقطه متوسط را دوباره محاسبه کنیم.

همان طور که قبلاً گفتم برای سهام هم خانواده، تمام دیتای موجود در دسترس ۱۴ سال است. این دیتا به ما ۳ و نیم سری می‌دهد. با این تعداد سری، نقاط چرخش دلتا هنوز مشخص نشده است با این حال به اعتقاد من این امر می‌تواند برای هر نقطه‌ای که در خارج از دامنه ۱۰۰٪ فعلی سقوط کرده است یک اتفاق نادر باشد.

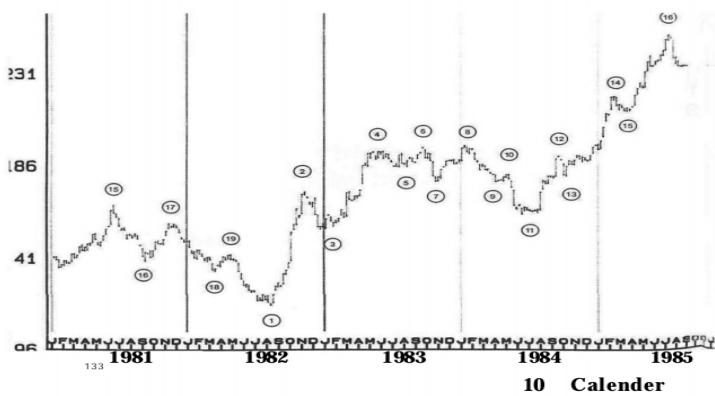
حالا اجازه دهید تا به گروههای هم خانواده با عنوانین روبرو نگاهی بیندازیم: خودرو، هوایپیمایی، بانکداری، صنعت نفت و بازاریابی. با توجه به کمبود وقت و حوصله شما، برای هر کدام از گروههای یک نمودار از یک دوره ۱۰ ساله نشان خواهم داد که شامل حداقل یک وارونگی باشد.



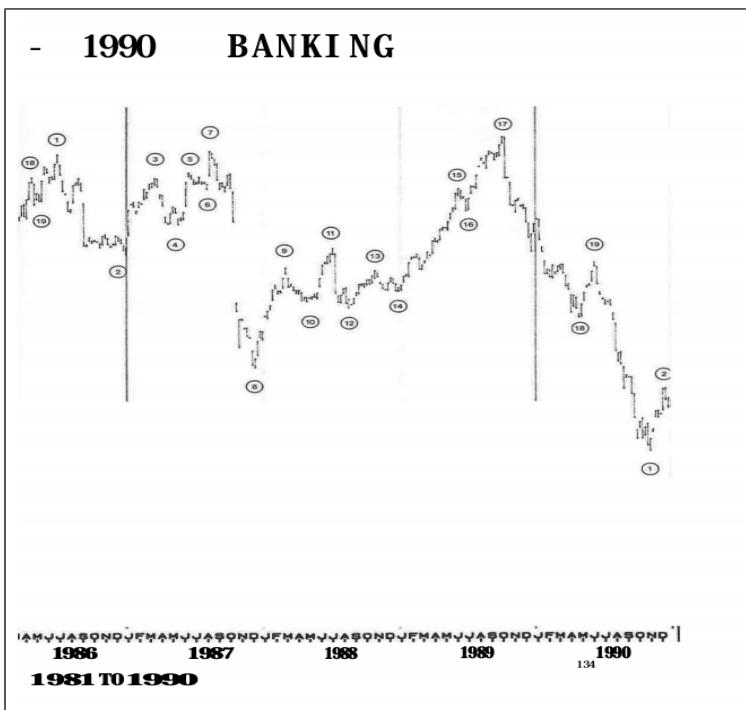


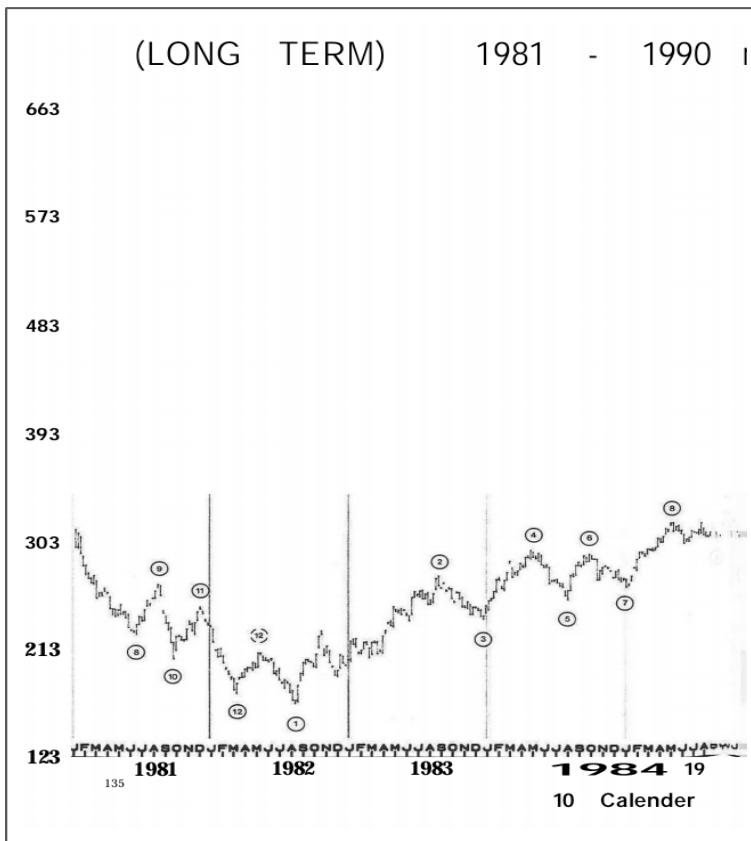
(LONG TERM)

19::

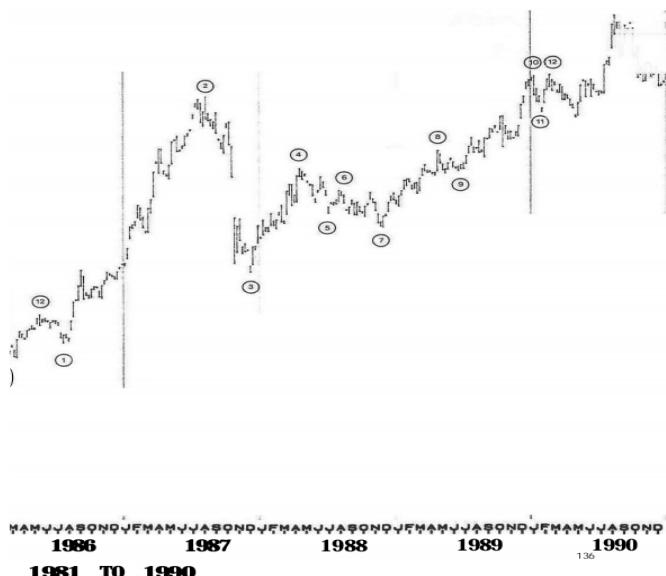


10 Calender





II. REFINING AND MARKETING



زمانی که برای اولین بار تحلیل تایم فریم LTD را برای بازار شروع کدم، مشابه تحلیل عددی ITD را در تایم فریم LTD استفاده کدم. در ذیل تحلیل عددی پوند بریتانیا وجود دارد.

B-POUND WK													
	PT 1	JPT 2	PT 3	JPT 4	JPT 5	PT 6	PT 7	PT 8	PT 9	PT10	JPT11	[PT12]	JPT13
1972		!		G 21	R 0	R 11	R 21	R 24	B-10	JB-6	B	2	B 12
1976	0 -7 G -7	G -3 G	6	G 21	R -8	R -5	R 16	R 20	B-22	B-8	B	7	B 14
1980	0 -8 JG-13	G -4 G	5	G 19	R -4	R 2	R 14	E 9	B-19	JB-10	B	5	B 10
AVE	0 -8 JG-10	G -4 j	G 11	G 20	R -4	R 3	R 17	R 22	B-i?]B -8	B 5	B 12	
HP2	0 -8 JG-10	G -4 G	II	G 20	R -4	R 3	R 17	R 22	B-17	B-8	B	5	JB 12
•H2	100! j 01	100!	0!	100!	33!	33!	33!	100!	33!	100!	67!	1	100!
HP3	0 -8 JG-10	G -4 G	II	G 20	R -4	R 3	R 17	R 22	B-17	IB-8	B	5	B 12
+3	100! J100!	100!	0!	100!	33!	33!	67!	100!	33!	J100!	100!	J100!	
HP4	0 -8 JG-10	G -4 G	II	G 20	R -4	R 3	R 17	R 22	B-17	JB-8	JB	5	B 12
•H4	100! J100!	100!	50!	100!	100!	33!	100!	100!	33!	J100!	J100!	100!	
AK	5	1	30	5 45 10	27	57	27	13	47	! 13	j 17	I 13	
TOTALS FOR B-POUND, MK													
HP2 ! = 61													
MP3 ! = 74													
HP4 I = 48													
A - R - = 24													
RANGE:	-8	-13	-4	6	19	-8	-5	14	20	-22	-10	2	10
	-7	-7	-3	15	21	0	11	21	24	-10	-6	1	14
STDEV:	-8	-12	-4	7	20	-7	-3	15	21	-22	-9	4	11
	-8	-8	-4	15	20	-1	9	19	23	-12	-7	6	13

این نوع تحلیل خیلی مفید نبود زیرا بسیاری از درصدها برای MP2، MP4 و MP3 برابر ۱۰۰٪ بود. بعد از اینکه این تحلیل عددی را برای یک زمان درنظر گرفتم، آنچه که من می خواستم بدانم به ذهنم خطور کرد این بود که چه زمانی منتظر اتفاق افتادن نقطه چرخش باشم. به عبارت دیگر، محدوده زمانی که در آن نقطه به احتمال زیاد چرخش اتفاق می افتد را مشخص کنم. کاملاً واضح است که اولین چیزی که من می خواستم بدانم

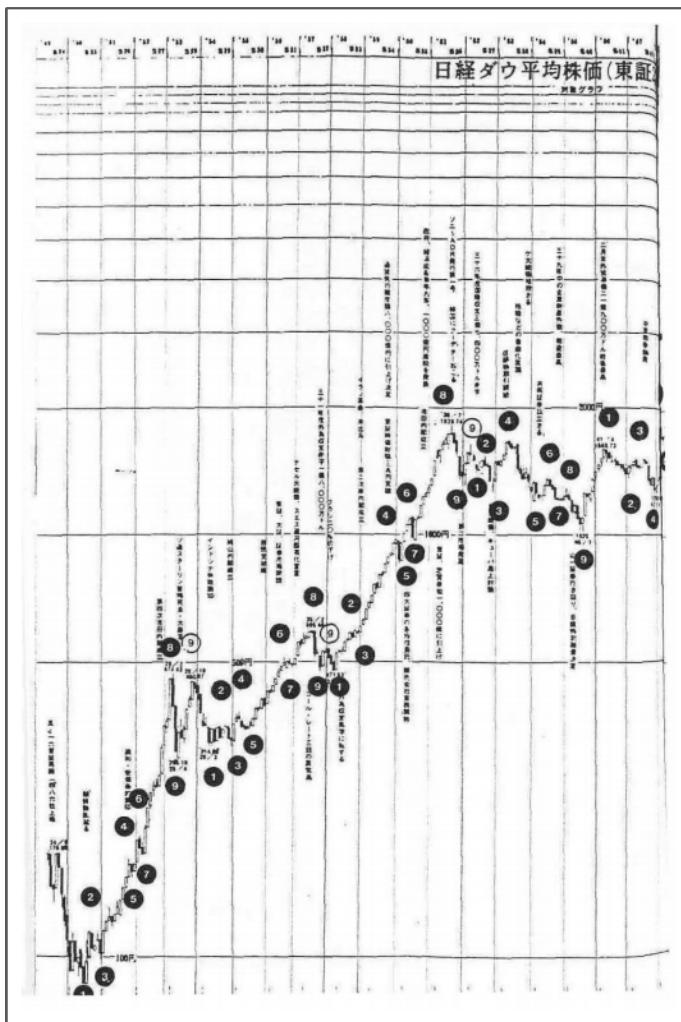
دامنه ۱۰۰٪ این محدوده بود. این دامنه اولین و آخرین تاریخ هر یک از رخدادهای نقطه مخصوصی خواهد بود. بدیهی است، هنگامی که تعداد سری‌ها افزایش یافت، محدوده ۱۰۰٪ زمانی معنی دارد.

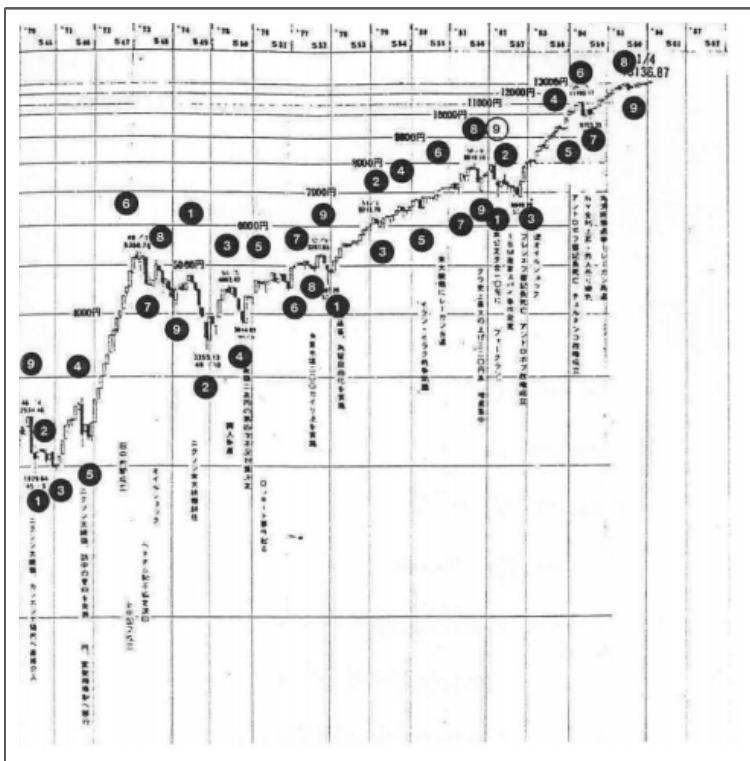
ایده بعدی من این بود که محدوده‌ای را مشخص کنم که بیشتر نقاط چرخش دلتا در آن محدوده اتفاق خواهد افتاد، خوشبختانه یک تابع آماری وجود داشت که این کار انجام می‌داد. این تابع "انحراف استاندارد" نامیده می‌شد. من وارد ریاضیات نمی‌شوم و به سادگی می‌گویم که تابع انحراف استاندارد، محدوده است که انتظار می‌رود تقریباً $2/3$ نقاط چرخش آینده در آن محدوده اتفاق بیافتدند. چنانچه نقاط بیشتری به منبع اساسی اضافه شود این محدوده دقیق‌تر نیز می‌شود. در زیر نمونه‌ای از اطلاعات داده شده برای هر یک از نقاط چرخش تایم فریم LTD آورده شده است. تاریخ داده شده چهارشنبه است.

تاریخ نقطه چرخش انحراف استاندارد دامنه ۱۰۰٪

۱۹۹۱/۱/۱۶ تا ۱۹۹۱/۱/۲۳ تا ۱۹۹۱/۱/۹ الی ۱۹۹۱/۱/۲ الی ۱۹۹۱/۱/۳۵
نمودار بعدی LTD یکی از نمودارهایی بود که برایم خیلی جالب بود و فکر می‌کنم برای شما نیز جالب خواهد بود. در اوخر سال ۱۹۷۸ و بعد از سقوط بازار، علاقه بسیاری به بازار بورس ژاپن به نام نیکی داوجونز وجود داشت. من قادر به پیگیری کردن نمودار بلند مدت بازار نیکی نبودم بنابراین من از تمامی اعضای دلتا دعوت کردم تا برای تعیین موقعیت نقاط چرخش در بازار نیکی تلاش کنند. یکی از خلاق‌ترین اعضایمان نمودار ذیل را برای فرستاد. این نمودار تنها نموداری است که سابقه آن به ابتدای سال ۱۹۴۹

بر می‌گردد و من آن را دیده‌ام. او همچنین نمودار چند سال گذشته را فرستاد که وضعیت بازار را بین سالهای ۱۹۸۲ الی ۱۹۸۷ نشان می‌داد. تنها اعداد یک سرنخ می‌داد که بازار به کدام سمت می‌رود.





اگر من داده‌های گروه‌های هم خانواده بازار سهام نیکی را داشتم، مطمئن هستم تحلیل دلتا برای این بازار به سادگی گروه‌های هم خانواده بازار NYSE خواهند بود. تعجب آور است که راه حل یک گروه کلی بازار به دقت راه حل گروه‌های انفرادی بازار نیست. درواقع هنگامی که واقعاً درباره آن فکر می‌کنید، تعجب آور است که بازار به طور کلی، از گروه‌های هم خانواده متفاوت بسیاری تشکیل شده است که هر کدام نظم دلتای منحصر به فردی را دارند که می‌توانند نظم دلتای خودشان را نیز داشته باشند. اگرچه گروه‌های هم خانواده ترکیبی از هر یک از گروه‌های هم

خانواده انفرادی دقیق کمتری دارند، همانطوریکه شما خواهید دید، نظم دلتا کامل است.

اکنون می خواهم به شما یک روش دستی ساده برای پیدا کردن نقطه متوسط (تاریخ متوسط) هر بازار را نشان دهم. به عنوان مثال، با استفاده از نقطه چرخش دلتای ماهانه. یک جدول به شرح ذیل ایجاد کنید:

SERIES #	POINTS								
	1	2	3	4	5	6	7	8	9
COLOR	G	G	R	R	B	B	B	O	O
1950	6	9	1	9	10	2	4	3	5
1954	5	9	-1	3	-5	8	12	7	10
1958	3	9	-2	12	1	6	7	9	13
1962	6	8	-1	5	1	6	9	2	8
1966	4	13	4	12	11	12	16	7	15
1970	6	6	1	9	1	13	16	7	12
1974	6	11	6	10	6	12	16	7	10
1978	-1	13	3	9	3	12	14	8	10
1982	3	5	-2	13	-2	4	8	6	8
1986	2	8	1	9	3	7	7	6	8
	49	1	9	3	9	11	6	10	

ترتیب رنگ‌ها (همیشه) سبز، قرمز، آبی، نارنجی است. سال ۱۹۸۶ سبز است. بنابراین، تاریخ متوسط نقطه (۱) در سال ۱۹۹۰ چیست؟ جواب: سبز بعلاوه ۴ مساوی است با آوریل ۱۹۹۰!

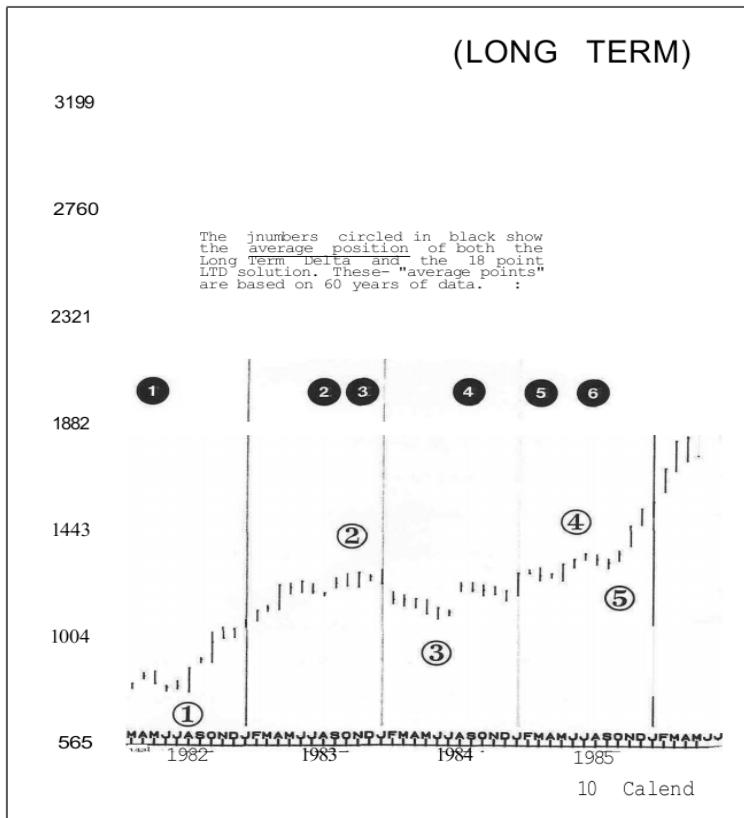
این یکی را امتحان کن. به ترتیب دو تاریخ متوسط برای نقطه چرخش (۱) در سال ۲۰۰۷ کدام‌ها هستند؟ پاسخ: ژانویه و سپتامبر! چرا؟ زیرا اگر ۱۹۸۶ سبز باشد پس سال ۲۰۰۶ نیز سبز خواهد شد. بنابراین سال ۲۰۰۷ قرمز خواهد بود. تاریخ متوسط برای خط قرمز چیست؟ ۱ و ۹. البته این که آیا این نقاط بالا یا پائین خواهند بود بستگی به چرخش تعیین شده توسط نقطه (۲) دارد که تاریخ متوسط آن اکتبر ۲۰۰۶ است.

آخرین بازاری که ما مطرح خواهیم کرد بازار سهام و اوراق بهادار نیویورک است. همانند نیکی داو ژاپن، دقت این بازار نیز به درستی گروه‌های هم خانواده انفرادی خودش نیست. همان‌طور که قبل‌گفتم برای این بازار و برای یکی دیگر مانند بازار طلا، در داخل هر راه حل اصلی یک راه حل دیگر وجود دارد.

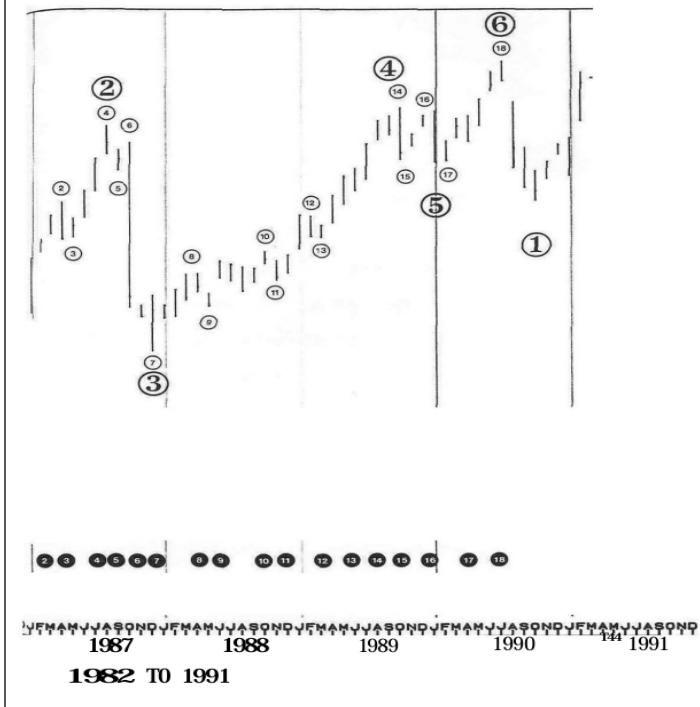
در اولین جلسه مدیران در گرینزبرو، تعدادی از مدیران تجربیات خودشان راجع به دلتا ارائه کردند. یکی از مدیران دلتا در سوئیس کشف خودش را ارائه کرد که یک راه حل دوم در DJIA بود و آن راه حل شاخص کل است که ما در بازار سهام استفاده می‌کنیم. او بروی یک نمودار ده ساله (با دو نیم سوی) نشان داد که در داخل هر شش نقطه چرخش تکراری راه حل اصلی، ۱۸ نقطه چرخش تکراری در هر چهار سال وجود داشت.

وقتی که گزارش او تمام شد، مدیر دلتای شیکاگو برشاست و گفت: این نجیب‌زاده سوئیسی عیناً تجربیات مرا ارائه کرد. مدیر دلتای شیکاگو پس از آن نشان داد که او همان چیز را کشف کرده بود و با به دست آوردن دیتای شصت سال گذشته DJIA، نمودارهای ارائه شده ۱۸ نقطه چرخش را از سال ۱۹۲۰ الی ۱۹۸۵ نشان دادند.

در جدول ذیل من تنها راه حل ده ساله بازار سهام را به شما نشان خواهم داد به طوری که جایی در نمودار وجود دارد که ۱۸ نقطه چرخش از راه حل LTD را در آنجا جایگذاری کرد. توجه داشته باشید که در پائین صفحه نقطه متوسط را برای راه حل ۱۸ نقطه‌ای LTD براساس دیتای شصت سال گذشته به شما دادم.



932 - 1991 DJI



در حال حاضر، با دیدن هردو راه حل کنار یکدیگر، کدام راه حل اطلاعات بیشتری راجع به معامله در بازار به شما می‌دهد؟ انتظار دارم که پاسخ فوری شما این خواهد بود: "راه حل با بیشترین نقاط" با این حال هنگامی که به آن فکر می‌کنید در این میان احتمالاً شما به جواب‌های دیگر خواهید رسید. چرا؟ ترجیح می‌دهید بدانید که بازار به حرکت خود در یک جهت به مدت چهار هفته یا در چهار ماه ادامه

خواهد داد یا نه؟ ما این بحث را بعداً با جزئیات بیشتر مطرح خواهیم کرد، هنگامی که درباره نکات ظریف پیدا کردن نظم دلتا (راه حل) در هر بازاری بحث می‌کنیم. با این حال، من می‌خواهم به یک چیز اشاره کنم، ما در موضوعی هستیم که تنها یکی از جنبه‌های تابیم فریم LTD است.

اغلب بین دو نقطه چرخش تابیم فریم LTD یک تکرار وجود خواهد داشت. اجازه دهید به شما بگوییم که اگر شما به یکی از راه حل‌های تابیم فریم LTD در یکی از بازارهای خاص توجه کرده باشید بین هر کدام از نقاط (۵) و (۶) یک نقطه چرخش تکراری از حداکثر به حداقل وجود دارد. در برخی از موارد ممکن است دو یا حتی سه نقطه تکراری از حداکثر به حداقل وجود داشته باشد. این غیر معمول نیست. اما آیا این می‌تواند مفید باشد؟ بله. من این نقاط را با استفاده از حروف A B C و غیره یادداشت کردم.

دو چیز هستند که باید به خاطر بسپارید. این نقاط چرخش تکراری ممکن است همیشه در هر سری اتفاق نیافتدند. اگر آن‌ها اتفاق بیافتدند از آن‌ها استفاده کنید، اگر آن‌ها اتفاق نیافتدند به خاطر داشته باشید که راه حل اصلی همیشه در اولویت قرار دارد. چیز دیگری که باید به خاطر بسپارید این است که اگر شما سابقه ۸ یا ۱۰ سری را داشتید، ممکن بود که برخی از این تکرارهای کوچک بین نقاط LTD می‌توانست به نقاط چرخش دلتا تبدیل شود. این مورد زمانی بوده است که تنها سه یا چهار سری در تاریخچه نمودار وجود داشت. چگونه یکی از این تکرارهای کوچک بین نقاط تعریف شده LTD به یک نقطه چرخش درست LTD

تبديل می شود؟ پاسخ این است، زمانی که یکی از این تکرارهای کوچک به اندازه کافی بزرگ شود تا از کanal حداکثر به حداقل ساخته شده توسط دو نقطه اصلی LTD تجاوز کند. هنگامی که این اتفاق می افتد، جهت بازار دیگر بین نقاط (۵) و (۶) نیست، اما آن تنها جهت از نقطه (۵) است که از تکرارهای کوچک استفاده می کند و در حال حاضر به یک نقطه چرخش صحیح LTD تبدیل شده است.

همان طور که گفتیم این به ندرت اتفاق می افتد و تنها در تایم فریم های LTD یا SLTD اتفاق می افتد. این اتفاق زمانی می افتد که اطلاعات کافی (برای آن بازار خاص) برای اجرا کردن راه حل ۱۰۰٪ وجود داشته باشد. خط پائین همان نقطه ای است که اتفاق می افتد، دو نقطه اضافی به سری اضافه شده است. همان طور که می بینید، من از تمام جزئیات کوچکی که درباره پدیده دلتا یاد گرفته ام، در این کتاب استفاده می کنم. ما قسمت LTD را با این تعریف خاتمه می دهم.

رفتار بازارها به طور مستقیم یا وارونه در هر چهار بار گردش زمین به دور خورشید تکرار می شود.

پس از آن، ما تایم فریم (SLTD) Super Long Term Delta را بحث خواهیم کرد.

فصل هفتم

تاپیم فریم خیلی دراز مدت دلتایا (SLTD)

جیم گفت: ولز، فرض کن که یک نفر می‌تواند خورشید ماه زمین را با تلسکوپ در مکانی دوردست در فضا ببیند. تمامی این اجسام در حال تعامل با یکدیگر در نوعی از دنباله دورانی پیوسته هستند. فرض کنید همان شخص توسط تلسکوپ از این اجسام یک عکس بگیرد. چه مدتی طول خواهد کشید تا دقیقاً همان صحنه را عکس بگیرد؟

جیم پاسخ آن را پیدا کرد. جواب آن ۱۹ سال و ۵ ساعت بود. او همچنین کشف کرد که این سؤال از زمانهای خیلی دور پرسیده شده بود... و چند هزار سال پیش به آن جواب داده شده است. به عنوان مثال، مصریان از هرم بزرگ برای تعیین بخش‌های خاصی از جواب این سؤال استفاده کرده بودند. جیم از کار کردنش با دلتا دانست که پاسخ این سؤال آخرین تایم فریم دلتا خواهد بود. به محض آن که جیم این موضوع را به من یادآوری

کرد، من هم دانستم که این تایم فریم پایه و اساس یک نظم بسیار طولانی مدت در بازار است. این خیلی منطقی بود، همانطوریکه ما می‌دانیم، پدیده دلتا نتیجه تعامل کامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر است. همان‌طور که گفتم، من توانستم شاخص بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک را از سال ۱۷۹۰ به دست بیاورم. ما دیتا را به صورت دستی در فایل کامپیوترا وارد کردیم و پلاتردو نمودار صد ساله را تولید کرد. خطوط رنگی ۱۹ سال از همدیگر فاصله داشتند. ما همچنین از مقیاس لگاریتمی استفاده کردیم به طوری که حرکت‌های کوچک در قیمت‌های پائین تر نسبت به حرکت‌های بزرگ در قیمت‌های بالاتر ظاهر می‌شدند.

من روی میز نشستم و یک نمودار را بالای نمودار دیگری قرار دادم و خطوط رنگی را تنظیم کردم به طوری که رنگ مشابه در دو نمودار از بالای نمودار به سمت نمودار پائین گسترش می‌یافتد. من مدت ۵ دقیقه به دو نمودار با خطوط رنگی نگاه کردم و جایگذاری اعداد در نمودار را شروع کردم. ۱۵ دقیقه بعد جایگذاری اعداد به پایان رسید. من از خودم سؤال کردم که آیا من در کشف راه حل‌های دلتا خوب بودم یا اینکه آن‌ها آسان بودند. احتمالاً هر دو دلیل تا حدودی درست باشد. به هر حال، راه حل در نمودار قرار گرفت و چیزشگفت انگیز‌این بود که در کل ۲۰۰ سال گذشته و در ۱۰ سری تکمیل شده حتی یک وارونگی وجود نداشت.

می‌دانم که شما هرگز نمی‌توانید مطمئن شوید که نقطه (۱) در جای مناسبی است تا زمانی که وارونگی اتفاق بیفتد. با این حال، شناس این که یک وارونگی به نحوی که در نقطه بعدی اتفاق بیفتد کم است. آن هم

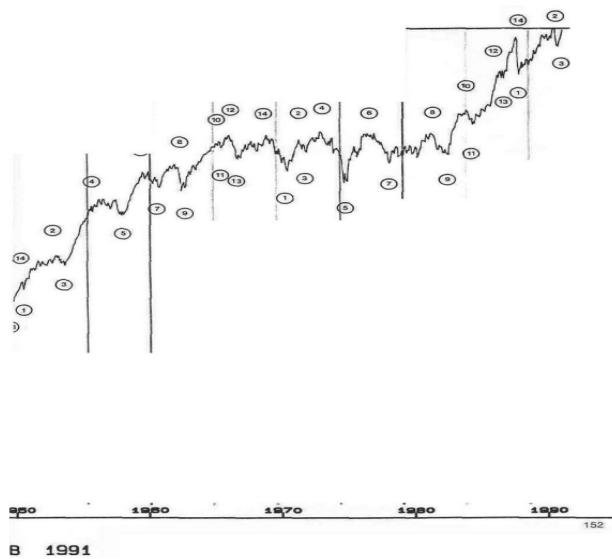
زمانی که شما در نظر بگیرید یک وارونگی تنها می‌تواند در هر ۱۹ سال اتفاق بیفتد ولی حتی یک وارونگی هم در ۲۰۰ سال گذشته اتفاق نیفتاده است. جالب است که بدانید مسیر بازار در اطراف نقاط خاص دلتا تغییر می‌کند. در مشاهده نموداری که دنبال می‌کنیم (شامل هر دو نمودار ۱۰۰ ساله می‌شود) این موضوع بلافاصله آشکار می‌شود که تقریباً تمامی حرکت‌های بزرگ نزولی در ۲۰۰ سال گذشته در نقطه (۱۴) اتفاق افتاده است. زمانی که این بازار را در ماه May سال ۱۹۸۷ حل کردم و وضعیت نقطه (۱۴) را دیدم. به شباهت بین نقطه در حال ظهور (۱۴) در سال ۱۹۸۷ و نقطه (۱۴) سال ۱۹۲۹ توجه کنید که با بزرگترین افت بازار در تمام دوران سقوط کرده است.

من کاملاً هیجان‌زده شدم وقتی متوجه شدم که ما در آوریل سال ۱۹۸۷ درست در بالای نقطه حداکثری (۱۴) تایم فریم SLTD بودیم. من می‌دانستم که نقطه حداکثری بعدی LTD در سپتامبر ۱۹۸۷ بود. همچنین می‌دانستم که نقطه حداکثری SLTD باید با نقطه حداکثری LTD همراه باشد. به احتمال زیاد نقطه حداکثری LTD در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ بود.

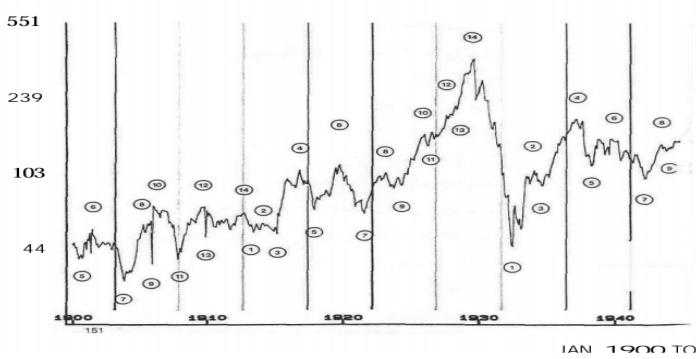
چیز دیگری که روشن بود این بود که تقریباً تمامی نقاط (۱۴) یک حرکت بزرگ نزولی را دنبال می‌کردند. این موضوع جنبه‌ای از قیمت را در آن وضعیت ارائه می‌دهد. در حقیقت، به نظر می‌رسید که طرح قیمت گذاری می‌توانست به علت شباهت حرکت نزولی در حال ظهور به حرکت نزولی قبلی در سال ۱۹۲۹ ممکن باشد.

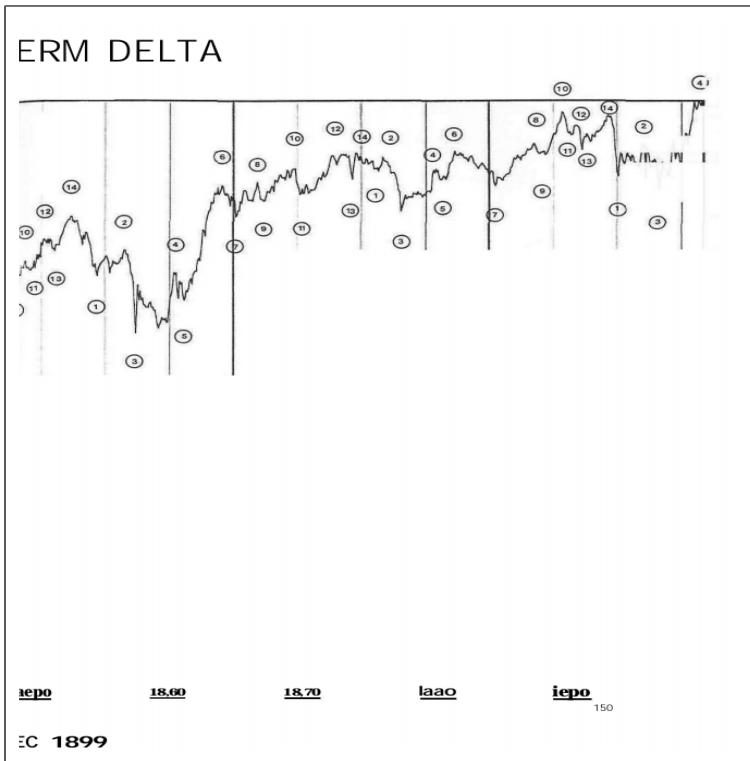
از سوی دیگر اگر حرکت بزرگ نزولی در بلند مدت ادامه نیافت و یک نقطه حداکثری جدید در نقطه (۲) ساخته شده بود در این صورت این احتمال وجود ندارد که حرکت بزرگ دیگر شبیه حرکت نزولی بزرگ ۱۹۲۹ در آینده نزدیک رخ بدهد. از آن به بعد من چندین باز از خودم سؤال کردم که آیا دلتا قادر بوده است سقوط ۱۹۸۷ را پیش بینی کند. بدیهی است پاسخ به این سؤال بلی بوده است. اگر شما نمودار SLTD سال ۱۹۸۷ را نگاه کرده بودید، شما هم می‌توانستید آن را پیش بینی کنید. تقریباً هر تحلیل گری ادعا می‌کند که سقوط ۱۹۸۷ از خیلی مدت‌ها پیش بینی شده بود و حق نیز با آن‌ها بود. با این حال من (و یا نظم دلتا) تنها یک پیش بینی را انجام دادم. دلتا در مقایسه با حرکت نزولی بعدی مشابه سقوط ۱۹۲۹، تنها یک ماه خطأ کرد.

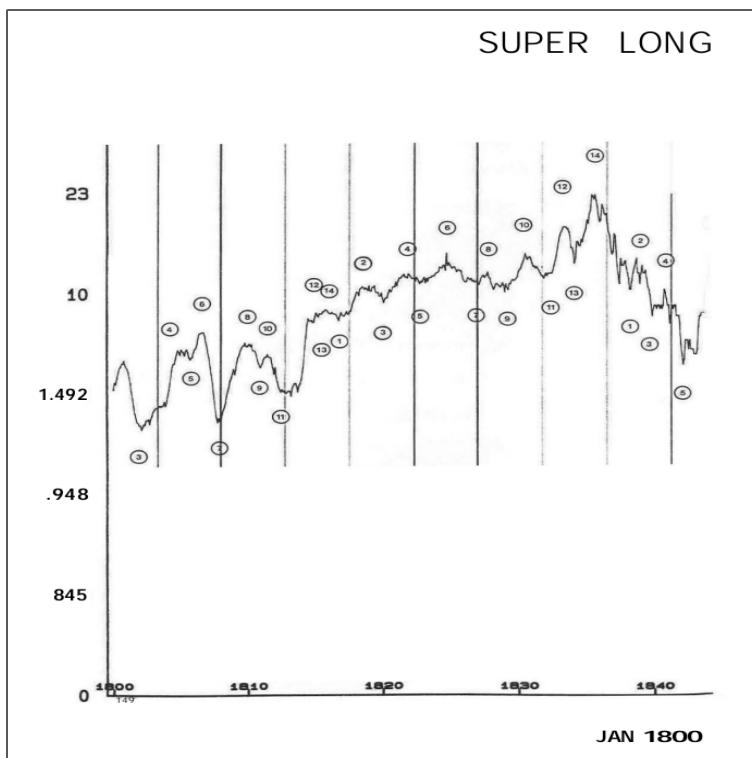
RM DELTA



SUPER LONG







من این موضوع را برای اعضای دلتا بیان نکردم، اما هر سال حدود ده نامه به کاربران دلتا ارسال می‌کنم. هدف از این نامه‌ها ارائه تاریخ پنجره زمانی وارونگی می‌باشد (ITW)، بررسی نقاط چرخش در تمامی ۲۵ بازار در هر یک از سه تایم فریم‌های دلتا و موقعیت یابی هر گونه شرایط معاملاتی مخصوص جالب توجه که در حال شکل گیری است.

بخشی از نامه من در تاریخ ژوئن ۱۹۸۷ به اعضای دلتا را مشاهده می‌کنید.

نامه اعضای دلتا

روش‌های معامله

۱۹۸۷ ۳۰ ژوئن

قبل از این که سیاره اورانوس کشف شود، دانشمندان می‌دانستند که این سیاره وجود دارد، چون پدیده‌های قابل مشاهده دیگر نشان داد که آن باید وجود داشته باشد. بر همان پایه و اساس، جیم اسلومان پیش Super Long Term DELTA را ارائه کرد که تایم فریم خیلی دراز مدت دلتا یا آن را ارائه وجود دارد و پارامترهای دقیقی را که در آن باید وجود داشته باشد را ارائه کرد. تنها مشکل این بود که ما اطلاعات کافی هیچ بازاری را نداشتیم تا تایم فریم Super Long Term DELTA را ثابت کنیم. هم اکنون ما آن را برای تمامی بازارها انجام دادیم.

چندی پیش من یک موقعیت را ترسیم کردم و توانستم قیمت پایانی ماهانه بازار بورس نیویورک را از سال ۱۷۸۹ (نه به قیمت ارزان) خریداری کنم. ما اطلاعات را به صورت دستی وارد دیتابیس خودمان وارد کردیم، برخی از برنامه نویسی‌های خاصی را انجام دادیم و اطلاعات به شکل قابل حل برای دلتا داخل فرمی قرار داده شد. نتیجه نه تنها شگفت انگیز نبود بلکه با اهمیت نیز بود. دانش ناچیز ما در طرح کلی از نحوه کار کردن پدیده دلتا چگونه ناشی از نظم عجیب جهان است. من هنوز هم تعجب می‌کنم که هیچ کس تا کنون برای این دیدن این پدیده صاحب امتیاز نشده است.

خوب. تایم فریم SLTD در معاملات کنونی و چند سال آینده بازار بورس

نيويورك چه چيزی را شفاف کرد؟ آنچه که من می خواهم درباره آن بگويم صرفاً براساس آن چيزی است که من از کنار هم قرار دادن تمام اطلاعاتي ديدم و نظم دلتا درسه حوزه LTD,SLTD و قيمت LTD را راهه کرده است. (مديران دلتا در حال حاضر از اين كشف آگاه هستند) هيچ يك از موارد ذيل نظر شخصي من نیست و من نظری ندارم.

اول از همه در دراز مدت تفسيرمان از دلتا تاکنون درست بوده است. ما گفتيم زمانی که اوج قيمتی ساخته شده در تابستان ۱۹۸۶ از بين رفت پس از آن هيچ وارونگی وجود نداشت (در طول پنجاه سال گذشته حتى يك وارونگی وجود نداشت) و حرکت بعدی می تواند يك نقطه حداکثری دلتا در حوالی سپتامبر ۱۹۸۷ باشد. همانطور که می دانيد اين موقعیت ما در دو سال گذشته بوده است.

تایم فریم LTD به ما می گوید که ما در حال نزدیک شدن به يك نقطه حداکثری بزرگ هستیم. این نقطه حداکثری بسیار مهم است و مربوط به نقطه حداکثری در سال ۱۹۲۹ بود! همچنین آن همان نقطه حداکثری سال ۱۸۳۵ بود که دومین و بدترین افت در تاریخ بازار سهام را راه انداخت. این نقطه حداکثری همچنین قبل از چندین حرکت نزولی قابل توجه دیگر قرار دارد. در ذیل پارامترهایی برای این نقطه حداکثری هستند که ما هم اکنون به آنها نزدیک می شویم.

متوسط ماهیانه ۱۹۸۷ اوپريل

انحراف استاندارد سپتامبر ۱۹۸۶ تا ژانویه ۱۹۸۸

دامنه ۱۰۰٪ مارس ۱۹۸۵ تا ژانویه ۱۹۸۹

سؤال این است، آیا نقطه حداکثری تایم فریم LTD در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ یا نقطه حداکثری تایم فریم SLTD مطابقت خواهد داشت؟ یا این که با نقطه حداکثر بعدی تایم فریم LTD در تاریخ اکتبر ۱۹۸۸ مطابقت خواهد داشت؟ احتمالاتی وجود دارد مبنی براینکه به دلایل مختلف نقطه حداکثری تایم فریم LTD در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ قرار دارد. دلیل اول اینکه نقطه حداکثری در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ به تاریخ متوسط تایم فریم SLTD بسیار نزدیک است. دلیل دوم اینکه نقطه حداکثری در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ در داخل محدوده انحراف استاندارد است. تا آنجا که معامله پیش می‌رود، ما قطعاً باید موقعیتی را اتخاذ کنیم که نقطه حداکثری تایم فریم SLTD با نقطه حداکثری در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ مطابقت خواهد داشت.

نتیجه نهایی این است:

تایم فریم SLTD قبل از این که حتی وجود داشته باشد دقیقاً پیش بینی شده بود.

زمانی که اطلاعات کافی در دسترس بود دقیقاً مانند پیش بینی قبلی کشف گردید.

در ۱۹۸ سال پیش تاکنون هرگز یک وارونگی وجود نداشت.

نظمی را شامل می‌شود که به اندازه بزرگی حرکت است. با تمامی موارد بالا، آیا اکنون به ما نمی‌گوید که ما در آستانه یک نقطه حداکثر بزرگ در بازار هستیم؟

بزرگ‌ترین حرکت نزولی را از هر نقطه دلتا دنبال کنید، همین حرکت

نزوی با حرکات نزوی بزرگ دیگر در تاریخ مطابقت دارد.

در مطالعه تاریخچه اطلاعات دلتا، هر یک از این نقاط حداکثری چشمگیر بودند. آن‌ها در یک انفجار نهایی به پایان رسیدند و پس از آن سقوط کردند. من فکر می‌کنم که این نقطه حداکثری به احتمال زیاد همین کار را خواهد کرد. این بدان معنی است که بازار باید به زودی در معرض افزایش قیمت قرار گیرد و سپس سقوط می‌کنند. من آن را به عنوان یک فرصت منحصر به فرد و سیگنال خرید شاخص (احتمالاً دسامبر) می‌بینم سپس سفارش خرید را در زمان مناسب و در حرکت رو به پائین قرار می‌دهم. من نظریه آدام را برای ورود و خروج در هر دو سمت بازار به کار می‌بنم.

سقوط ۱۹۸۷ بزرگ‌ترین حرکت نزوی در تاریخ بود... بزرگ‌تر از حرکت نزوی اکتبر ۱۹۲۹. با این حال، بازار حرکت نزوی خود را به اندازه حرکت نزوی ۱۹۲۹ ادامه نداد و در عوض آن بازار فعلی به روند قبل خود برگشت و یک حداکثر قیمتی جدید در نقطه (۲) ساخت. تاریخ حداکثر قیمتی دلتا در نقطه (۲) ژوئیه ۱۹۹۰ بود. آن تاریخ و همچنین تاریخ نقطه حداکثری (۱۴) دلتا چیزی نیست که بتواند اصلاح شود یا توسط من و هر کس دیگری تغییر یابد. این تاریخ متوسطی است که توسط اطلاعات ۲۰۰ ساله بازار، پیش بینی شده است. به عبارت دیگر، تاریخ و موقعیت نقطه (۱۴) بیش از ۱۰۰ سال پیش حل نشده بود.

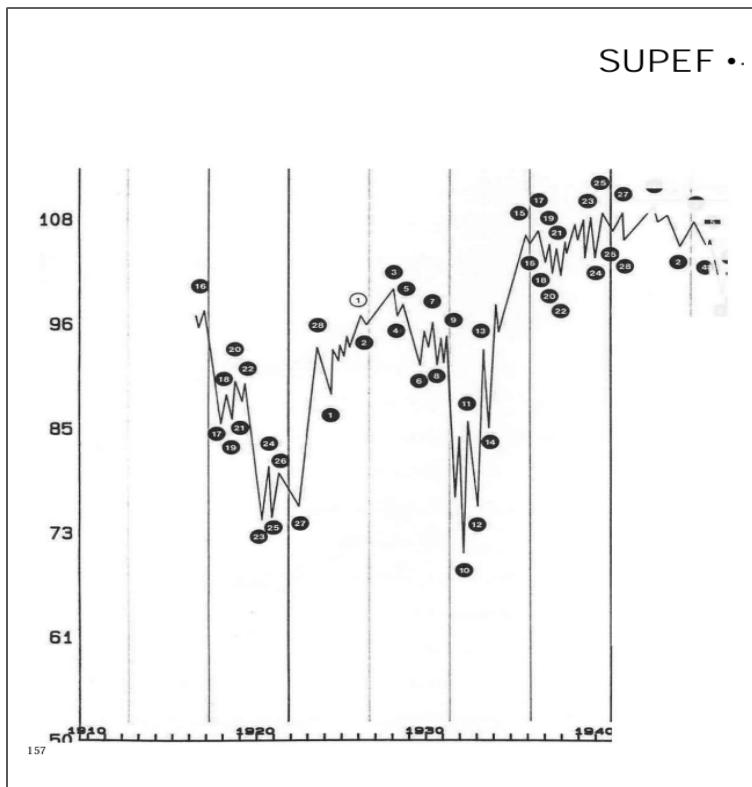
هر کسی که این کتاب را دارد می‌تواند حرکات بزرگ و نقاط چرخش بالا به پائین حرکات بزرگ را (با داشتن یک شанс ضعیف از وارونگی) در بازار

نيويورك از هم اکنون تا ابديت پيش بيني کند.

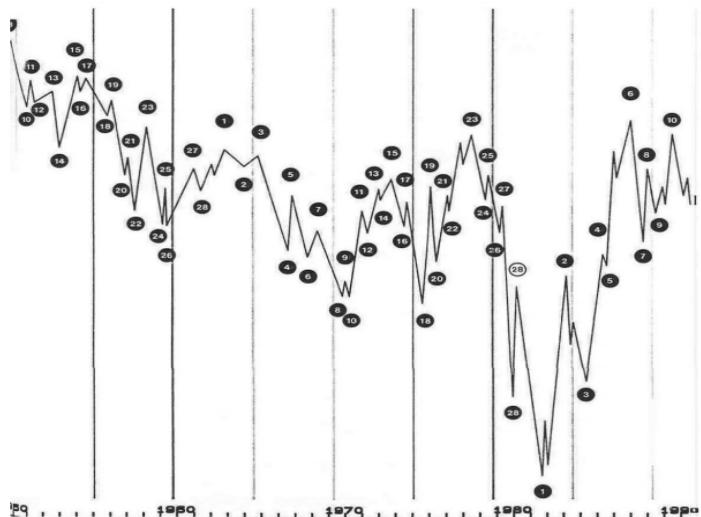
دومين بازار از تایم فریم SLTD که خواهید دید بازار Bonds است. حتی می‌توان گفت که نمودار Bond نمودار نرخ بهره است و قيمتهاي بازار رابطه معکوسی با نرخ بهره دارند. من برای تحليل بازار bonds در تایم فریم SLTD نگران بودم. اما از پيگيري نمودار ناتوان بودم تا به کمک يك ديتابيس با سابقه طولاني کافي، تایم فریم SLTD را حل کنم. در اوآخر سال ۱۹۸۷ من يك فراخوان به اعضای دلتا دادم تا برای پيدا کردن ديتا يا نمودار حداقل ۶۰ سال پيش بازار Bonds تلاش کنند. مدت کوتاهی پس از آن، طی ايميلي يك نمودار از ابتداي سال ۱۹۱۵ دريافت کردم.

نمودار به شکل بدی بود و خواندن آن دشوار بود. من تاريخ و قيمت هر نقطه نوسانی را استخراج کردم و تام بری پلاتر (نرم افزار رسم کننده خطوط) را برای نمودار نوسانی ذيل برنامه ريزی کرد. بازهم، من خطوط رنگی هر ۱۹ سال را ببروی هم قرار دادم و دوباره راه حل SLTD به راحتی در محل مناسب قرار گرفت. فکر می‌کنم فقط ۱۵ دقيقه طول کشيد تا آنرا كامل کنم. اين بار تعدادی وارونگی وجود داشت. من به صورت دستی ديتا را وارد نمودار کردم چون در حقیقت نمودار در سال ۱۹۸۶ به پایان می‌رسید. من فاصله هر نقطه از خط رنگی مناسب را محاسبه کردم و آن را توسط برنامه کامپیوتری ام اجرا کردم که تاريخ متوسط زمان گذشته و آينده هر يك از نقاط چرخش دلتا را بر اساس تاريخ خطوط رنگی به من می‌داد. توجه داشته باشيد که آخرین وارونگی در تاريخ ۱۹۸۱ قرار داشت. اين بدان معنی است که وارونگی بعدی تا سال ۲۰۰۰ اتفاق نخواهد افتاد.

در اواخر سال ۱۹۸۹، من نقاط متوسط (متوسط ماهیانه) در نمودار ماهانه بازار T-Bonds را از ابتدای سال ۱۹۸۱ روی هم قرار دادم. من به این نکته اشاره کردم که اگر کسی در هر زمانی از ماه میلادی و در هر نقطه متوسط حداقلی از تایم فریم سهام SLTD را خریداری کند و آن را در هر زمانی طی ماه میلادی و در هر نقطه متوسط حداقلی از تایم فریم SLTD بفروشد، او در هر معامله‌ای سود ۱۰۰٪ از زمان خواهد برد.



LONG TERM DELTA



US 1910 TO 1990

پس از آن من متوسط ماهیانه هر یک از نقاط چرخش حداکثر و حداقل قیمتی دلتا را در بازار T-Bond، برای یک دوره ده ساله از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ در یک نمودار شبیه سازی شده پیش بینی کردم. من این تاریخ را به همراه یک طرح خرید و فروش به اعضای دلتا دادم تا اوراق قرضه بدون کوپن را در هر کدام از تاریخ‌های پیش بینی شده با حداقل قیمت بخرند و آن را در هر تاریخ پیش بینی شده با حداکثر قیمت در ده سال آینده بفروشند. تاکنون با توجه به جدول پیش بینی شده این کار به صورت ۱۰۰٪ همچنان ادامه دارد.

در اوایل سال ۱۹۹۰، من نموداری همراه با یک مقاله (تحت عنوان ترسیم یک استراتژی کوپن صفر تابلو Bond) به شرکت تحلیل تکنیکال TECHNICAL ANALYSIS OF STOCKS AND COMMODITIES ارسال کردم. این مقاله در مجله سراسری در سیاتل واشنگتن چاپ شد.

مقاله در شماره ماه آوریل ۱۹۹۰ چاپ شد. از آنجا که مقاله تحت قانون کپی رایت است، من آن را اینجا منتشر نمی‌کنم. با این حال، تاریخ نقاط چرخش تایم فریم SLTD که منتشر شده است را به شما ارائه خواهم کرد. من درجه دقت نقاط چرخش که منتشر نشده است را نیز ارائه خواهم کرد.

BUY	AR	SELL	AR		
November	1990	24	March	1991	22
April	1992	33	August	1992	29
February	1993	42	January	1994	33
June	1994	15	November	1994	15
March	1995	08	June	1995	14
July	1996	30	March	1997	28
June	1997	34	November	1997	63
July	1998	65	January	1999	28

دقت تاریخ‌های خرید یا فروش می‌تواند با استفاده از نقاط چرخش دلتادر بازار T-Bond ببود یابد زیرا نقاط چرخش دلتا در تایم فریم SLTD همیشه در رابطه با تاریخ تایم فریم LTD می‌آید که این تاریخ نیز با تاریخ تایم فریم MTD و به ترتیب با تاریخ تایم فریم ITD در ارتباط است. البته، برای آنچه که می‌خواهم در این کتاب قرار دهم محدودیت وجود دارد، اما این اطلاعات برای اعضای دلتا در دسترس هستند. این اطلاعات برای شما که این کتاب را دارید نیز در دسترس است زیرا همان اطلاعاتی را دارید که من برای تحلیل هر بازاری در هر تایم فریمی داشتم و می‌توانید تاریخ را خودتان به دست آورید. فقط به خاطر داشته باشید، از آنجا که پدیده دلتاثبت شده است شما باید اطلاعات را تنها برای استفاده خودتان نگه دارید.

فصل هشتم

تاپیم فریم کوتاه مدت دلتا یا (STD)

هم اکنون به آخرین تایم فریم دلتارسیدیم. تازمانی که این کتاب منتشر شود، این تایم فریم تنها برای مدیران دلتا قابل دسترس بود. هنگامی که مدیران دلتا برای یادگیری همه چیزهای درباره دلتا ۳۵۰۰۰ دلار پرداخت می‌کردند، آن‌ها این مبلغ را برای دو چیز پرداخت می‌کردند. اول) یادگرفتن راز نظم پنهان در بازارها به طوری که می‌توانستند این نظم را برای تمامی بازارها حل کنند و دوم) یادگیری تایم فریم STD.

تایم فریم STD دقیقاً مشابه سایر تایم فریم‌های دلتا کار می‌کند. هر بازاری سری‌های خودش را دارد و وارونگی دقیقاً به همان شیوه در این بازارها اتفاق می‌افتد. با این حال، تایم فریم STD دارای ۲ الی ۳ نقطه چرخش در هر روز است.

تایم فریم STD قطعاً بزرگ ترین تأثیر را در بازارها خواهد گذاشت. در آن زمان معامله گران، تایم فریم STD را در هر بازار سهام، کالا و یا هر بازار آزاد دیگری در دنیا حل می‌کردند. در آن زمان، هر کسی خواهد دانست که حداکثر و حداقل قیمتی در هر بازاری چه زمانی از روز اتفاق خواهد افتاد. من باید اعتراف کنم که حتی با دانش و تجربه شخصی ام از دلتا، قادر نیستم آنچه که این دانش (راه حل STD) در بازارهای آزاد انجام خواهد داد را پیش بینی کنم. در ابتدا باید بگوییم، کسانی که راه حل STD را دارند یک کمی با کسانی که آن را ندارند تفاوت دارند. در نهایت، تمامی معامله گران میان روزی که کال مارجین نشده‌اند (متأسفانه، بیشتر آن‌ها کال مارجین می‌شوند) راه حل‌های STD را برای هر بازاری که در آن معامله می‌کنند یاد خواهند گرفت.

اینجا یک پارادوکس وجود دارد و آن این است که به دست آوردن راه حل‌های STD سخت تراز بقیه راه حل‌ها می‌باشد. اما علت آن را بعداً توضیح خواهیم داد. در ابتدا برای شروع می‌خواهم داستان تایم فریم STD را انتخاب کنم.

وقتی من در شیکاگو بودم، جیم گفت که مطمئن است تایم فریم STD وجود دارد. او از من پرسید که آیا براساس آنچه درباره تایم فریم‌های ITD و LTD می‌دانم می‌توانم آن را کشف کنم.

من فکر کردم این تایم فریم باید بر اساس حرکت چیزی حول چیز دیگری و در اطراف عدد ۴ باشد. ناگهان متوجه شدم که این تایم فریم باید ۴ چرخش زمین به دور خود باشد. جسم درگیر دیگر خورشید بود که

در چرخش زمین به دور خود شب و روز را پدید می‌آورد.

جیم پاسخ داد که هرچند فکرت درست است ولی یک مشکل وجود دارد. مشکل تعطیلات آخر هفته بود. آیا نظم دلتا در روزهای تعطیل ادامه می‌یابد صرف نظر از این که در آن روز معامله‌ای انجام می‌شود و یا این که نظم دلتا در روز جمعه متوقف می‌شود و در روز دوشنبه از سرگرفته می‌شود؟ ما هر دو اعتراف کردیم که جواب سؤال رانمی‌دانیم. جیم به من گفت که درباره آن فکر می‌کند و مرا نیاز از نتیجه باخبر می‌کند.

چند ماه بعد جیم از خانه جدیدش در کالیفرنیا به من زنگ زد و گفت که پاسخ سؤال را یافته است. پاسخ سؤال این بود که نظم دلتا در روزهای آخر هفته ادامه می‌یابد، بدون در نظر گرفتن این که معامله‌ای در آن روز انجام شود یا نه. به نظرم رسید که این منطقی‌ترین پاسخ است.

چند هفته بعد من به همراه تعداد انگشت شماری از نمودارهای میان روزی به کالیفرنیا رسیدم. جیم در آشپزخانه نشسته بود و شروع کرد به نگاه کردن در نمودارها. پس از مدتی، او قلم را برداشت و شروع به کار کردن بر روی راه حل هایش کرد. در عرض چند ساعت، جیم بر روی همه آن‌ها کار کرده بود.

باید بگوییم که کاملاً شگفت زده شدم و هنوز هم برای این موضوع شگفت زده هستم که او چگونه به سرعت توانست راه حل را بفهمد؟ البته مشکل این است که داده‌ها پیوسته نیستند و جیم با یک نگاه کوتاه به تکه‌ای از نمودار و قطعه‌ای از مشکل به راه حل رسید. در آن زمان من قادر بودم راه حل STD را حل کنم اما این کار وقت زیادی می‌گرفت و اغلب

خیلی خسته کننده بود. حالا، اجازه دهید با تعریف زیر شروع کنیم.
رفتار بازارها در هر چهار روز به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می‌شوند.
(در هر چهار بار چرخش زمین به دور محور خود)

همانند تایم فریم‌های دیگر دلتا، در این تایم فریم نیز هر کدام از بازارها تعداد نقاط چرخش خودش در سری‌ها و موقعیت نقطه (۱) منحصر به خودش را دارد. تا آنجائی که خطوط رنگی پیش می‌روند، تفاوتی نمی‌کند که این خطوط با کدام رنگ شروع شوند. برای مثال، در نمودار اول جیم یک تاریخ را از ابتدای دیتا انتخاب کرد و به دلخواه یک رنگ را برای آن تاریخ برداشت. از آن پس، هر روز یک رنگ داشت. راه حل‌های اصلی و کوتاه مدت جیم نسبت به رنگ‌ها در نظم تعریف شده‌شان قرار داشتند که به ترتیب قرمز، آبی، نارنجی، سبز هستند.

با این حال من مجبور بودم که به تاریخ رنگ‌های اصلی جیم برگردم و برای هر روز یک رنگ اختصاص بدهم تا تاریخی که می‌خواستم معامله کردن را از آنجا شروع کنم. اگر من در تعیین کردن رنگ درست هر روز داشته اشتباه کرده بودم، راه حل به سادگی کار نمی‌کرد.

در پایان سال، من تقویم سال بعد را به دست آوردم و دنباله رنگ‌ها را برای سال آینده ادامه می‌دهم. باید برای هر روزی، تعطیلات آخر هفته و غیره یک رنگ اختصاص داده شود. به منظور معامله در تایم فریم STD، معامله گر از رنگ صحیح آن روز و همچنین از راه حل دلتا برای بازاری که می‌خواهد در آن معامله نماید باید مطمئن شود. به خاطر داشته باشد که توالی رنگ‌ها همیشه: قرمز، آبی، نارنجی، سبز است.

در جدول زیر رنگ درست اولین روز از هر ماه سال ۱۹۹۱ آمده است.

Jan	Red	May	Red	Sep	Green
Feb	Green	Jun	Green	Oct	Blue
Mar	Green	Jul	Blue	Nov	Red
Apr	Orange	Aug	Red	Dec	Orange

اگر شما در حال خواندن این کتاب در پانزدهم ژوئیه ۱۹۹۵ هستید در این صورت نیاز دارید که به تاریخ یکم دسامبر ۱۹۹۱ بروید و ترتیب دنباله رنگ‌های هر روز را از تاریخ یکم دسامبر ۱۹۹۱ تا پانزدهم ژوئیه ۱۹۹۵ رديابی کنید. رنگ هر روزی در کندل بازشده آن روز قرار داده شده است.

دوره زمانی نمودار میان روزی می‌تواند از ۵ الی ۴۰ دقیقه باشد. به اعتقاد من مدت زمان مطلوب ۱۵ الی ۲۰ دقیقه در هر کندل است.

همانطوریکه شما در نمودارهای ذیل خواهید دید، اولین چیزی که من انجام دادم این است که شماره سری‌های بازار را در بالای نمودار بنویسم. شماره سری‌های بازار پنجه چنین است:

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----

توجه داشته باشید که شما به دنبال قرار دادن اعداد بین دو خط رنگی هستید. بنابراین همیشه باید خط رنگی فردا را در فاصله درست از خط رنگی بازشده امروز برای روزی که در آن معامله می‌کنید، قرار دهید. در سمت راست دو نمودار میله‌ای ۱۵ دقیقه‌ای از پنجه هستند. شماره سری‌ها در بالای نمودار با مداد کشیده شده است. یک خط رنگی در کندل بازشده آن روز کشیده شده است. باز هم ترتیب رنگ‌ها همیشه:

قرمز، آبی، نارنجی، سبز است. (RBOG)

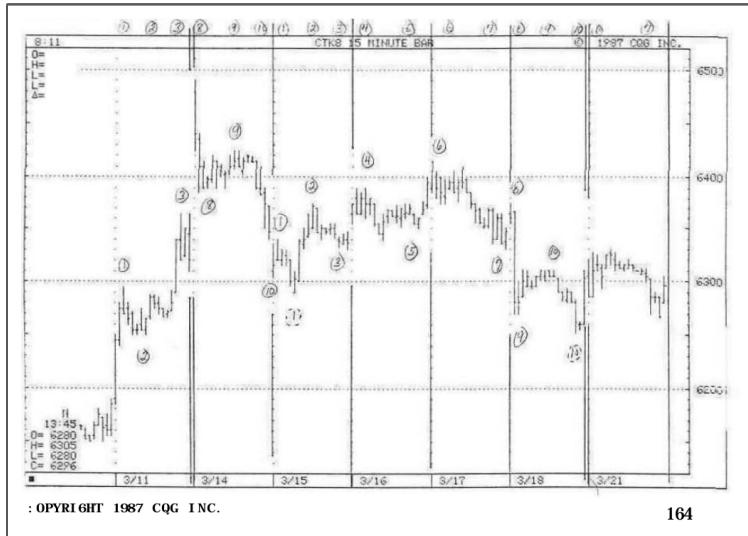
هر صفحه تقریباً هشت روز را نشان می‌دهد. من سعی کردم نمودار STD را انتخاب کنم که یک سری کامل را در یک صفحه نشان می‌دادند. هرگونه تقاطع خطوط با دو خط رنگی مشخص می‌شود که شبیه دو خطی با رنگ‌های متفاوت هستند. هر زمانی که شما خطوط دو رنگی را دیدید این بدان معنی است که چند روز از سری گم شده است. این روزها، روزهایی هستند که در آن‌ها معامله انجام نشده است مانند تعطیلات آخر هفته و یا تعطیلات رسمی. در اینجا قوانین نشان دادن روزهای غیر معامله عبارت‌اند از:

[۱] اولین خط رنگی از خطوط دورنگی، رنگ اولین روز غیرمعامله است. برای اولین روز از تعطیلات آخر هفته عادی این رنگ می‌تواند رنگ روز شنبه باشد.

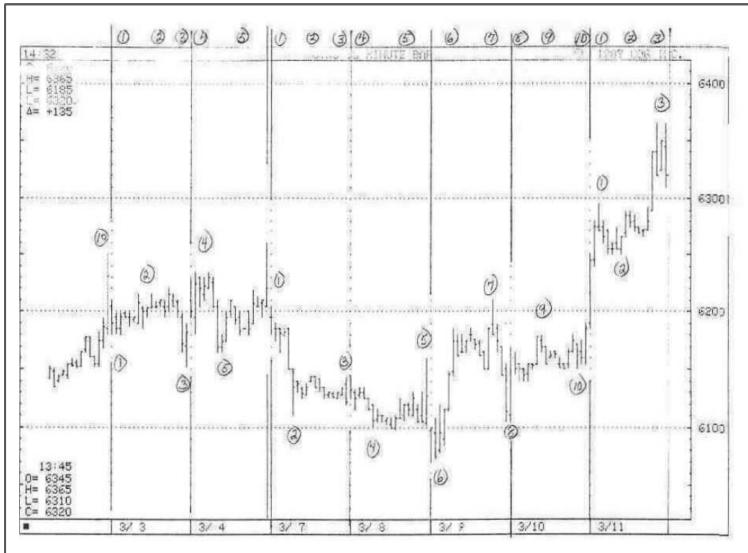
[۲] دومین خط رنگی از خطوط دورنگی، رنگ اولین روز معاملاتی بعد از روز غیرمعامله است. برای روز پس از تعطیلات آخر هفته عادی آن می‌تواند رنگ روز دوشنبه باشد.

برای دومین روز از تعطیلات آخر هفته، رنگ از دست رفته رنگ روز یکشنبه است. برای روزهای تعطیل هیچ رنگی از دست نمی‌رود و رنگ اولین روز تعطیل و رنگ روز بعد از تعطیلات یک دوخطی رنگی را می‌سازد. نمودارهای نشان داده شده از کتابخانه نمودارهای STD برداشته شده که به مدیران دلتا داده شد. در واقع، فراموش کردم که آن نمودارها مال چه سالی بودند. فکر می‌کنم سال ۱۹۸۸ بود، اما اگر خواستید آن نمودار

را بررسی کنید، می‌توانید رنگ هایتان را در زمان گذشته ردیابی کنید و ببینید که ترتیب رنگ چه سالی با آن نمودارها مطابقت دارد.



164



دو نمودار بعدی نمودار Lumber در سری های خودش است. Lumber در نقطه ۱) نقطه چرخش دارد. بعد از خط قرمز رنگ می آید. اولین نمودار یک سری کامل را نشان می دهد. توجه داشته باشید که موقعیت نقطه ۲) درست بر روی خط آبی رنگ قرار دارد. این بدان معنی است که احتمال آمدن نقطه ۳) در نزدیکی قیمت پایانی آن روز به اندازه آمدنش در قیمت بازشده روز بعدی وجود دارد.

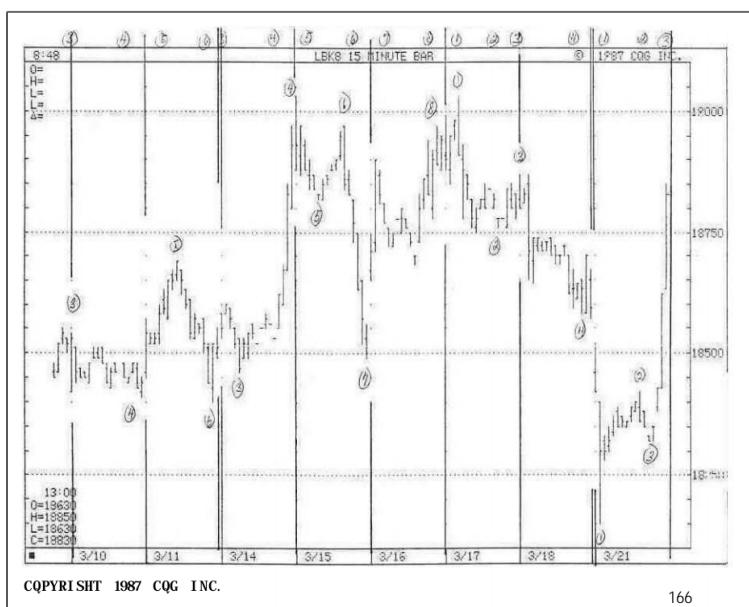
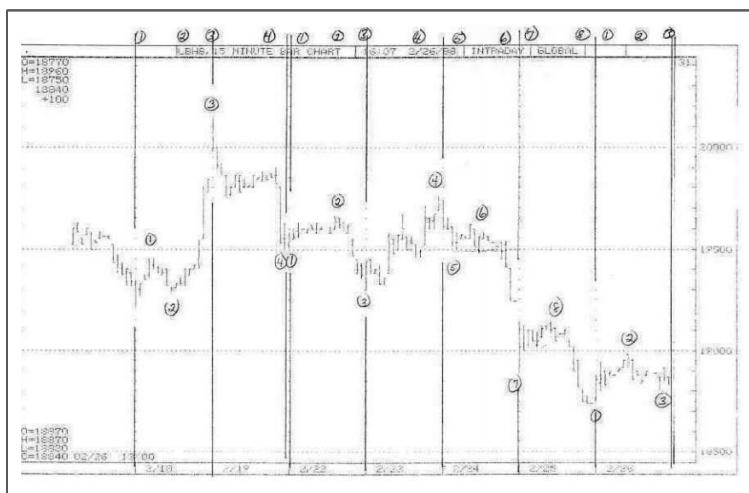
همانطور که در نمودار STD نگاه کردیم. من بر روی برخی از چیزهایی که هنگام استفاده از نمودار STD در معاملات روزانه تشخیص دادن آن ها را یاد گرفته ام، کامنت گذاشتم. ولی همه این چیزها در تایم فریم های دیگر نیز اعمال می شود.

هنگامی که بازار نقطه چرخش حداقلی را در موقعیت دلتا یا در نزدیکی موقعیت دلتا ساخته باشد اما پس از آن به جای حرکت به موقعیت نقطه حداقلی دلتا به سمت دیگری حرکت کند در این صورت بازار به شما می گوید یک فشار در معامله برخلاف جهت موردنظر وجود دارد. این فشار معامله برای حرکت به نقطه حداقلی تلاش می کند، اما فشار بیش از حد فروش بازار را به سمت پائین پیش می برد. ما این شرایط را «وضعیت نقطه فشار» خواهیم خواند. هنگامی که این اتفاق برای هر کدام از شماها می افتد شما باید انتظار داشته باشید که نقطه حداقلی به زودی اتفاق بیفتند یا این که انتظار داشته باشید حرکت نزولی به سمت نقطه حداقلی بعدی دلتا که یک حرکت قابل توجه است پیش رود.

یک نمونه از این وضعیت، نقطه ۵) و نقطه ۶) در تاریخ ۲۴ فوریه

است. بازار به جای حرکت صعودی به سمت دیگری حرکت می‌کند. شما باید یک خط زیر حمایت نقطه (۵) بکشید و یک معامله کوتاه مدت را در خط حمایت انجام دهید.

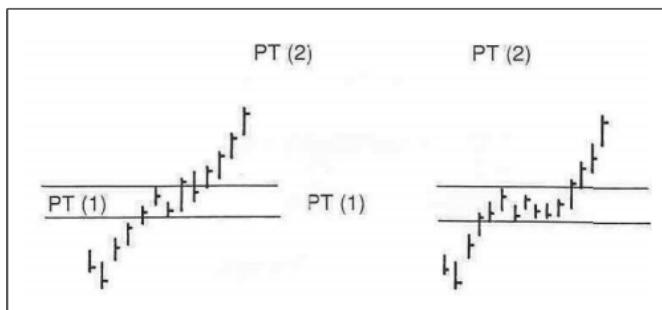
حتی یک وضعیت نقطه فشار بهتر وجود دارد آن‌هم زمانی که حرکت نزولی از نقطه (۷) به سمت نقطه (۸) در تاریخ ۲۴ فوریه در حال حرکت است. مقاومت اکنون یک خط در بالای قیمت است. با این حال، این وضعیت شرایط را تغییر نمی‌دهد. در عوض این وضعیت دو نقطه ورود به بازار را جهت معامله کوتاه مدت پیشنهاد می‌دهد. شما باید اولین موقعیت کوتاه مدت را در اولین قیمت پایانی زیر خط مقاومت اتخاذ کنید و دومین موقعیت کوتاه مدت را زمانی که بازار به زیر نقطه (۷) حرکت می‌کند اتخاذ کنید.



دونمودار سمت راست، نمودارهای ۲۰ دقیقه‌ای بازار Pork Bellies هستند. همانند تمامی تایم فریم‌های دلتا، حرکت‌های بزرگ به احتمال زیاد در هر دو طرف نقطه (۱) می‌آیند. به این نکته توجه داشته باشید که نقطه (۱) و نقطه (۲) در تاریخ هشتم فوریه حرکت می‌کنند و نقطه (۱) وارونه و نقطه (۲) در تاریخ ۱۶ فوریه حرکت می‌کنند.

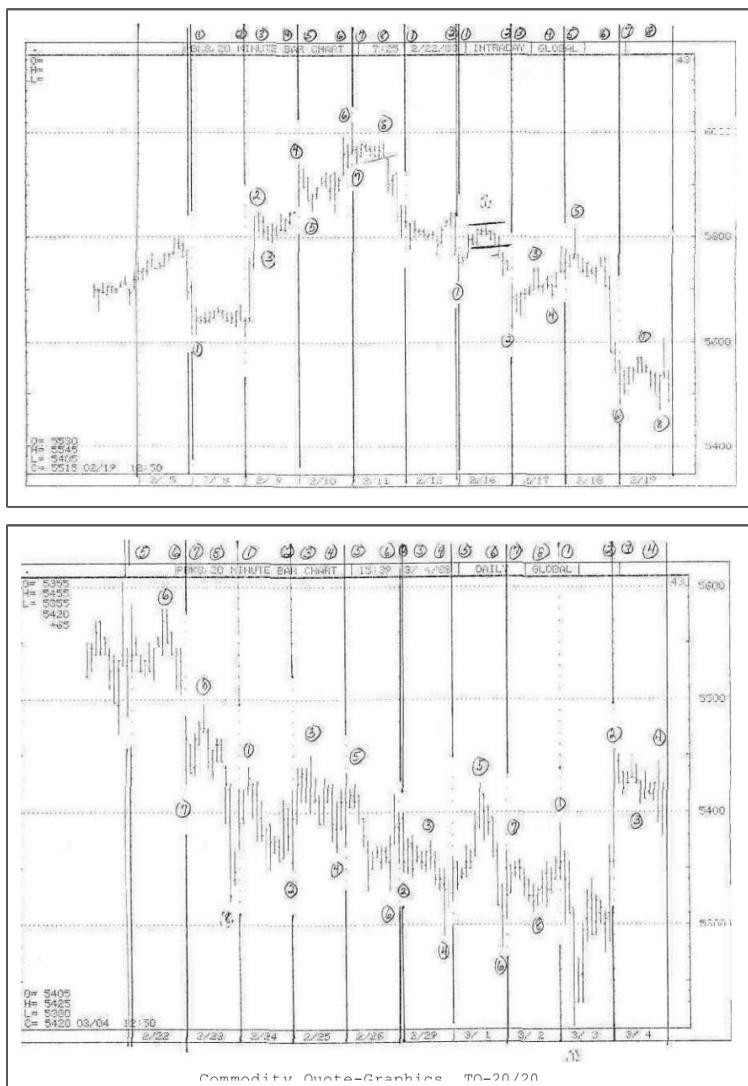
مثال دیگری از بازاری که در حال رسیدن به آخر سری است بازار steam در تاریخ ۱۱ فوریه است. این بازار از نقطه (۷) به سمت نقطه (۸) و به زیر خط حمایت قطعی حرکت می‌کند. سیگنال‌های خرید کوتاه مدت در زیر خط حمایت و با یک حرکت زیر نقطه (۷) پایان می‌یابند. این بار، آخرین نقطه سری گذشته در ابتدا می‌اید.

به حرکت بازار در تاریخ ۱۶ فوریه توجه کنید. این حرکت بهترین پوزیشن معامله در دلتا است. پارادوکس دلتا را به یاد داشته باشید که حرکت‌های بزرگ به احتمال زیاد در اطراف نقطه (۱) اتفاق می‌افتد اما این نقطه نیز تنها جایی است که ممکن است در آنجا وارونگی اتفاق بیفتد. در چنین شرایطی چگونه از این وضعیت استفاده می‌کنید؟ همانطوریکه بازار از نقطه (۱) به نقطه (۲) حرکت می‌کند، شما منتظر واکنش به این حرکت و پس از آن شروع حرکت صعودی باشید. پیکربندی کلی حرکت به شرح ذیل است:



اولین فرصت برای کشیدن خطوط کanal را پیدا کنید. در این مورد خط بالایی در ابتدای واکنش به حرکت بازار کشیده شده است. خط پائینی مانند مثال سمت چپ در حرکت برگشتی بازار به داخل کanal کشیده شده است یا مانند مثال سمت راست در خط حمایت تعریف شده نشان داده شده است.

زمانی که بازار به سمت بیرون از کanal حرکت می‌کند وارد معامله خرید شوید. یک حد ضرر قرار دهید و به کanal مخالف برگردید.



چیزی که ما برای انجام دادن آن تلاش می‌کنیم، این است که تردید بین نقطه (۱) و نقطه (۲) را تعریف کنیم و زمانی که سرانجام بازار تصمیم

می‌گیرد به کدام سمت حرکت کند، معامله انجام دهیم. اگر بازار یک حرکت غلط انجام دهد و سپس دور بزند و به سمت دیگر برود، در این صورت می‌خواهیم که با آن همراه شویم. این تنها وضعیت دلتا است که من آن را وارونگی می‌خوانم.

در موارد نادر، شکست قیمتی دوم نیز غلط خواهد بود و بازار دوباره در اطراف موقعیت یادشده می‌چرخد و حرکت بزرگ نهایی خود را در جهت مخالف انجام می‌دهد. اگر این حرکت اتفاق افتاد، بازار در نقطه حد ضرر شما و در سمت طرف دیگر کanal جدید وارونه می‌شود.

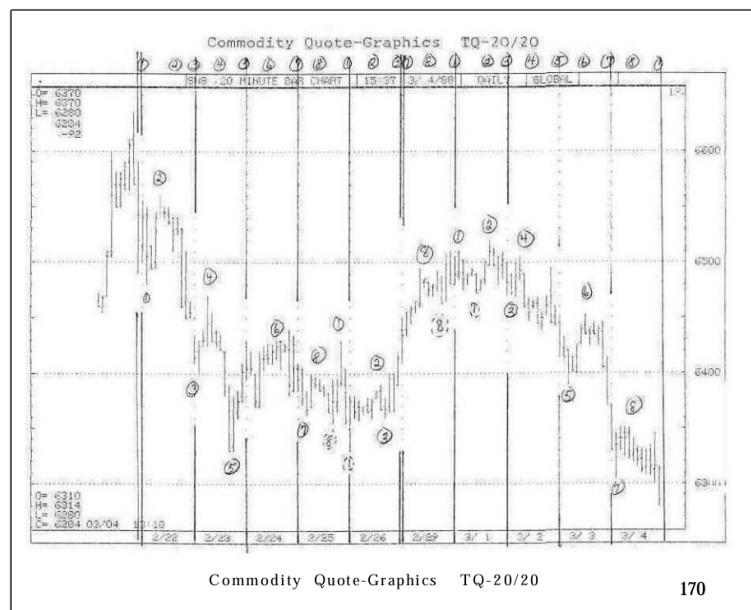
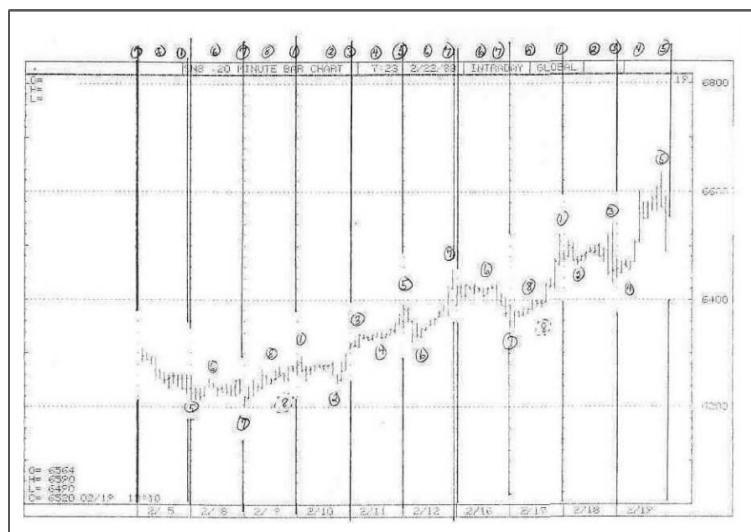
یک مثال از این وضعیت کanal، توسط حمایتی که در قسمت بالای نمودار Pork Bellies (صفحه قبل) در تاریخ ۱۶ فوریه است، تعریف شده است. بدیهی است که وضعیت مشابه در حرکت نزولی نقطه (۱) و (۲) اتفاق می‌افتد.

در صفحه روبرو، نمودارهای سویا قرار دارند. نمودار سویا ۸ نقطه در سری دارد و نقطه (۱) قبیل یا بعد از خط قرمز می‌آید. مثال دیگر از وضعیت نقطه فشار، نقطه (۲) و (۳) در تاریخ ۲۶ فوریه است. نقطه (۲) کمی دیر اتفاق افتاده است و نقطه (۳) زود اتفاق افتاد و حرکت نزولی به سمت نقطه (۳) به سختی قابل تشخیص بود. فشار خرید واضح بود. زمانی که قیمت به بالای نقطه (۲) حرکت کرد در این بازار خرید کنید و حد ضرر خود را درست زیر نقطه (۳) قرار دهید.

در معاملات آتی، خیلی مهم است که همیشه از حد ضرر استفاده کنید. (من تلاش نمی‌کنم به معامله گران Floor بگویم چگونه معامله کنند،

اما اگر شما معامله گر Floor هستید و می‌خواهید کال مارجین نشوید باید از حد ضرر استفاده کنید) اگر شما از حد ضرر استفاده نکنید!!! از خودتان نپرسید که آیا نابود خواهد شد؟ بلکه بپرسید کی به آسانی از بین می‌روید؟

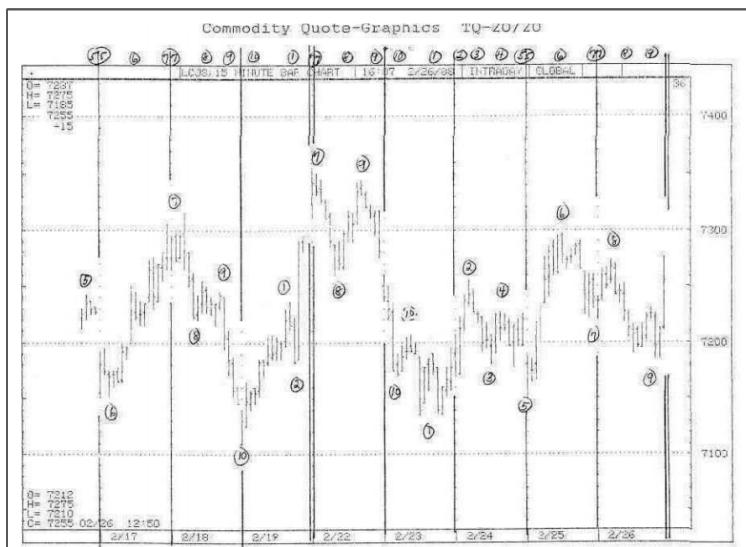
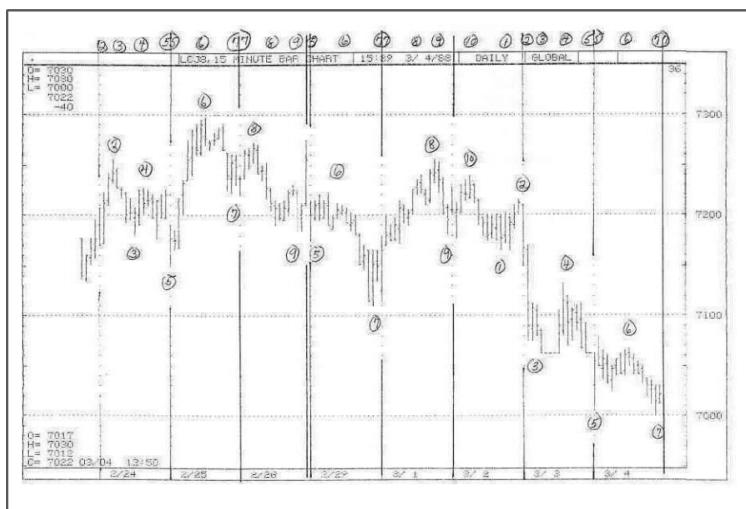
قبل از این که من وارد معامله‌ای بشوم، می‌دانم که حد ضرر من کجاست؟ (نه این که من حد ضرر نخواهم داشت)، بنابراین می‌دانم که چقدر می‌خواهم در معامله‌ای ضرر کنم؟ دانستن زمان خروج از معامله خیلی دشوار است. اگر نتوانید از حد ضرر استفاده کنید، به فکر خودتان نیستید. هنگامی که شما درباره معامله فکر می‌کنید، بنشینید، دندان‌هایتان را قرچه کنید و تا زمانی که فکر معامله از سرتان بیرون برود منتظر بمانید.



Commodity Quote-Graphics TQ-20/20

در صفحه روبرو دو نمودار ۱۵ دقیقه‌ای Live Cattle وجود دارد. نمودار Live Cattle ده نقطه چرخش دارد و نقطه (۱) قبل از خط نارنجی رنگ می‌آید. توجه داشته باشید که من نقطه (۵) را در خط سبزرنگ دوخطی و نقطه (۷) را در خط قرمزرنگ دوخطی استفاده کرده‌ام. این شماره گذاری بر این واقعیت تأکید می‌کند که این نقطه همانند سایر نقاط تنها در یک طرف خط رنگی می‌آید. توجه داشته باشید که نقطه (۲) خط نارنجی رنگ رالمس می‌کند. این بدان معنی است که نقطه (۲) بعضی اوقات بر روی خط نارنجی رنگ قرار می‌گیرد، اما اغلب اوقات فقط بعد از خط نارنجی می‌آید.

تحلیل راه حل STD در بازار Live Cattle بسیار مشکل بود، چون تا قبل از تحلیل این بازار، بازاری را که امکان داشت در یک روز ۴ نقطه چرخش را داشته باشد تا به حال ندیده بودم. درواقع من مدت چهار ساعت از یک بعد از ظهرم را بر روی این راه حل کار کردم و سرانجام پاسخ را یافتم. صبح روز بعد، من زود بیدار شدم و دوباره کار کردن بر روی راه حل را شروع کردم. پس از پنج دقیقه، من راه حل را پیدا کردم. شاید ذهن ناخودآگاهم برایم این مشکل را حل کرد. در تایم فریم STD، نقاط چرخش کمتری در سری وجود دارند، معامله کردن با این تایم فریم آسان است و پتانسیل بیشتری دارد. چرا؟ زیرا حرکت‌های بازار در تایم فریم STD به طولانی شدن تمایل دارند.



Commodity Quote-Graphics TQ-20/20

در صفحه روبرو نمودار شکر را می بینید. آنچه ما می خواهیم ببینیم یک دوره زمانی طولانی مدت بین نقاط (۱) و (۲) است زیرا دوره طولانی تر زمان بیشتری را به یک حرکت بزرگ ادامه دار می دهد. توجه داشته باشید که در نمودار شکر، نقاط (۱) و (۲) در حال اتمام هستند و محدوده آن بیشتر از شب است. این موقعیت تجاری خوبی بزرگی نیست. با این حال نقاط (۳) و (۴) و نقاط (۴) و (۵) رانگاه کنید. موقعیت نقاط (۳) و (۴) و (۵) دو روز کامل را پوشش می دهند و این منطقه جایی است که به احتمال زیاد حرکت های بزرگ در آن رخ می دهند. همچنین نقطه (۶) و (۱) مدت زمان طولانی دارند و باید مانند وضعیت وارونگی نقطه (۱) - (۲) که درباره آن بحث کردیم معامله شوند. به وضعیت نقطه (۶) و نقطه (۱) وارونه توجه کنید.

حالا من سومین موقعیت معامله را که دنبالش بودم به شما نشان خواهم داد. من آن را الگوی پرچم Pole و الگوی پرچم وارونه می نامم. اگرچه الگوهای پرچم معروف هستند اما هیچ وقت یادم نمی آید که چنین الگوی دقیق مشخصی را قبلًا دیده باشم، من آنها را بهترین الگوهای معاملاتی پیدا کرده ام. (به استثنای الگوی مثلث)

نمونه ای از الگوی پرچم را در تاریخ یکم و دوم ماس می توان دید. این الگواز یک حرکت صعودی بسیار سریع (که می تواند شکاف نیز باشد) و به دنبال آن حرکت نزولی تشکیل شده است که الگوی پرچم را شکل می دهد. این الگو باید درست مانند وضعیت نقطه فشار معامله شود. امواج نزولی الگوی پرچم دو سیگنال خرید را پیشنهاد می دهند، در سیگنال اول قیمت پایانی بالای خط مقاومت و نوک پرچم را لمس می کند که نقطه

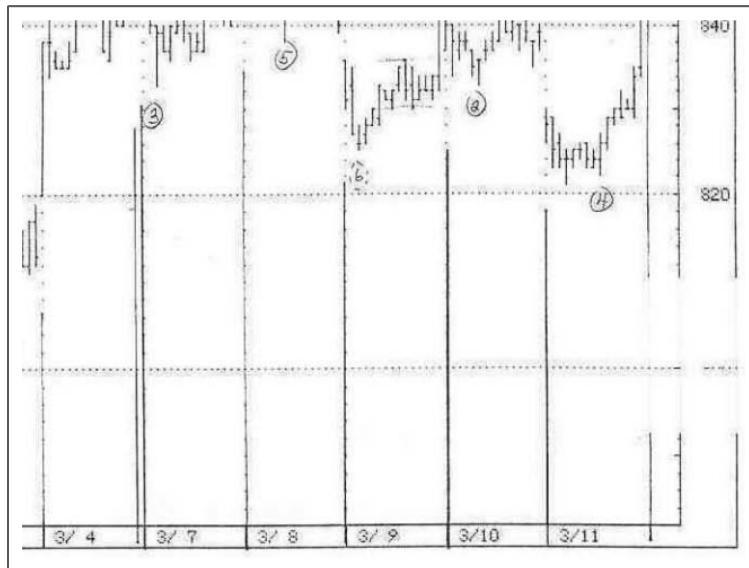
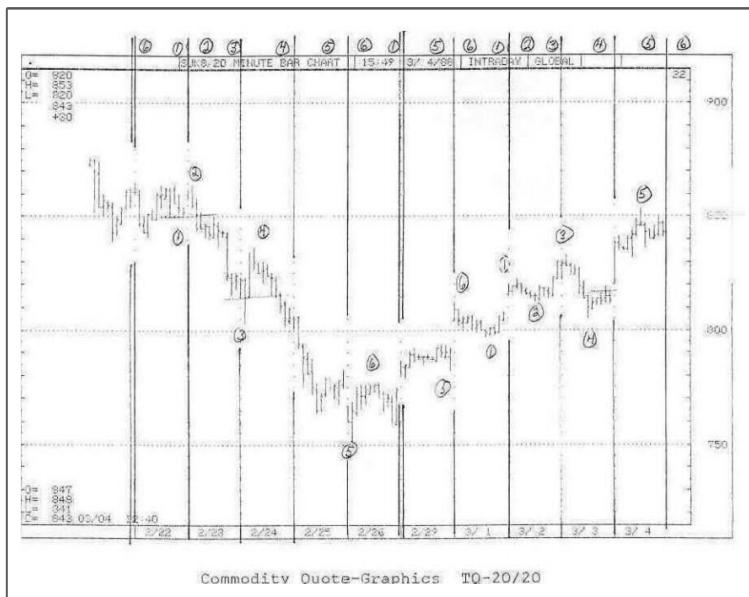
(۱) وارونه اتفاق می‌افتد. مثالی از پرچم معکوس در تاریخ هفتم و هشتم مارس نشان داده شده است. در این مثال پرچم معکوس است. نزدیکی نقطه (۶) اخطار فشار فروش در بازار است.

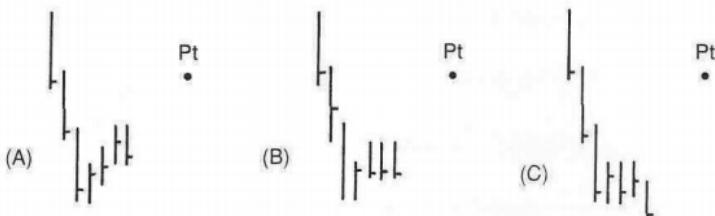
ما سه تا از بهترین موقعیت‌های معاملاتی بازار را پوشش داده‌ایم.

ابتدا) معامله وارونه با تعریف یک کanal بین آخرین نقطه در سری و نقطه (۱) و بین نقطه (۱) و (۲). کanal به دو روش می‌تواند تعریف شود: توسط عمل و عکس‌العمل و به وسیله حمایت یا مقاومت.

دوم) وضعیت نقطه فشار که به عنوان یک حرکت ضعیف به نقطه بعدی و قوع اولیه در آن نقطه تعریف شده است.

و نهایتاً الگوی پرچم و پرچم وارونه. در ساختار الگوی پرچم Pole بازار به سمت بالا یک حرکت عمودی سریع انجام می‌دهد و پس از آن به سمت پائین حرکت کرده و نقطه حداقلی بعدی را در همان نزدیکی می‌سازد و در آخر به حرکت صعودی خودش به سمت بالا ادامه می‌دهد. من هم اکنون سه نسخه از این وضعیت را با استفاده از الگوی پرچم وارونه به شناسان خواهم داد.



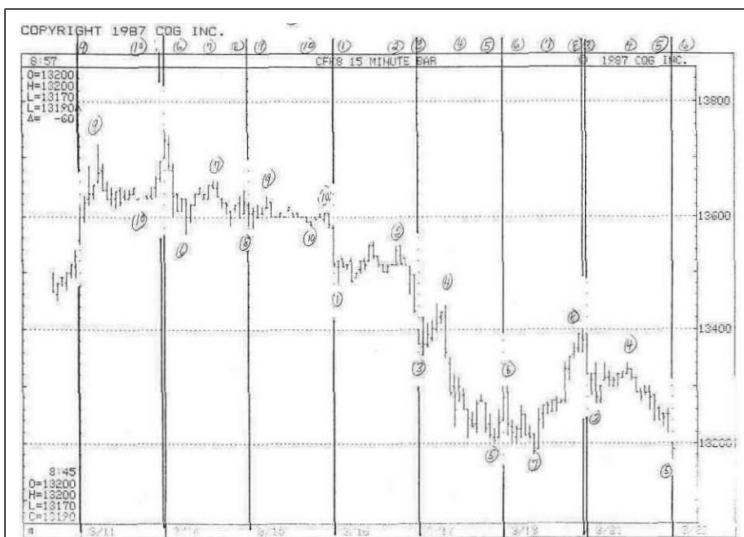


مثال (A) نسخه کلاسیک الگوی پرچم است. مثال (B) نشان می‌دهد که فشار فروش بیشتری وجود دارد که تلاش می‌کند بازار را از ساختن نقطه حداقلی جدید در آن زمان بازدارد. مثال (C) نشان می‌دهد که فشار فروش بیشتری از سایرین وجود دارد و معمولاً بزرگ‌ترین حرکت نزولی را خبر می‌دهد.

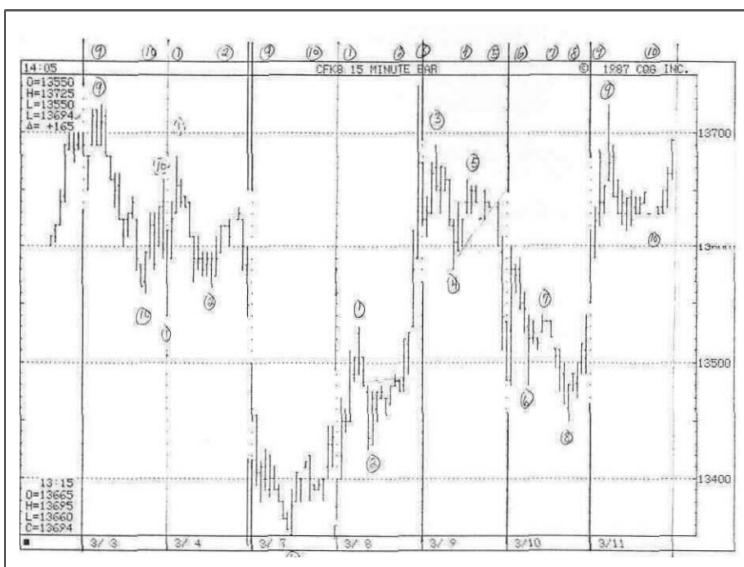
در نمودار قهقهه، چند مثال وجود دارد که در یکی از این سه موقعیت معاملاتی خاص قرار می‌گیرد. باز هم تاکید می‌کنم که این سه موقعیت معاملاتی ویژه در تمامی تایم فریم‌ها دلتا به کار می‌رود.

من شنیده‌ام که معامله گران Floor می‌گویند بعضی اوقات به نظر می‌رسد که یک احساسی به بازار دارند. گمان می‌کنم گاهی اوقات این گفته درست است آن هم به دلیل استفاده از حجم معاملات فوری در معاملات Floor و حجم سروصدایی که معامله گران این بازار با آن سروکار دارند. با این حال، من به داشتن احساسات درباره بازار اعتماد ندارم. من معامله گران بسیاری را دیده‌ام که به خاطر پیروی از احساساتشان به دردرس افتاده‌اند. شخصاً فکرمی کنم که آخرین احساس واقعی که یک معامله گر دارد زمانی است که گوشی را برمی‌دارد و سفارش خود را قرار می‌دهد.

به هر حال، بعد از چندین سال معامله در تایم فریم STD، متوجه شدم که هر کسی می‌تواند "خواندن" بازار را یاد بگیرد. نظم دلتا راهی را برای خواندن بازار میسر می‌کند و تنها برای کسانی در دسترس است که این نظم را می‌دانند. خواندن بازار شما را قادر می‌سازد تا قبل از این که بازار با فشار شروع به حرکت نماید بدانید فشار در کجای بازار وجود دارد. منظور از فشار، فشار خرید و فشار فروش می‌باشد.



176



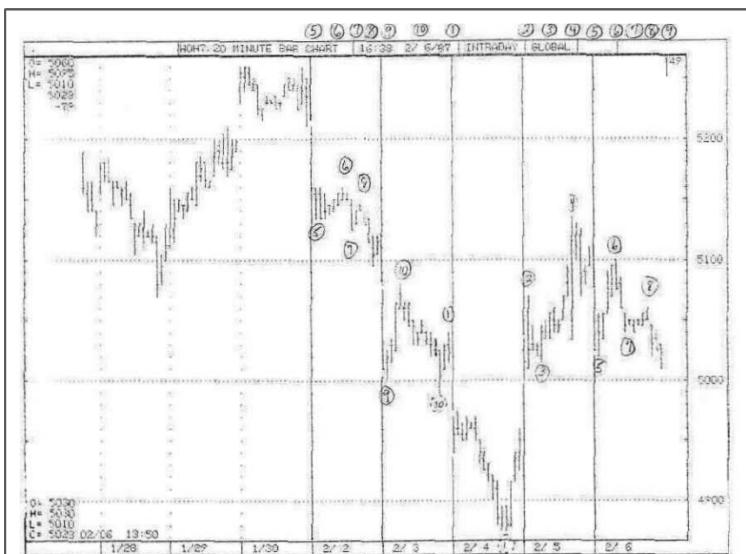
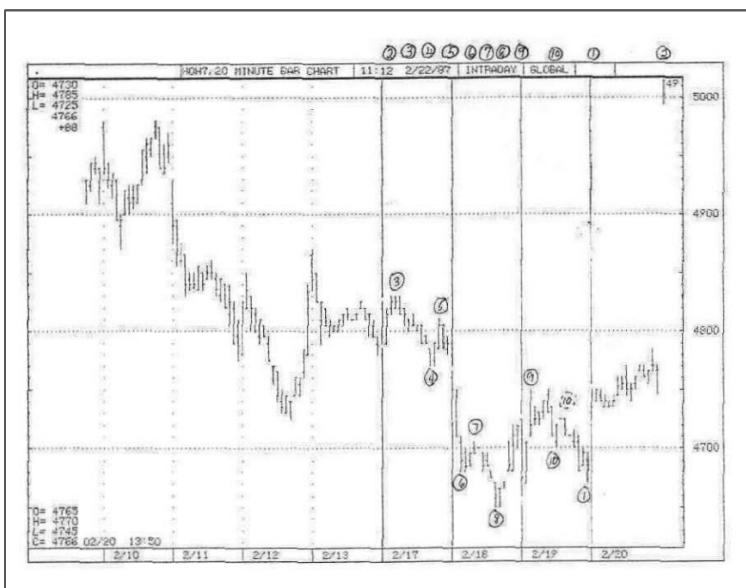
سه موقعیت معاملاتی یادشده بالا از تعریف فشار فروش در حرکت رو به جلو بهره می‌برند. نظم دلتا به شما می‌گوید که بازار می‌خواهد چه کار بکند؟ قرار است چه کاری انجام دهد؟ هنگامی که بازار کار مورد انتظار را انجام نمی‌دهد، اطلاعات پتانسیل بازار یک معامله سودآور را فراهم می‌کنند، آن هم بیشتر از زمانی که بازارها تنها آنچه را که از آن‌ها انتظار می‌رود را انجام می‌دهند. صدای عجیب و غریب در ذهنتان زمانی که شما درباره آن فکر می‌کنید، چیست؟ در یک بازار متوسط، نقاط حداکثرو حداقل قیمتی در زمان صحیح اتفاق خواهد افتاد، اما یک بازار متوسط حرکات متوسط دارد.

حرکات بزرگ در بازار قوی اتفاق می‌افتد. (وقتی من از واژه قوی استفاده می‌کنم منظورم حرکت جهت دار قوی است... چه به سمت بالا و یا پائین) در بازار قوی نقاط چرخش دلتا در جهت حرکت دیرتر اتفاق می‌افتد. نقاط چرخش در عکس العمل به چنین بازاری (برخلاف حرکت بازار) در ابتدای حرکت جدید اتفاق می‌افتد. قراردادن تمام این‌ها در کنار نظم دلتا یک سیگنال خرید به معامله گرمی دهد که هیچ کس دیگری آن را ندارد... به درستی که این نظم سرنخی از بازار به معامله گرمی دهد که هیچ چیز دیگری در این سیاره این اطلاعات را به وی نمی‌دهد.

برای افراد ناآگاه، این ایده کاملاً مضحك است... که هر کسی بتواند آنچه را که بازار "قرار است" انجام دهد را بداند. چرا که معامله گرمی داند بازار قرار است چه کاری انجام دهد. او می‌تواند بازار را بخواند. من برای اینکه این اطلاعات تنها در اختیار تعداد محدودی از افراد باشد تابه حال برنامه‌ای

نداشتم. با این حال، به خاطر یک سری شرایط خاص، این اطلاعات را در اختیار هر کسی که آنرا بخواهد قرار می‌دهم... بدون پرداختن ۳۵۰۰۰ دلار برای آن.

آخرین نمودار از تایم فریم Heating Oil STD نمودار Heating Oil است. راه حل این بازار برای بازار نفت خام نیز به کار می‌رود. بازار Heating Oil ده نقطه چرخش دارد و نقطه (۱) بر روی خط آبی رنگ می‌آید، یعنی این نقطه می‌تواند تنها قبل یا بعد از خط آبی رنگ بیاید. باز هم ما حرکات بزرگ را در دو طرف نقطه (۱) می‌بینیم. به وارونگی دوگانه در تاریخ دوم آوریل سال ۱۹۸۷ توجه کنید.



من همه راه حل‌های در تایم فریم STD را نشان نداده‌ام اما از بقیه تایم فریم‌ها به اندازه کافی راه حل نشان داده‌ام که شما بتوانید نظم کامل را حتی به صورت روزانه درک کنید. مگر این که شما یک معامله گر روزانه باشید که احتمالاً هرگز از تایم فریم STD استفاده نخواهید کرد. اما شما می‌دانید که این نظم زیبا در هر روزی و در هر بازاری کار می‌کند. تعریف تایم فریم STD را به یاد داشته باشید.

بازارها در هر چهار روز خورشیدی به صورت مستقیم و وارونه تکرار می‌شوند. این تعریف به بخش STD پایان می‌دهد و در واقع به پنج تایم فریم دلتا خاتمه می‌دهد. از آنجا که ما رسم معمول راجع به معامله دلتا را زیر پا گذاشتیم، بخش بعدی را با هر چیزی که من از هفت سال معامله با دلتا یاد گرفتم، ادامه خواهم داد و مطمئننم که بخش‌های قبلی سودمند بوده‌اند.

فصل نهم

معامله با نقاط چرخش دلتا

در بخش قبلی ماسه تا از بهترین موقعیت‌های معاملاتی دلتارا مطرح کردیم. این شرایط به تنها یی اتفاق می‌افتد زیرا شما می‌دانید که نقاط چرخش دلتا در کجا قرار دارند؟ و با کدام یک از نقاط چرخش دلتا معامله کنید؟ این شرایط عبارت اند از:

[۱] نقاط چرخش

[۲] الگوهای پرچم

[۳] معامله با نقاط وارونه دلتا

از آنجا که این‌ها بهترین شرایط معامله هستند، یک مورد بسیار خوب برای معامله می‌تواند تنها با این سه شرایط فراهم شود. بزرگ‌ترین مشکلی که بیشتر معامله گران دارند «معامله بیش از سرمایه در گرددش» است. معامله کردن با شرایط بالا به معامله گران کمک خواهد کرد تا از معامله کردن بیش از حد سرمایه در گرددش یا overtrading جلوگیری کنند.

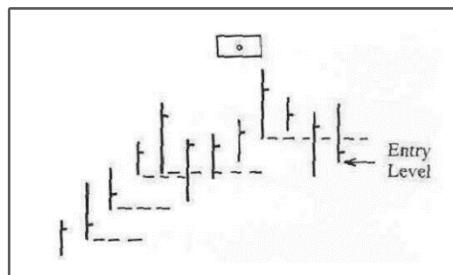
پس از گفتن موارد بالا، می‌خواهم اساسی‌ترین مفاهیم درباره معاملات دلتا را ارائه کنم. فقط به خاطر این که تاریخ متوسط نقاط چرخش دلتا را می‌دانید هرگز معامله‌ای انجام ندهید. به جای آن، منتظر بمانید تا زمانی که بازار به شما بگوید پاسخش به تاریخ دلتا چیست. اگر شما تا زمانی که بازار واقعاً در نقاط خودش بچرخد و قبل از این که وارد معامله شوید، منتظر بمانید این کار به طور قابل توجهی درجه دقت را به نفع شما افزایش می‌دهد.

چگونه می‌توان مطمئن شد که بازار در نقطه چرخش دلتا، چرخیده است؟ هیچ کس به درستی جواب آن را نمی‌داند تا زمانی که بازار نقطه چرخش قبلی دلتا را رد کند. به عنوان مثال، آیا می‌توان مطمئن بود که یک نقطه چرخش حداکثر خاص دلتا در زمانی قرار دارد که بازار از نقطه حداکثری به پائین می‌چرخد و زیر نقطه چرخش حداقلی قبلی دلتا می‌رود. البته در آن زمان ممکن نیست که بازار پتانسیل پنهان زیادی در حرکت‌های نزولی داشته باشد. ایده بعدی این است که منتظر بمانیم تا زمانی که شناس رو کند و نقطه چرخش اتفاق بیفتند اما هنوز پتانسیل بالقوه برای حرکت بعدی وجود دارد.

در طول این سال‌ها، من معامله کردن در سه نقطه تأیید شده را توسعه داده‌ام. بیش از ده سال است که از این سه نقطه تأیید شده استفاده کرده‌ام و هیچ چیزی را به اندازه آن‌ها آسان و قابل اعتماد نیافتم. من آن‌ها را در کتابچه راهنمایی به اعضای دلتا نشان دادم. نمودارهای ذیل مستقیماً از کتابچه راهنمایی اعضا برداشته شده‌اند.

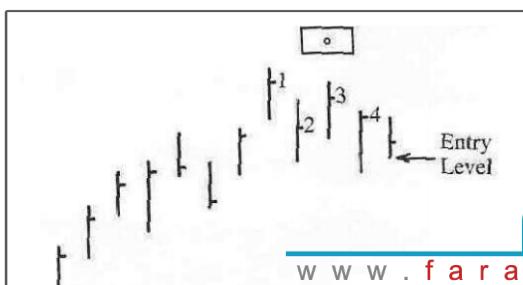
(A) سیگنال ورود شماره ۱

SELL STOP را در حداقل اولین کندلی قرار دهید که قیمت پایانی آن کندل زیر حداقل کندل سعودی قبلی باشد. هر کندلی که یک حداکثر قیمتی جدید در حرکت خود می‌سازد سیگنال آن روز می‌شود. یک خط افقی نقطه چین از حداقل سیگنال آن روز تا چند روز آینده بکشید. این خط چین افقی، حداکثر فعلی آن روز است. زمانی که شما قیمت پایانی روزانه را زیر حداقل سیگنال آن روز (حداکثر یادشده) دارید در این صورت یک SELL STOP در حداقل آن روز یا کمی زیر حداقل آن روز قرار دهید.

**(B) سیگنال ورود شماره ۲**

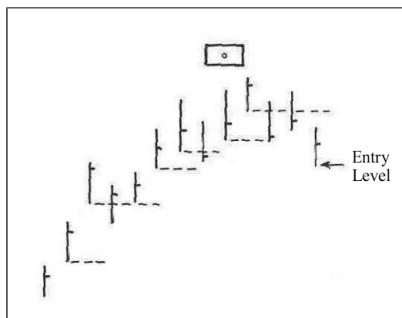
SELL STOP را در حداقل اولین روزی قرار دهید که زیر چهار کندل روزانه قبلی بسته شده است.

کلمات کلیدی در این سیگنال، چهار کندل قبلی می‌باشد. این سیگنال بعید است که قبل از سیگنال شماره ۱ بیاید اما بیشتر اوقات قبل از سیگنال شماره ۳ اتفاق می‌افتد.



(C) سیگنال ورود شماره ۳

رادر حداقل اولین کندلی قرار دهید که یک نقطه حداکثری زیر حداقل کندل سعودی قبلی دارد. باز هم هر کندلی که یک حداکثر قیمتی جدید را می‌سازد، سیگنال آن روز می‌باشد. یک خط افقی به اندازه خط افقی سیگنال شماره ۱ قبلی رسم کنید. هنگامی که محدوده یک کندل به طور کامل زیر حداقل کندل سعودی باشد SELL STOP را در حداقل آن روز یا کمی.



ممکن است و حتی احتمال دارد که دو یا بیشتر از این سیگنال‌ها بتوانند در همان روز اتفاق بیافتدند. سیگنال‌های شماره ۲ و ۳ بیشتر از سیگنال شماره ۱ تأیید می‌شوند. سیگنال شماره ۳ کمی بیشتر از سیگنال شماره ۲ قابل تشخیص است. این سیگنال به معامله گر تعداد زیادی استراتژی قابل استفاده می‌دهد. به عنوان مثال، او می‌توانست سفارش خود را بر روی یک سوم از موقعیت خودش با هر سیگنالی قرار دهد، یا منتظر دو یا چند تأییدیه برای شروع موقعیت کامل خود بماند و یا از هر ترکیبی از سیگنال‌ها استفاده کند.

در معامله چه ریسکی خواهید کرد؟ باید از حد ضرر استفاده کرد. به یاد داشته باشید، معامله گران، با در نظر گرفتن حد ضررهای محاسبه شده نسبتاً کوچک از بین نرفته‌اند، اما با در نظر گرفتن یک حد ضرر بسیار بزرگ نامناسب از بین رفته‌اند. حد ضرر شما باید یک قسمتی از طرح معامله‌تان باشد و قبل از آن که بخواهید وارد معامله بشوید درباره آن تصمیم بگیرید. زمانی که شما بر روی حد ضررتان تصمیم می‌گیرید، هرگز آن را تغییر ندهید.

دو نوع متفاوت حد ضرر وجود دارد: حد ضررتکنیکال و حد ضررسرمایه. حد ضررسرمایه ساده‌ترین نوع آن است. تصمیم بگیرید که با چه مقدار از سرمایه‌تان قصد دارید در معامله ریسک نمایید؟ بعضی از معامله گران از حد ضرر به نام کتاب جیبی استفاده می‌کنند یعنی با چقدر از سرمایه‌تان می‌توانید در یک معامله ریسک کنید؟

حد ضررتکنیکال باید در جایی در بالای حداکثر (سیگنال) کندل آن روز قرار داده شود یعنی دقیقاً چقدر از حداکثر کندل آن روز بالاتر است. اغلب معامله گران حد ضررهایشان را یک یا دو تیک بالاتراز حداکثر کندل صعودی آن روز قرار می‌دهند. بازارها اغلب یک حداقل قبلی را چندین بار آزمایش می‌کنند (به نظر می‌رسد گاهی اوقات، فقط برای بالا بردن حد ضررهای بسته شده) تا یک قله دوگانه را بسازد. معامله گران با تجربه تلاش می‌کنند تا حد ضررهایشان را به اندازه کافی بالاتراز حداکثر کندل صعودی قبلی قرار دهند به طوری که حد ضررهایشان خارج از محدوده یک یا دو پیپ از حد ضرر معمول باشد اما نه بالاتراز حداکثر یاد شده که

ریسک معامله شان را تا حد زیادی افزایش دهد.

قبل از این که استراتژی معامله کردن با تایم فریم LTD را مطرح کنیم، می خواهم درباره چیزی بحث کنم که من آن را «صف کشیدن» نقاط چرخش دلتا می خوانم. همان طور که می دانید هر یک از تایم فریم های دلتا جدای از تایم فریم های دیگر دلتا حل شده اند. اگر نقطه حداکثر (۱) در تایم فریم LTD در همان تاریخ نقطه حداکثر (۱) تایم فریم های MTD و LTD و همچنین در همان تاریخ نقطه (۱۲) تایم فریم SLTD می آمد چه اتفاقی می افتاد، ممکن است فکر کنیم که قیامت می خواهد اتفاق بیفتد. قطعاً ما انتظار یک حرکت مهم نزولی را خواهیم داشت. من هرگز نقطه (۱) را ندیده ام که در بیشتر از دو تایم فریم و در همان تاریخ با یکدیگر در یک صفت باشند. زمانی که چنین اتفاقی بیفتد، حرکات بعدی بازار خیلی بزرگ خواهند بود. ایده من این است، زمانی که هر یک از نقاط چرخش دلتا در همان تاریخ و یا نزدیک به همان تاریخ باشد، این اتفاق خبریک حرکت بزرگ را می دهد.

اگر ما تاریخ نقطه حداکثری تایم فریم SLTD و تاریخ سه تا از نزدیک ترین نقاط حداکثری تایم فریم LTD را بدانیم و تاریخ سه تا از نزدیک ترین نقاط تایم فریم MTD را بدانیم در این صورت می توانیم صفر را در تاریخی قرار دهیم که انتظار داریم تا نقطه حداکثری تایم فریم SLTD در آنجا اتفاق بیفتد. اجازه دهید بگوییم که محدوده انحراف استاندارد برای یک نقطه حداکثری تایم فریم LTD شامل دو نقطه حداکثر در تایم فریم LTD می باشد. ما می دانیم که نقطه حداکثر واقعی در تایم فریم SLTD در ارتباط با یکی از

نقاط حداکثری تایم فریم LTD اتفاق افتاده است. بنابراین ما زمان حداکثر قیمتی تایم فریم SLTD را به دو تاریخ محدود کردیم. فرض کنید نقطه حداکثری تایم فریم SLTD در ارتباط با اولین نقطه حداکثر تایم فریم LTD اتفاق نیفتاد. در این صورت ما باید یک تاریخ را حذف کنیم و آن انحراف استاندارد خیلی محدودی دارد.

هم اکنون تاریخ LTD در ارتباط با یک از دو تاریخ تایم فریم MTD اتفاق خواهد داد و تاریخ هریک از نقاط حداکثری تایم فریم MTD در ارتباط با یکی از دو تاریخ نقطه حداکثر ITD اتفاق خواهد داشت. شما می‌بینید که چگونه با دانستن تاریخ هریک از تایم فریم‌ها برای یک بازار خاص، زمان بندی می‌تواند به طور چشمگیری بهبود یابد آن هم فقط با دانستن تایم فریم‌های دراز مدت. راه آسان برای نگه داشتن زمان بندی این است که برای هر کدام از تایم فریم‌ها، تاریخ را در نمودارتان با رنگ‌های متفاوت قرار دهید (نسبت به این که نمودارتان تا کجا تاریخ بندی شده است؟) نقاط حداکثری را در بالای نمودار و نقاط حداقلی را در پائین نمودارتان قرار دهید و زمانی که نقاط چرخش دلتا در نمودار صف کشیدند، زمان بندی نقاط آشکار خواهد شد. حالا اجازه دهید تا به استراتژی LTD در کتابچه راهنمای اعضای دلتا نگاهی بیندازیم.

استراتژی معاملاتی درازمدت دلتا LTD

استراتژی LTD برای اولین بار است که مطرح می‌شود زیرا تایم فریمی است که استفاده از هر نوع تحلیل پیش‌بینی بازار در آن شروع می‌شود.

این تایم فریم اساس هر نوع تحلیل بازاری است. محدوده ای است که در آن بسیاری از معامله گران بیشترین سود را کسب می‌کنند. استانلی کرول (معامله گر درازمدتی است که میلیون‌ها دلار به دست آورد) اغلب به جاودانه بودن نام جو کین اشاره می‌کند که به مدت بیش از پنجاه سال در بازارهای سودده معامله کرده است. اساس تحلیل کین نمودارهای هفتگی و ماهانه است. معامله گری که به درستی می‌تواند نوسانات دراز مدت بازار را پیش بینی نماید و نظم انضباط «نشستن و منتظر ماندن» را داشته باشد، راز واقعی جمع آوری ثروت در آینده را یاد گرفته است.

به اعتقاد من مهم‌ترین منظر دلتا پول درآوردن در بازارها در تایم فریم LTD است. به ویژه در بازار کالاها که نقاط چرخش در دوره‌های هفتگی داده شده است. (با این حال، معامله گر تایم فریم SLTD ممکن است نوسانات بزرگ در بازار کالاها ماهانه را ترجیح دهد) این همچنین ساده‌ترین راه معامله است. معامله گرانی که هفته‌ای یکباره نمودارهای هفتگی خود نگاه می‌کنند با نوسانات روزانه، شایعات و نیروهای مداوم ناشی از ترس و طمع که مانع پایبندی معامله گران به استراتژی معاملاتی شان است از معامله باز نمی‌مانند.

تا قبل از زمانی که به طور تصادفی به پدیده دلتا برخورد نکرده بودم، مطلقاً هیچ چیزی در دست نبود تا به من اطمینان دهد و به طور یقین بدانم که روند بلند مدت در دلتا چیست و مهم تراز آن، چه مدت طول خواهد کشید؟

مطالعه متمرکز من از این پدیده در سال گذشته مرا متقاعد کرد که روند

هر کدام از بازارها چه خواهد بود و برای چه مدتی می‌تواند با درجه بسیار بالایی از یقین مشخص شود. با این اطلاعات، اکنون می‌توان هفته‌ای یکبار به بازارها نگاه کرد و معامله مطمئنی انجام داد. این تنها یکی از راه‌هایی که شما می‌توانید از دلتا استفاده کنید.

هر معامله گری در معاملات دراز مدت با تحلیل خودش سیگنال ورود و خروج خواهد داشت. با این حال در اینجا می‌خواهم برخی از سیگنال‌های ورود و خروج بسیار خوبی را که طی چندین سال پیدا کرده‌ام با شما به اشتراک بگذارم.

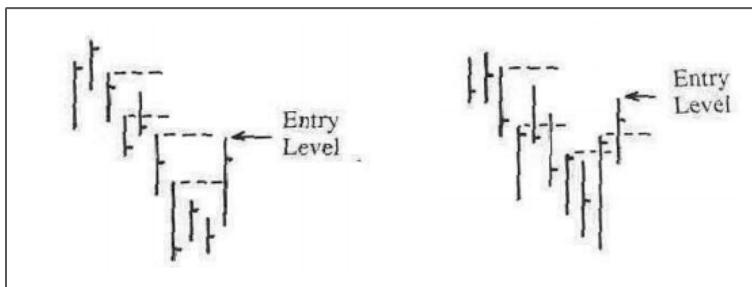
سیگنال‌های خرید تایم فریم LTD

برای نشان دادن این سیگنال‌های خرید، ما فرض می‌کنیم که به دنبال یک کف در بازار هستیم و در تایم فریم برنامه ریزی شده دلتا معامله می‌کنیم. اگر به دنبال یک قله با تایم فریم LTD دلتا هستیم، روش معامله با سه نقطه تائید شده را خیلی ساده به طرز معکوسی به کار می‌گیریم.

سیگنال خرید شماره ۱

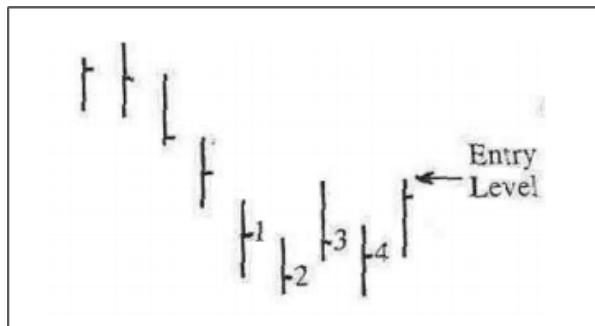
BUY STOP را در حداکثر اولین کندل هفتگی قرار دهید که قیمت پایانی آن کندل بالای حداکثر کندل نزولی قبلی باشد. هر کندلی که یک حداقل قیمتی جدید در حرکت خود می‌سازد سیگنال آن روز می‌شود. یک خط افقی نقطه چین از حداکثر سیگنال آن روزتا چند هفته آینده بکشید. این خط چین افقی، حداقل فعلی آن هفته است. هنگامی که شما قیمت پایانی هفتگی را بالای حداکثر سیگنال آن روز (حداقل یاد شده) دارید در

این صورت یک BUY STOP در حداکثر آن روز یا کمی بالاتر از حداکثر آن هفته قرار دهید.



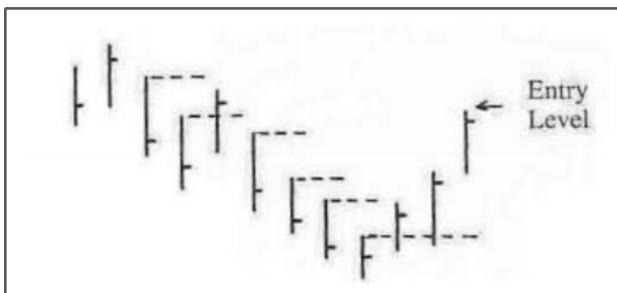
سیگنال خرید شماره ۲

را در حداکثر اولین هفته‌ای قرار دهید که بالای چهار کندل هفتگی قبلی بسته شده است. کلمات کلیدی در این سیگنال، چهار کندل قبلی می‌باشد. این سیگنال بعید است که قبل از سیگنال شماره ۱ بیاید اما بیشتر اوقات قبل از سیگنال شماره ۳ اتفاق می‌افتد.



سیگنال شماره ۳

BUY STOP را در حداکثر اولین کندلی قرار دهید که یک نقطه حداقلی بالای حداکثر کندل نزولی قبلی دارد. بازهم، هر کندلی که یک حداقل قیمتی جدید را می‌سازد، سیگنال آن هفته می‌باشد. یک خط افقی به اندازه خط افقی سیگنال شماره ۱ قبلی رسم کنید. هنگامی که محدوده یک کندل به طور کامل بالای حداکثر کندل نزولی باشد BUY STOP را در حداقل آن کندل یا کمی بالاتر از حداكثر کندل آن هفته قرار دهید.



ممکن است و حتی احتمال دارد که دو یا بیشتر از این سیگنال‌ها بتوانند در همان هفته اتفاق بیافتدند. سیگنال شماره ۲ و ۳ بیشتر از سیگنال شماره ۱ تأیید می‌شوند. سیگنال شماره ۳ کمی بیشتر از سیگنال شماره ۲ قابل تشخیص است. این سیگنال به معامله گر تعداد زیادی استراتژی قابل استفاده می‌دهد. به عنوان مثال، او می‌توانست سفارش خود را بر روی یک سوم از موقعیت خودش با هر سیگنالی قرار دهد، یا منتظر دو یا چند تأییدیه برای شروع موقعیت کامل خود بماند و یا از هر ترکیبی از سیگنال‌ها استفاده کند.

حد ضرر

حد ضرر همیشه باید استفاده شود. معامله گران، با در نظر گرفتن حد ضررهای محاسبه شده نسبتاً کوچک از بین نرفته‌اند، اما با در نظر گرفتن یک حد ضرر بسیار بزرگ نامناسب از بین رفته‌اند. حد ضرر شما باید یک قسمتی از طرح معامله‌تان باشد و قبل از آن که بخواهید وارد معامله بشوید درباره آن تصمیم بگیرید. هنگامی که شما بر روی حد ضررتان تصمیم می‌گیرید، هرگز آن را تغییر ندهید.

دو نوع متفاوت حد ضرر وجود دارد... حد ضرر تکنیکال و حد ضرر سرمایه. حد ضرر سرمایه ساده‌ترین نوع آن است. تصمیم بگیرید که با چه مقدار از سرمایه‌تان قصد دارید در معامله ریسک نمایید؟ بعضی از معامله گران از حد ضرر به نام کتاب جیبی استفاده می‌کنند یعنی با چقدر از سرمایه‌تان می‌توانید در یک معامله ریسک کنید؟ سایر معامله گران، با یک درصد سرمایه موردنیاز برای یک معامله ریسک می‌کنند. برای مثال اگر شما با ۷۵٪ مارجین تان در یک معامله ریسک کنید در این صورت شما یک نقشه راهی دارید که نسبت به ارزش و نوسانات آن کالا است.

حد ضرر تکنیکال، باید در جایی در پائین حداقل کندل (سیگنال) نزولی آن هفت‌هه قرار داده شود یعنی دقیقاً چقدر از حداکثر کندل آن هفته پائین تراست. اغلب معامله گران حد ضررهایشان را یک یا دو تیک پائین تراز حداقل کندل نزولی آن هفته قرار می‌دهند.

بازارها اغلب یک حداقل قبلی را چندین بار آزمایش می‌کنند و یک کف دوگانه را می‌سازند و معامله گران ترسو حد ضررهایشان را چند پیپ زیر

حداقل کنده نزولی قبلی قرار می‌دهند. معامله‌گران با تجربه تلاش می‌کنند تا حد ضررهایشان را به شکل «مخفى کردن» قرار دهند به طوری که خارج از محدوده یک یا دو پیپ از حد ضرر معمول باشد اما نه بالاتراز حد اکثر یاد شده که ریسک معامله‌شان را به طور قابل توجهی افزایش دهند.

همیشه همیشه از حد ضرر استفاده کنید! این سؤال شما از خودتان که آیا من آنرا به کار خواهم برد؟ باعث بزرگ‌ترین نابودی سرمایه‌تان است.

قبل از این که به استراتژی بعدی برویم، دیدگاه دیگر این است. شخصی که همه چیز را درباره معاملات آتی می‌داند می‌تواند استراتژی بالا را در کمتر از یک ساعت در هفته با استفاده از اطلاعات دراز مدت دلتا تنها در بازار کالاهای هفتگی پیاده سازد. نتیجه چاپی تایم فرمی LTD اغلب بیشتر از یک بار در ماه تولید نشده است. من هنوز هم معتقدم که «برای آدم تنبل راهی برای ثروتمند شدن» وجود ندارد. اما نظم دلتا راهی است که با آن می‌توان به چیزهای زیادی دست یافت.

تا الان درباره معامله در نقاط چرخش صحبت کردیم اما به نظر من، باید بر روی زمان و جهت حرکت بازار تاکید کنیم. نقاط چرخش دلتا، در واقع، تلاشی برای انتخاب قله و کف بازار می‌باشد. این کار اغلب سرگرم کننده و هیجان انگیز است. اما جایی نیست که در آن بیشترین پول را به دست آورد. بیشترین پول در کجای بازار به دست می‌آید؟ این پول در یک سوم میانی بازار یا تا حد زیادی در خارج از حرکت بازار به دست می‌آید.

سؤال این است: کف و سقف بازار در کدام نقطه بازار تائید شده است؟

پاسخ این سؤال به تایم فریمی بستگی دارد که معامله گراز آن به عنوان مرجع استفاده می‌کند. به همین دلیل است که من بر روی تایم فریم LTD به عنوان بهترین تایم فریم برای معامله کردن پاافشاری می‌کنم. این تایم فریم ابعاد زمان و جهت حرکت را به ما می‌دهد. این اطلاعات بهترین اطلاعات تجاری است که نظم دلتا در اختیار ما قرار می‌دهد. پاسخ سؤالات این است:

جهت حرکت بازار کدام است؟

ادامه حرکت بازار چقدر زمان می‌برد؟

چند سال پیش، من کتابی با عنوانی «نظریه ADAM در بازارها» یا «عناصر سود چیست» نوشتتم. این کتاب اولین بار «تقارن داخلی» بازارها را فاش کرد. تئوری آدام درباره تقارن داخلی بازار و نظم دلتا درباره تقارن خارجی بازار است. جیم اسلومان هردو آن‌ها را کشف کرد. مطابق با نظریه آدام، هر معامله گری باید برای شروع حرکت بازار منتظر بماند و سپس سوار قطار در حال حرکت شود. آیا این نظریه در تضاد با دلتا نیست؟ اگر معامله گر قصد دارد تا کف و سقف بازار را انتخاب نماید، بلی در تضاد است. ولی اگر معامله گر یک دیدگاه بلند مدت را نسبت به بازار داشته باشد و در زمان و جهت حرکت بازار تمرکز کند، در این صورت نظم دلتا و نظریه آدام با یکدیگر همکاری دارند و زمان همکاری این دو همان جائی است که در آنجا پول به دست می‌آید. تاکنون این بحث به بازارهای آتی پرداخته گرویده است که معمولاً معاملات آن‌ها در مدت زمان کوتاه‌تری از معاملات سهام و اوراق قرضه انجام می‌شود. نظم دلتا باعث می‌شود تا معاملات

سهام در مقایسه با معاملات کالاها آسان تر انجام شود زیرا معاملات سهام واقعاً در تایم فریم های LTD و SLTD قابل اجرا هستند و می تواند به طور نامحدود اجرا شود در حالی که معاملات آتی کالاها تاریخ انقضا دارند. معاملات سهام در مقایسه با معاملات آتی کالاها، بازی فوتیال متفاوتی است. اجازه دهید این موضوع را از منظر دلتا بررسی کنیم.

در معاملات آتی زمان بندی معاملات باید دقیق باشد. هنگامی که معامله گروارد بازار می شود او باید فوراً یک حد ضرر در پوزیشن معامله اش قرار دهد. معامله گر ممکن است قراردادها را در پوزیشن خودش اضافه کند اما باید این کار را تنها زمانی انجام دهد که بازار به سمت مطلوب در جهت خودش در حال حرکت است. او باید قرارداد خرید یا فروش را کمتر از تعداد قراردادهای اصلی اضافه کند. بازار سهام و اوراق قرضه می تواند به صورت نامحدودی معامله شوند و زمان بندی معاملات در آن ها دقیق بسیار کمتری دارد. معامله گر می تواند حتی در خریدهای خود میانگین کم کند. او حتی می تواند در افزایش قیمت نیز میانگین کم کند. او نیازی ندارد تا از حد ضرر استفاده کند و می تواند پوزیشن اش را تا زمانی که بخواهد، نگه دارد.

یکی از جالب ترین استراتژی های معاملاتی، خریدن اوراق قرضه بدون کوپن را در کف قیمتی تایم فریم LTD و فروش آن در اوج قیمتی این تایم فریم می باشد. اوراق قرضه بدون کوپن معوقه، پتانسیل زیادی برای کسب سود دارد. رشد ۲ یا ۳ درصدی اقتصادی می تواند پول شما را دو یا سه برابر کند. بالاتر از همه این ها، مهم نیست که کدام یک از اوراق

قرضه را می خرید، حتی در بالاترین قیمت از سابقه معاملاتی اوراق قرضه، در بدترین شرایط اگر معامله گر اوراق قرضه را تا تاریخ سرسید نگه دارد می تواند در هر سال حدود ۱۰ درصد سود کسب کند.

تنها راهی که معامله گر ممکن است با استراتژی اوراق قرضه بدون کوپن سرمایه اش را از دست بدهد این است که اوراق قرضه اش را در قیمتی پائین تراز قیمتی که آن ها را خریده، بفروشد. تنها دلیلی که او می تواند برای انجام این کار داشته باشد این است که سرمایه اش را برای مقاصد دیگر لازم داشته باشد. نگاهی به نقاط خرید / فروش SLTD ارائه شده در قسمت تایم فریم SLTD اوراق قرضه این گفته ما را تأیید می کند که طولانی ترین مدت زمان از نقطه خرید تا نقطه فروش در تایم فریم SLTD مدت ۲۵ ماه است. این بدان معنی است که سه سال طولانی ترین دوره معامله خواهد بود که حتی به نقطه خرید اجازه می دهد تا زودتر از موعد برسد و زمان نقطه فروش دیر شود.

من فهمیدم که بهترین راه برای خرید و فروش اوراق قرضه بدون کوپن این است که سهام صندوق اوراق قرضه را خرید و فروش نمایم که به شما اجازه می دهد تا تعداد اوراقی را که می خواهید بخرید انتخاب کنید. برخی از این صندوق ها، صندوق های دیگری دارند که کلاً در بازارهای ۹۰ روزه T-Bill دولت سرمایه گذاری می کنند. درواقع می توان یک حساب T-Bill باز کنید و T-Bill مورد علاقه را گردآوری کرده (احتمالاً در نهایت امنیت) و سپس یک حساب اوراق قرضه بدون کوپن باز کنید. سپس با تماس تلفنی اوراق قرضه را توسط انتقال وجه از یک حساب به حساب دیگری خرید و فروش نمایید.

برای کسی که به دنبال پیانسیل بزرگ سودآوری با استفاده از دلتادر شرایط بدون ریسک می‌باشد، این بهترین بازی در شهر است.

در صورت تمایل و به منظور حمایت از اثر و تشویق مترجم
می‌توانید مبلغ دلخواه خود را به شماره حساب زیر
بنام بهنام حسین نژاد واریز نمایید.
۰۱۰۴-۳۳۷۹-۱۶۰۵ (بانک ملت)